

ارمغان انقلاب: تلخیصی از نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی ایران

نویسنده: حسین اسحاقی؛ [با همکاری] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶.

دیباچه

نگاهی به دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی در طلیعه تحقیق گویای عمق و عظمت انقلاب است. در چشم اندازی کلی، مهم ترین دستاوردها عبارتند از: ۱. به وجود آمدن محیطی مناسب جهت رشد کمالات اخلاقی و انسانی و بازگشت به خویشتن. ۲. زدودن مظاهر فساد مانند عشرتکده ها و شراب فروشی ها از عرصه جامعه. ۳. ارتقای نسبی سطح آگاهی های عمومی و روحیه تحقیق. ۴. مبارزه با بی سوادی. ۵. امنیت اجتماعی و قضایی و برقراری حقوق مساوی برای مردم. ۶. ایجاد روحیه وحدت و برادری. ۷. رواج ادبیات انقلاب دینی. ۸. افزایش و رشد مطبوعات و نشریات. ۹. اسلامی کردن مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، نظامی و سیاسی. ۱۰. احیای تفکر دینی، تحول در ارزش های اجتماعی و احیای مفاهیمی مانند جهاد، هجرت، شهادت، ایثار، اخلاص و حج سیاسی. ۱۱. هماهنگی بین تعهد و تخصص و دیانت و روشن فکری. ۱۲. همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۳. افزایش ظرفیت دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی و حوزه های علمیه. ۱۴. مردمی شدن نیروهای مسلح و ایجاد و سازمان دهی نیروی بسیج مردمی. ۱۵. معرفی الگوی زن مسلمان با فراهم ساختن زمینه های تشکیل جشنواره های مختلف بانوان، مطبوعات ویژه زنان، تأسیس جمعیت ها و تشکل های مربوط، فدراسیون ورزشی بانوان و شرکت آنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی از جمله نامزدی برای مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا و خودباوری فرهنگی.

به طور کلی، انقلاب اسلامی ایران بر اساس اصل «نه شرقی، نه غربی»، الگوی فرهنگی جدیدی برای مسلمانان و مستضعفان جهان به ارمغان آورد.

این پژوهش درصدد است تا ارمان و هدایای انقلاب را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی با استفاده از کتاب نودودو دستاورد انقلاب اسلامی ایران به تصویر بکشد. امید که تلاش پژوهشگران این مجموعه مورد استفاده اصحاب رسانه قرار گیرد.

آنه ولی التوفیق

گروه سیاسی اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

آرمان های انقلاب اسلامی را از شعارهای مردم در دوران مبارزه و پیروزی و نیز پیام های رهبران سیاسی و فکری به ویژه، امام خمینی رحمه الله، رهبر کبیر انقلاب می توان شناخت. برای دریافت دقیق تر باید مهم ترین آرمان های انقلاب را در حوزه های سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد جست. در این زمینه، آرمان های فرهنگی و اجتماعی انقلاب را می توان چنین برشمرد: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا؛ مبارزه با مظاهر فساد و تباهی؛ بالا بردن سطح آگاهی های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی؛ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه مردم در تمام سطوح آموزشی؛ تسهیل و گسترش آموزش عالی تا سرحد خودکفایی کشور؛ تقویت روح پژوهش و نوآوری با تأسیس مراکز پژوهشی و تشویق پژوهشگران؛ رفع تبعیض های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در زمینه های مادی و معنوی؛ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری؛ ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همگان؛ تساوی همه در برابر قانون؛ توسعه و تحکیم برادری اسلامی؛ تدوین قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی بر اساس موازین اسلامی؛ برخورداری همه مردم از حقوق برابر بدون توجه به قوم، قبیله، رنگ، نژاد و زبان؛ برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، از کارافتادگی، بی سرپرستی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره؛ تأمین آزادی های اجتماعی از جمله آزادی کار و حق دادخواهی برای هر فرد؛^(۱) از بین بردن مراکز و مظاهر فساد در جامعه؛ برچیدن سفره رشوه خواری و احیای مفاهیم دینی همچون جهاد و شهادت.

آرمان سیاسی انقلاب اسلامی را در این موارد می توان یافت: براندازی نظام سلطنتی و ایجاد حکومت مستقل دینی؛ اداره امور کشور بر اساس شورا؛ دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر؛ نفی هرگونه ستمگری، ستم کشی، سلطه گری و سلطه پذیری؛ امنیت داخلی و نفی تفتیش عقاید، سانسور و تجسس مگر به حکم قانون؛ آزادی نشریات، مطبوعات، اجتماعات و راه پیمایی ها؛ تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛ اتکا به آرای عمومی در اداره کشور و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش؛ طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛ محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی؛ تقویت کامل بنیه دفاع ملی برای حفظ استقلال و یک پارچگی سرزمین؛ تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از

- ابرگرفته از اصول ۳، ۴، ۱۹، ۲۸، ۳۰ و ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

مستضعفان جهان؛ ایجاد روابط صلح آمیز متقابل با دولت های غیرمحارب؛ حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر^(۱).

آرمان برون مرزی و مسئولیت های فراملی انقلاب اسلامی در صدور پیام انقلاب، حمایت همه جانبه از ملل مستضعف و مسلمانان جهان و در انداختن طرحی نو در نظام بین المللی متجلی بود. امام خمینی رحمه الله در نخستین سال پیروزی انقلاب در تعیین راهبرد سیاست خارجی اعلام داشت:

ملت آزاده ایران اکنون از ملت های مستضعف جهان در مقابل آنهایی که منطقتشان، توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می نماید. ما از تمام نهضت های آزادی بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می کنند، پشتیبانی می کنیم^(۲).

همچنین ایشان در وصیت نامه سیاسی - الهی خود، نظریه تشکیل دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل را طرح کرد:

و شما ای مستضعفان جهان! و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل به پیش بروید^(۳).

۱- برگرفته از اصول ۳، ۶، ۷، ۸، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۹.

۳- همان، ج ۲۱، ص ۲۰۳.

درباره آرمان های اقتصادی انقلاب اسلامی نیز باید به این موارد اشاره کرد: جلوگیری از غارت بیت المال به دست خاندان شاهنشاهی و وابستگان آن؛ حفظ ذخایر زیرزمینی؛ تلاش برای پیشرفت صنعتی و تکنولوژیک کشور با برنامه ریزی درست اقتصادی؛ استفاده از علوم و فنون؛ تربیت افراد ماهر؛ دست یابی به استقلال و خودکفایی اقتصادی؛ خودکفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی؛ پی ریزی اقتصاد علمی و عادلانه بر اساس ضوابط اسلامی؛ ایجاد رفاه و ریشه کن کردن فقر؛ تأمین نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش؛ فراهم آوردن امکانات لازم برای تشکیل خانواده با تأمین شرایط اشتغال کامل؛ تنظیم برنامه اقتصادی کشور با در نظر گرفتن تناسب میان شکل و محتوا با هدف ایجاد فرصت خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی؛ منع اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگران؛ منع اضرار به غیر؛ جلوگیری از انحصار، احتکار و ربا؛ منع اسراف و تبذیر؛ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان بر اقتصاد کشور؛ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛ عدالت اقتصادی؛ کم کردن فاصله طبقاتی و محرومیت زدایی از روستاهای کشور^(۱).

در واقع، دستاوردهای انقلاب اسلامی، همان آرمان ها و هدف هایی هستند که به صورت کلی یا جزئی تحقق یافته اند. در ارزیابی

۱- برخی از موارد برگرفته از اصل ۳، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی است.

دستاوردهای انقلاب اسلامی باید به آرمان های انقلاب اسلامی، وضعیت پیش از انقلاب، امکانات و توانایی های کشور و فشارها و توطئه های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب توجه کرد. برای مثال، سرنگونی رژیم سلطنتی و جایگزینی جمهوری اسلامی و نیز کسب استقلال سیاسی از جمله دستاوردهای انقلاب بود که با پیروزی آن محقق شد، در حالی که دست یابی به استقلال اقتصادی، به زمان و تلاش بیشتری نیاز دارد.

حضرت امام راحل، دست یابی به اهداف انقلاب را در گرو کوشش همه ملت امکان پذیر می دانست:

به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آورده اید، همچون عزیزترین امور، قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن که نعمتی عظیم و الهی و امانت بزرگ خداوندی است، کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید، نهراسید که «ان تنصر الله ينصرکم و يثبت اقدامکم»^(۱).

در این مجموعه که با محوریت، تلخیص و بهره‌برداری از اندوخته‌های پژوهشی معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه (اداره تبلیغات) با عنوان پژوهش «نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی» با همکاری جناب آقای محمد صالح نیا تهیه شده است، می‌کوشیم تا مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی را بازنمایی کنیم.

-اصحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۱.

می‌دانیم که هنوز بسیاری از این دستاوردها آن‌گونه که باید و شاید، معرفی نشده است. از این رو، از خداوند منان می‌خواهیم توفیق بازنمایی این دستاوردها را عنایت فرماید.

دستاوردهای سیاسی

۱۰. سرنگونی رژیم

غرب، امریکا، محمدرضاشاه، وابستگان حکومت پهلوی و بسیاری از مردم ایران هرگز باور نمی‌کردند که روزی رژیم مقتدر و تا دندان مسلح پهلوی سرنگون شود. به همین دلیل، برخی مبارزان انقلابی در دوران مبارزه تنها در پی ایجاد تغییرهایی در رژیم همراه با حفظ اصل آن بودند. در مقابل، حضرت امام خمینی رحمه الله از ابتدا بر ضرورت ساقط کردن رژیم پهلوی تأکید می‌ورزید. ایشان می‌فرمود:

تا محمدرضا و دودمان پهلوی هست، ما نمی‌توانیم یک روی آزادی و یک روی استقلال برای مملکتمان ببینیم. ما می‌گوییم شاه تا نرود، آرامش برای مردم پیدا نمی‌شود^(۱).

ایشان در کلامی دیگر می‌فرماید:

مجرم دست اول عبارت از امریکاست. مجرم دست دوم عبارت از این شاه است. ما حالا گرفتار این مجرمی که دست دوم است، هستیم^(۲).

با موضع گیری قاطعانه امام رحمه الله، مردم نیز شجاعانه و با روحیه ای بالا و با جدیت بیشتر در پی ساقط کردن رژیم برآمدند و به کمتر از آن

۱- کوثر، (مجموعه سخنرانی های امام خمینی رحمه الله)، ص ۴۴۹.

۲- همان، ص ۳۶۹.

قانع نشدند. اعتراض ها و تظاهرات خودجوش به قدری پرشور بود که کمتر کسی تصور می کرد این نهضت، مردمی است و بدون پشتوانه عوامل خارجی انجام می گیرد. در همین زمینه، امام خمینی رحمه الله در توصیف پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی می فرماید:

این کار بشری نبود. این کار خدایی بود. بشر می تواند یک شهر را، یک منطقه را آزاد کند، اما نمی تواند یک اجتماع را این چنین به حرکت در آورد که با دست خالی یک سلطنت ۲۵۰۰ ساله را واژگون کرد. در چهارم آبان در بازار بزرگ تهران از ترس پاسبانی، کسی تصور نمی کرد که بتواند یک پرچم نزند. چه طور می شود این حرکت به این عظمت را بشری دانست. کار، کار الهی بود؛ کار خدا بود. همه اقشار و طبقات متحد شدند و ریشه این جنایت کار را از بیخ و بن برانداختند و بر علیه استعمار مبارزه کردند. چون خدای بزرگ، پشتیبان این ملت بود، کار به سامان رسید و انقلاب پیروز شد(۱).

۲. ایجاد حکومت جمهوری

رژیم پهلوی در قانون و عمل، هیچ نقشی برای مردم قائل نبود. مردم جایگاه مؤثری در رژیم پهلوی نداشتند و رژیم به مردم متکی نبود. انقلاب اسلامی، به این سیاست و بینش که خاص رژیم های سلطنتی است، پایان داد. بدین ترتیب، مردم در مهم ترین ساختارهای حکومتی، وضع قوانین و همه پرسى ها و اداره کشور نقش اصلی و تعیین کننده یافتند. در دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، مردم، مخاطب اصلی و همراهان همیشگی امام بودند. امام، مردم را ولی نعمت مسئولان کشور

۱- در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۱۳۱.

می دانست و همه مقام های مملکتی را به خدمت به آنها دعوت و سفارش می کرد. اکنون حکومت ما، از دو پایه اصلی «اسلامی» و «جمهوری» شکل گرفته و این ترکیب بسیار قابل توجه است. در این نظام، در عین

وفاداری به اسلام، نقش مردم نیز حفظ شده است. اصل اول قانون اساسی، به جمهوری بودن حکومت تصریح می کند. در این اصل آمده که حکومت ایران، جمهوری اسلامی است. همچنین قانون اساسی، دولت را به مشارکت دادن مردم در تعیین سرنوشت خود ملزم کرده است (۱). بر اساس اصل ششم قانون اساسی، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود که انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها و همه پرسی، نمونه آن است. این اصل به کلیات جمهوری بودن نظام و نقش مردم در آن اشاره می کند.

مردم ایران در یازدهم فروردین ۱۳۵۸ با اکثریت ۹۸/۲ درصدی به حکومت جمهوری اسلامی رأی دادند. مردم در تصویب قانون اساسی نیز مشارکت جدی داشتند. آنان ابتدا خبرگان تدوین کننده قانون اساسی را آزادانه انتخاب کردند و سپس به قانون اساسی مصوب همین مجلس خبرگان رأی مثبت دادند. «قانون اساسی نظام اسلامی ایران برای نخستین بار در همه پرسی سال ۱۳۵۸ با رأی مثبت ۹۹/۵ درصد شرکت کنندگان مصوب شد (۲)». در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸

۱- اصل سوم قانون اساسی.

۲- عباس علی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۱، ص ۲۰۱.

نیز مردم با رأی مثبت ۹۷/۳۸ درصدی خود اصلاحات آن را به تصویب رساندند.

از دیگر جلوه های جمهوری بودن نظام، انتخاب شخص اول مملکت یعنی مقام رهبری است. این حق در اصل ۱۰۷ قانون اساسی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم پیش بینی شده است. روش مستقیم در جایی است که به صورت آشکار، رهبر، مورد پذیرش اکثریت قاطع مردم باشد که مقبولیت حضرت امام خمینی رحمه الله چنین بود. روش غیرمستقیم، پس از ایشان به اجرا درآمد. در این روش، ابتدا مردم، خبرگان را انتخاب می کنند. سپس خبرگان از میان فقیهان دارای شرایط در اصول ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی، رهبری را برمی گزینند که اعلم بوده و از پذیرش همگانی برخوردار باشد. انتخاب رئیس جمهور نیز یکی دیگر از ویژگی های جمهوری بودن نظام اسلامی است. مردم، عالی ترین مقام کشور پس از رهبری را که ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد، با رأی مستقیم خود انتخاب می کنند. مردم در انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز دخالت دارند. نمایندگان علاوه بر قانون گذاری، از وظایف و اختیارات مهم دیگری همچون رأی دادن به وزیران کابینه، استیضاح رئیس جمهور و وزیران، تصویب بودجه کل کشور، تحقیق و تفحص در تمام امور کشور، تصویب عهدنامه ها و

موافقت نامه های بین المللی و... برخوردارند. با توجه به اهمیت وظایف نمایندگان، واگذاری حق انتخاب آنان به مردم می تواند از جلوه های مهم جمهوری بودن نظام باشد.

۳. مردمی شدن نظام

هر حکومتی برای مقابله با مشکلات بزرگ به تکیه گاهی محکم نیاز دارد. در چنین زمان هایی، حکومت های پوشالی به قدرت های استعماری، سازمان های اطلاعاتی، نیروهای نظامی، امکانات اقتصادی، تبلیغات و فریب کاری متوسل می شوند. رژیم پهلوی نیز از این دسته دولت ها بود. انقلاب اسلامی ایران، این دستاورد ارزشمند را برای مردم به ارمغان آورد که حکومت برای حل مشکلات مهم خود به مردم متکی باشد و از آنان کمک بخواهد. حضرت امام خمینی رحمه الله در صحنه های مختلف مبارزه و انقلاب مانند راه پیمایی ها، اعتصاب ها، پخش اعلامیه و درگیری مسلحانه با عوامل رژیم در روزهای پایانی حکومت پهلوی، بر حمایت مردمی از انقلاب، تکیه داشت. در جنگ تحمیلی عراق بر ایران نیز حکومت با تکیه بر نیروی مردم توانست متجاوز را تنبیه کند و در سر جایش بنشانند. مردم با حضور یک پارچه خود در صحنه های مختلف دفاع مقدس، عالی ترین و زیباترین مصداق پیوند حکومت با مردم را به تصویر کشیدند. همچنین در دوران محاصره اقتصادی ایران اسلامی از سوی قدرت های استکباری به ویژه امریکا، دولت اسلامی با جلب همکاری ها و مشارکت مردم و نهادهای روحیه سازندگی در آنها توانست بر بحران چیره شود و دشمن را به زانو درآورد.

۴. حضور فعال مردم در انتخابات

برگزاری انتخابات آزاد و احترام گذاشتن به آرا و عقاید مردم، نشانه ای از اعتماد متقابل بین دولت و مردم و شرکت دادن مردم در اداره کشور است. در زمان رژیم پهلوی، انتخابات و توجه به آرای مردم در عمل، معنا و مفهوم واقعی نداشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، اوضاع دگرگون شد. حکومت اسلامی با تبیین اعتقاد به جمهوری بودن نظام، زمینه مشارکت مردم را فراهم ساخت و مردم نیز با دیدن آزادی عمل در میدان مشارکت واقعی و حقیقی و باورمندی به تکلیف شرعی، فعالانه وارد صحنه انتخابات شدند. تاکنون بیش از بیست دوره انتخابات با وجود مشکلات گوناگون و توطئه های پیدا و پنهان دشمنان داخلی و خارجی با شورآفرینی فراوان مردم برگزار شده است. مردم در تمام انتخابات یاد شده با اراده آزاد خویش شرکت کرده و آزادانه رأی دل خواه خود را به صندوق های رأی انداخته اند.

این دستاورد شکوهمند، مایه سرافرازی و افتخار مردم عزیز ایران و نظام اسلامی در جهان به ویژه در برابر مدعیان دموکراسی و جمهوری است.

۱۵. احیای مذهب تشیع و هویت اسلامی

در طول تاریخ، دین اسلام و مذهب تشیع در کانون تهاجم دشمنان قرار داشت و سیاست محوری و حرکت جدی دشمنان تا حدودی زیادی، این مذهب پویا را به انزوا کشیده بود. دشمن با آگاهی کامل از قدرت و روحیه سلحشوری و مبارزاتی شیعیان در طول تاریخ نهضت ها و حرکت های شیعی، این سیاست را در پیش گرفته بود. البته ستیز با اسلام و تشیع، محدود به قلمرو کشور ایران نبود، بلکه در همه جای دنیا گسترده بود. تا قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، اسلام و تشیع نه تنها در عرصه حکومت و حاکمیت حضور مؤثری نداشت، بلکه بسیاری از احکام و ابعاد آن منزوی شده بود. قوانین و احکام گسترده و همه جانبه اسلام صرفاً در برخی از امور زندگی مسلمانان نقش داشت و بیشتر موضوعی فرعی قلمداد می شد و به عبادت های فردی و آداب و رسوم مذهبی محدود بود. امام خمینی رحمه الله در مورد به انزوا کشیدن اسلام تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فرمود:

اسلام داشت منسی می شد. اسلام را داشتند منهدم می کردند. قرآن را داشتند زیر چکمه ها از بین می بردند. قیام شما جوان های ایران، قیام شما ملت ایران که قیام الهی بود، نهضت الهی بود، قرآن را زنده کرد؛ حیات تازه به اسلام بخشید(۱).

رژیم پهلوی، شیعه ستیزی را در دستور کار خود قرار داده بود و به صورت فزاینده ای با هدف حذف اسلام از همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم مسلمان ایران، در غیراسلامی کردن قوانین و مقررات کشور، سپردن پست های کلیدی حکومت به دست افراد ناصالح و ضددین، ترویج بهائیت، حذف اسلام از دانشگاه ها و مدارس، به تمسخر گرفتن معارف و احکام اسلامی، حذف اسلام از صحنه های اجتماعی با دامن زدن به مسائل ملی و ملی گرایی و حتی ستیز با آثار و

- ادر جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۳۷۸.

مظاهر دینی در امور جزئی و شکلی مانند تغییر مبدأ تاریخ کشور و بی حرمتی به مناسبت های مذهبی می کوشید. حسین فردوست، نزدیک ترین دوست شاه و محرم اسرار وی در مورد ترویج بهائیت می نویسد:

یکی از فرقه‌هایی که توسط اداره کل سوم ساواک به دقت دنبال می‌شد، بهائیت بود. شعبه مربوطه، بولتن‌های نوبه‌ای سه‌ماهه تنظیم می‌کرد که یک نسخه از آن از طریق من به اطلاع محمدرضا می‌رسید. این بولتن، مفصل‌تر از بولتن فراماسونری بود. محمدرضا از تشکیلات بهائیت و به خصوص افراد بهایی در مقامات مهم و حساس مملکتی اطلاع کامل داشت و نسبت به آن حسن ظن نشان می‌داد. اصولاً رضاخان نیز با بهائیت روابط حسنه داشت تا حدی که اسدالله صنیعی را که یک بهایی تراز اول بود، آجودان مخصوص محمدرضا کرد که بعدها به وزارت جنگ و وزارت خواربار رسیده [بود]، ولی نفوذ اصلی بهائیت در دوران عبدالکریم ایادی بود. ایادی از خانواده تراز اول بهائیت بود. ایادی با نفوذی که نزد محمدرضا کسب کرد، بهایی‌ها را به مقامات عالی رساند. او مسلماً در رسانیدن امیرعباس هویدا (که بهایی بود) به نخست‌وزیری نقش اصلی داشت. در زمان هویدا، دیگر کار بهایی‌ها تمام بود و مقامات عالی مملکت توسط آنها به راحتی اشغال می‌شد. محمدرضا نه تنها نسبت به نفوذ بهایی‌ها حساسیت نداشت، بلکه خود او صراحتاً گفته بود که افراد بهایی در مشاغل مهم و حساس مفیدند؛ چون علیه او توطئه نمی‌کنند. بهاییانی که به مقامات حساس می‌رسیدند، از موقعیت خود برای ثروتمند شدن جامعه بهائیت استفاده می‌کردند تا از این طریق، اقتصاد مملکت را به دست گیرند. بهاییانی که می‌شناختم، همه بسیار ثروتمند بودند. در زمان حاکمیت ایادی بود که بهایی‌ها در مشاغل مهم قرار گرفتند و در ایران، بهایی بی‌کار وجود نداشت. در دوران ایادی، تعداد بهایی‌های ایران به سه برابر رسید(۱).

محمدرضا پهلوی گاهی در موضع‌گیری‌هایش به قصد خود مبنی بر حذف اسلام از امور کشور اشاره می‌کرد. او در مراسم رسمی پنجاهمین سالگرد بنیان‌گذاری سلسله پهلوی، درباره گرایش خود به ملی‌گرایی افراطی، با صراحت چنین گفت:

من اعلام می‌کنم که ما سلسله پهلوی، به چیزی جز ایران عشق نمی‌ورزیم و برای چیزی جز حرمت ایرانیان تعصب نداریم و وظیفه‌ای جز خدمت به کشور و ملت خود نمی‌شناسیم(۲).

او در راستای اسلام زدایی، در سال ۱۳۵۵ خورشیدی، تاریخ رسمی ایران را به ۲۵۳۵ شاهنشاهی تغییر داد. از آن جا که پرداختن به تلاش‌های گوناگون حکومت پهلوی برای اسلام زدایی به درازا می‌کشید، از آن چشم می‌پوشیم. پیروزی انقلاب پربرکت اسلامی ایران، نه تنها به ستیز با دین در داخل کشور پایان داد، بلکه عظمت تشیع و اسلام را در جهان احیا کرد. تشکیل مجمع جهانی اهل بیت به دستور مقام معظم رهبری نیز موجب آشنایی بیشتر مردم جهان با مذهب انقلابی تشیع شد. حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه‌الله درباره احیای تشیع فرموده است:

بزرگ ترین دستاورد انقلاب این بود که امام رحمه الله، شیعه را برای اولین بار به دنیا معرفی کرد و تا آن زمان، شیعه به دنیا معرفی نشده بود. شاید صدی نود دنیا اصلاً از مذهبی و مکتبی به نام تشیع اطلاعی

۱- حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، صص ۲۰۲ و ۳۷۴.

۲- رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۴۴.

نداشتند، ولی این انقلاب امام سبب شد که مسئله تشیع در همه دنیا مطرح شد (۱).

امام خمینی رحمه الله نیز در این باره می فرمود:

آنچه ما به دست آوردیم، این است که ما اسلام را در اینجا زنده کردیم. پیش تر اسمی از اسلام بود، ولیکن اسلام، اصلش نبود؛ یعنی اصلش، دعوا با اسلام بود. می خواستند اسلام زدایی کنند (۲).

زنده شدن هویت اسلامی که از مهم ترین دستاوردهای انقلاب به شمار می رود، به اندازه ای مهم است که رهبر فرزانه انقلاب، آن را یکی از دو کار بزرگ انقلاب می داند:

انقلاب اسلامی در حقیقت، دو کار بزرگ انجام داده است که یکی، تشکیل نظام اسلامی و دیگری، زنده کردن هویت اسلامی در دنیاست (۳).

بسیاری از شخصیت های سیاسی جهان نیز در سخنان خود به این واقعیت اشاره کرده اند. احمدبن بلا، نخستین رئیس جمهور الجزایر پس از انقلاب این کشور در این مورد می گوید:

انقلاب اسلامی ایران، حیثیت اسلامی را به او بازگرداند. ملل عرب باید زنده شدن اسلام را در قرن بیستم مدیون انقلاب اسلامی ایران باشند. این اسلامی که دنیای عرب را به اجبار دگرگون خواهد ساخت. امروز آوای نهضت خمینی در دور افتاده ترین نقاط جهان اسلام به گوش می رسد. در دورافتاده ترین قبایل صماری افریقا، سخن

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶/۶/۱۳۷۸.

۲- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۷۰.

۳-خطبه نماز جمعه تهران، ۲۰/۱۱/۱۳۷۴.

از روحی تازه است که انقلاب ایران در قرن بیستم به اسلام داده است(۱).

وزیر تعلیمات و امور مذهبی الجزایر نیز چنین گفته است:

آیت الله خمینی اعتبار اسلام را در نظر ملل اسلامی و غیراسلامی بازگردانید. امام خمینی رحمه الله، تجسم زنده ای از حضرت علی علیه السلام است(۲).

۶. ایجاد زمینه اتحاد تشیع و تسنن

گسترش دین اسلام به عنوان یکی از ادیان پویا که بیش از یک میلیارد نفر جمعیت دارد، یکی از دغدغه های اصلی استکبار جهانی به شمار می رود. دشمن می کوشد با ایجاد اختلاف و شکاف افکندن در درون این نیروی عظیم اسلامی، جهان اسلام را تضعیف کند. آنان به خوبی می دانند که بر اثر تشدید اختلافات مذهبی، توان و انرژی مذاهب اسلامی در درگیری با یکدیگر مصرف می شود و هیچ کدام رشد نمی کنند. همچنین این اختلافات سبب بدبینی دیگر ادیان به آنها می شود؛ چون می گویند وقتی مسلمانان با هم ناسازگارند، چگونه می توانند با دیگر ادیان بسازند. به همین دلیل، دشمنان تنها در پی برجسته سازی نقاط افتراق مذهب تشیع و تسنن هستند و هیچ گاه از نقاط اشتراک آنان یاد نمی کنند.

۱-ارویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۱۲۳.

۲-همان، ص ۱۲۲.

امام خمینی رحمه الله با تیزبینی و درایت خود سال ها پیش در سال ۱۳۴۳ فرمود:

دولت های استعمارطلب، دولت هایی که می خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، با وسیله های مختلف، با نیرنگ های متعدد، دول اسلامی را اغفال می کنند. گاهی به اسم شیعه و سنی اختلاف ایجاد می کنند. تبلیغاتی می کنند که طوایف مسلمین به جان هم بیفتند و با هم اختلاف شیعه و سنی پیدا کنند. دست های ناپاکی که بین شیعه و سنی در این ممالک اختلاف می اندازند، اینها نه شیعه هستند و نه سنی هستند. اینها دست های ایادی استعمار هستند(۱).

حضرت امام پس از پیروزی انقلاب نیز بارها به این توطئه ها اشاره کرد و در ششم شهریور ۱۳۵۸ فرمود:

از جمله خیانت هایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده اند، ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعه است (۲).

ایشان در پیام به مسلمانان در آستانه برپایی مراسم حج در سال ۱۳۶۰ نیز فرمود:

طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می برند (۳) ...

حضرت امام یک روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فرموده بود:

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم. واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلمه ای بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان ها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که

۱- جمیله کدیور، در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۱۰۱.

۲- همان، ص ۱۰۷.

۳- همان، ص ۱۲۶.

می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند (۱).

به برکت انقلاب و هدایت خردمندانه حضرت امام، وحدت بین پیروان مذاهب اسلامی در منشور نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفت. وحدت امت اسلام که در قرآن کریم و سنت پیامبر گرامی اسلام ریشه دارد، به عنوان یکی از استراتژیک ترین و حیاتی ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۱۱ و ۱۲ قانون اساسی تجلی یافته است. در اصل ۱۱ می خوانیم:

به حکم کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون؛ این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید) «انبیاء: ۹۲» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

همچنین اصل دوازدهم قانون اساسی درباره احترام به مذاهب اسلامی چنین مقرر می‌دارد:

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت)

-همان، ص ۱۰۳.

و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز همیشه به وحدت شیعه و سنی و جلوگیری از اختلافات مذهبی اشاره فرموده و همگان را به توجه به نقاط اشتراک مذاهب فراخوانده است:

مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست. بحث ما این است که می‌خواهیم به همه مسلمانان از شیعه و سنی بگوییم و تذکر بدهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید. آن نقاط اشتراک بیش از نقاط افتراق است. یعنی همه مسلمین به خدای واحد و قبله واحد و پیامبر واحد و احکام و نماز و روزه و زکات و حج اعتقاد دارند. هم اکنون بیش از یک میلیارد نفر مسلمان در نقاط مختلف عالم زندگی می‌کنند که نقطه تراکم آنها همین منطقه بین شرق و غرب است که از لحاظ استراتژیکی و موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقلیمی و آب و هوایی، حساس‌ترین مناطق عالم دست اینهاست. ما می‌گوییم ای مسلمانان عالم، در هر جای دنیا که هستید، اگر با هم دشمنی نکنید، علیه هم مبارزه و جنگ نکنید و دشمنان و دوستانتان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز است، تفاوت خواهد کرد (۱). لذا یکی از پیام‌های عمده انقلاب ما، وحدت

-احادیث ولایت مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۲۰۷.

مسلمین است. ما در همه جای دنیای اسلام، این حرف را می‌زنیم (۱).

در حوزه عمل نیز جمهوری اسلامی ایران در تمامی صحنه‌ها، وحدت شیعه و سنی را به نمایش گذاشته است. برای نمونه، مجمع «التقریب بین المذاهب الاسلامیه» در سال ۱۳۶۹ با هدف ایجاد نزدیکی بین فرقه‌های اسلامی به وسیله مقام معظم رهبری تشکیل شد. همچنین اعلام ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول به عنوان «هفته وحدت» در ایجاد وحدت اسلامی نقش مهمی داشته است. پیش از این، اهل سنت، دوازدهم و شیعیان، هفدهم ربیع الاول را به عنوان ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله‌جداگانه جشن می‌گرفتند.

۱۷. اثبات پیوند دین و سیاست

در گذشته، دو گروه تلاش و تبلیغات گسترده‌ای مبنی بر جدایی دین از سیاست می‌کردند. گروه اول از روی نادانی از جدایی دین و سیاست، هواداری و آن را تبلیغ و ترویج می‌کرد. این گروه شامل دو دسته‌اند: نخست، افراد واپس‌گرا و مقدس‌مآب و مسلمان که به علت شناخت نادرست اسلام و گاه برای حفظ تقدس ظاهری دین و مذهب و جلوگیری از آلوده شدن آن به مظاهر فساد سیاست، هوادار جدایی دین از سیاست هستند. متأسفانه این دسته در بین برخی روحانیان نیز پایگاه فکری دارند. حضرت امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش خطاب به این گروه می‌فرماید:

باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله

-اهمان، ص ۲۱۱.

آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند، در سایر چیزها ندارند، بلکه بسیاری از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی (۱).

حضرت امام رحمه الله بارها بر این پیوند تأکید داشت. ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

مسائل اسلام، مسائل سیاسی است و سیاستش غلبه دارد به چیزهای دیگرش (۲). آن قدر آیه و روایت که در سیاست وارد شده است، در عبادات وارد نشده است. شما پنجاه و چند کتاب فقه را ملاحظه می‌کنید. هفت،

هشت تایش کتابی است که مربوط به عبادات است، باقی اش مربوط به سیاست، اجتماعیات و معاشرات و این طور چیزهاست. اسلام، دین سیاست است و حکومت دارد(۳).

دسته دوم از گروه اول، کسانی هستند که مسلمان نیستند. اینان گرچه در ظاهر پیرو دیگر ادیان الهی هستند، ولی اصولاً اعتقادات دینی عمیق و قابل توجهی ندارند. از همین دسته، برخی دیگر به خاطر گرایش های اومانیستی (اصالت انسان) چنین تفکری دارند. اینان قانون گذاری و تعیین ضوابط حکومتی را از آن خداوند متعال نمی دانند و چنین حقی را تنها برای بشر قائل هستند و نظر انسان خاکی را بر خداوند ترجیح می دهند. به همین دلیل، در مسائل سیاسی و حکومتی،

-اصحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۸.

-۲در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر هشتم، ص ۱۹۶.

-۳کوشر ۳ (مجموعه سخنرانی های امام خمینی رحمه الله)، ص ۱۱۳.

نقش و اختیاری برای دین و خدا قائل نمی شوند. برخی از این دسته، ماهیت اصلی دین را با تجربه عملی دخالت ناموفق کلیسا در سیاست تطبیق می دهند و محکوم می کنند. از این نظر، اینان خاطره خوشی از پیوند دین و سیاست ندارند.

گروه دوم از هواداران جدایی دین از سیاست، کسانی هستند که از روی آگاهی و شناخت کافی و با هدف مقابله با نقش مثبت دین در امور حکومتی، وارد میدان شده اند. اینان با شناخت و آگاهی لازم، دست به توطئه جداسازی دین از سیاست می زنند. این گروه، از دشمنان کینه توز اسلامند که به خوبی از نقش سازنده دین در سیاست و تقابل آن با منافع نامشروع و تجاوزگرانه خویش آگاهی دارند. به همین دلیل، در سراسر دنیا به ویژه در کشورهایی که اکثریت مردم آنان را مسلمانان تشکیل می دهند، برای حذف، نقش دین در مسائل حکومتی تلاش می کنند. حضرت امام خمینی رحمه الله در پرده برداری از این ترفند دشمنان اسلام می فرماید:

این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده اند، این را بی دین ها می گویند(۱).

ایشان در وصیت نامه تاریخی خود از زاویه ای دیگر به این توطئه اشاره می کند:

از توطئه های مهمی که در قرن اخیر، مخصوصاً در دهه های

- ادر جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر هشتم، ص ۱۹۰.

معاصر، به ویژه پس از پیروزی انقلاب، آشکارا به چشم می خورد، تبلیغات دامنه دار با ابعاد مختلف برای مآیوس نمودن ملت ها و [به] خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است، نمی تواند در عصر حاضر، کشورها را اداره کند و گاهی مودیان و شیطنت آمیز به گونه طرفداری از قداست اسلام، که اسلام و دیگر ادیان الهی سروکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی.

۱۸. اثبات توانایی اسلام و تشیع برای به دست گرفتن حکومت

هر نوع مبارزه و قیامی به دستاویز نیرومند و موتور محرکه قوی نیاز دارد تا آن را به حرکت اندازد. بدون وجود اهرم انگیزشی قوی و پشتوانه فکری و ایمانی قدرتمند، نمی توان مبارزه را پیش برد. در واقع، رسیدن به هدف انقلاب، مستلزم برخورداری از عامل برانگیزاننده قوی است. برخی نهضت های انقلابی، انگیزه های مادی را اهرم مبارزه می کنند. برخی دیگر نیز با تحریک عواطف و احساسات آزادی خواهان، مردم و مبارزان را به قیام و انقلاب فرا می خوانند. بعضی دیگر، ملی گرایی و وطن دوستی را موتور مبارزه می سازند و از این راه، حس ملی گرایی مردم را تحریک می کنند. دسته دیگر، انگیزه قومی و نژادی را برای هم بستگی نیروهای انقلابی به کار می گیرند و گروهی دیگر از عوامل صنفی و قشری بهره می برند. مثلاً انگیزه قیام خود را خوش بختی و حاکم ساختن قشر کارگر قرار می دهند و توده مردم محروم و زحمت کش را بر ضد قشر مرفه جامعه برمی انگیزانند. در کنار همه این انگیزش ها، انگیزه دیگری که در انقلاب اسلامی ایران نقش داشت، محوریت بخشیدن به دین و مکتب اسلام در مبارزه بود. این انگیزه شیعی، سابقه درخشانی در تاریخ اسلام دارد. قیام های شیعی که با الگوگیری از قیام امام حسین علیه السلام صورت گرفته اند، در تاریخ انقلاب های پرشور جهان از برجستگی خاصی برخوردارند. متأسفانه این موتور محرکه از دید بسیاری از مسلمانان پنهان مانده بود و تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، آنان به این نیروی موجود آگاهی نداشتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها از نظر تئوری، بلکه در عمل اثبات کرد که انگیزه های غیردینی و غیراسلامی، کارآیی لازم را ندارند و برای رسیدن به سرمنزل مقصود، کافی نیستند. این انقلاب، تأییدی بر قدرت فوق العاده انگیزه اسلامی و خط بطلانی بر کارآمدی دیگر انگیزه ها بود. بنیان گذار انقلاب اسلامی در این مورد می فرماید:

آنهایی که خیال می کردند با اسلام نمی شود مردم را به حرکت در آورد، فهمیدند که همه تحریک ها از اسلام است. قرآن، کتاب تحرک است، جنبش است (۱). این قدرت اسلام بود که با دست خالی، یک ملتی را بر یک دولت غاصب بزرگ و ابرقدرت های بزرگ عالم غلبه داد (۲).

پیروزی انقلاب اسلامی با انگیزه های دینی، توانایی اسلام را در سامان دهی مبارزه و انقلاب، به همه جهانیان به ویژه مسلمانان ثابت

۱- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر دهم، ص ۱۳۴.

۲- همان، ص ۱۵۵.

کرد و در پویایی حرکت های اسلامی نقش به سزایی داشت. شیخ اسعد تمیمی، یکی از رهبران فلسطینی می گوید:

تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود، حتی در عرصه واژگان مثلاً به جای «جهاد»، از کلماتی همچون «نضال» و «کفاح» استفاده می شد. انقلاب ایران، واقعیت قدیمی «اسلام، راه حل و جهاد، وسیله اصلی است» را به سرزمین فلسطین وارد کرد (۱).

دکتر زیاد ابو عمرو نیز می گوید:

از ابتدا بنیان گذاران جهاد اسلامی فلسطین تلاش کردند تا از دروس انقلاب اسلامی در ایران الهام گیرند و تلاش کردند تا آن را به روش فلسطین نیز تطبیق دهند. انقلاب اسلامی تأکید کرد که اسلام تنها راه حل است و جهاد، مناسب ترین اسلوب است (۲).

فیدل کاسترو نیز در کلامی صریح می گوید:

پس از فروپاشی شوروی سابق، به صحت توصیه های آیت الله خمینی به گورباچف پی بردم و معتقدم مدل قرآنی رهبر فقید ایران باید به جای مدل های غربی در دستور کار برنامه های جهانی قرار گیرد (۳).

۱۹. اثبات توانایی روحانیان در رهبری و حکومت داری

تا قبل از پیروزی انقلاب، این تفکر شایع بود که روحانیان توان رهبری و هدایت یک انقلاب و اداره حکومت را ندارند. دو گروه این موضوع را تبلیغ می کردند. گروهی که از قدرت و توانایی روحانیان آگاهی

۱- رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۱۱۳.

۲- زیاد ابوعمرو، جنبش های اسلامی در فلسطین، ص ۹۵.

۳- نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، صص ۲۴ - ۲۵.

داشتند، ولی به دلیل کینه توزی نسبت به اسلام و روحانیان این فکر را ترویج می کردند. دشمنان خارجی، وابستگان به دشمنان خارجی و دشمنان داخلی که در این گروه می گنجیدند، به دلایل مختلف این نظریه را رواج می دادند، از جمله اینکه می دانستند روحانیان در رأس حامیان اصلی اسلام و قرآن هستند و حاکمیت یافتن آنها، حاکمیت یافتن اسلام و قوانین آن را به دنبال دارد. قوانین اسلام نیز با منافع نامشروع آنها ناسازگار است. اینان از سازش ناپذیری و استکبارستیزی روحانیان آگاه بودند؛ چون هرگز نتوانسته بودند علما و روحانیان متعهد را تسلیم خود سازند. آنان از ارتباط متقابل مردم و روحانیان نیز باخبر بودند و می دانستند روحانیان، خدمت گزار مردمند و مردم نیز احترام خاصی برای ایشان قائل هستند. این گروه می دانستند اگر علما و روحانیان حاکمیت جامعه را در دست بگیرند، به دلیل پیوندی که با توده مردم دارند، دیگر جایی برای عرض اندام آنها نخواهد ماند و منافعشان به خطر خواهد افتاد. وابستگان بیگانه نیز حاکمیت یافتن روحانیان را برابر با کنار رفتن خودشان از قدرت و پایان دوره عیش و نوش و چپاول ثروت های مردم می دیدند. از این رو، چنین تفکری را ترویج می کردند تا مبادا روزی این اتفاق تلخ برایشان رخ دهد.

در کنار این گروه، برخی روحانیان خودباخته نیز چنین تفکری داشتند. آنان هر مبارزه ای برای دست یابی به حکومت اسلامی را بی نتیجه و حتی موجب وارد شدن آسیب به هویت علما و اسلام تلقی می کردند. حضرت امام خمینی رحمه الله که همواره برای مبارزه با این انحراف می کوشید، این افراد را چنین نکوهش فرموده است:

بعضی را می بینم که در حوزه ها نشسته، به گوش یکدیگر می خوانند که این کارها از ما ساخته نیست. چه کار داریم به این کارها! ما فقط باید دعا کنیم و مسئله بگوییم. این افکار، آثار تلقینات بیگانگان است. نتیجه تبلیغات سوء چندصد ساله استعمارگران است که در اعماق قلوب نجف و قم و مشهد و دیگر حوزه ها وارد شده و باعث افسردگی و سستی و تنبلی گردیده و نمی گذارد رشدی داشته باشند و مرتباً عذرخواهی می کنند که این

کارها از ما ساخته نیست. این افکار، غلط است. مگر آنها که اکنون در کشورهای اسلامی امارت و حکومت دارند، چه کاره اند که آنها از عهده بر می آیند و ما بر نمی آییم؟... تحصیلات و دانستن علوم و تخصص در فنون برای برنامه و برای کارهای اجرایی و اداری لازم است که ما هم از وجود این نوع اشخاص استفاده می کنیم. آنچه مربوط به نظارت و اداره عالی کشور و بسط عدالت بین مردم و برقراری روابط عادلانه میان مردم می باشد، همان است که فقیه تحصیل کرده است. آنچه برای حفظ آزادی ملی و استقلال لازم است، همان است که فقیه دارد. این فقه است که زیر بار دیگران و تحت نفوذ اجانب نمی رود و تا پای جان از حقوق ملت و از آزادی و استقلال و تمامیت ارضی وطن اسلام دفاع می کند. فقیه است که به چپ و راست انحراف پیدا نمی کند. شما این افسردگی را از خود دور کنید. برنامه و روش تبلیغات خودتان را تکمیل نمایید و در معرفی اسلام جدیت به خرج دهید. تصمیم به تشکیل حکومت اسلامی بگیرید و در این راه پیش قدم شوید و دست به دست مردم مبارز و آزادی خواه بدهید، حکومت اسلامی قطعاً برقرار خواهد شد. به خودتان اعتماد داشته باشید(۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری و تدبیر یک عالم دینی و روحانی وارسته و نقش آفرینی روحانیان در هدایت انقلاب و اداره حکومت، این توانایی به اثبات رسید. در نتیجه، توطئه دشمنان نقش بر آب شد. برای ناآگاهان و کسانی هم که در این توانایی شک و تردید داشتند، ثابت شد که تصور نادرستی دارند. این دستاورد برای مردم مسلمان و مبارز و حرکت های اسلامی در سرتاسر جهان، درس بزرگ و هدیه ارزشمندی از سوی انقلاب اسلامی ایران است که ثابت کرد تلاش علما و روحانیان در تحریک مردم به مبارزه و آگاهی بخشی به آنها و جلوگیری از رخ دادن انحراف فکری و عقیدتی و حتی سیاسی در مبارزه، تا چه اندازه نقش تعیین کننده ای دارد. در سایه این دستاورد اثرگذار جهانی، علما و روحانیان مسلمان و مبارز در سراسر دنیا نقش تعیین کننده خود را در رهبری و هدایت نهضت های اسلامی و مردمی بازیافته اند. هر جا علما به جایگاه خود بازگشته اند، پیوند عمیق و گسترده ای با توده مردم برقرار کرده اند.

۱۰. تشکیل حکومت اسلامی

در حقیقت، یکی از اصلی ترین اهداف حضرت امام خمینی رحمه الله از مبارزه با شاه، ایجاد حکومت اسلامی بود. ایشان پیش و پس از پیروزی انقلاب، بر اسلامی بودن حکومت تأکید داشت. سال ها قبل از پیروزی

- ادر جست و جوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر دهم، ص ۳۶.

انقلاب اسلامی نیز در کتاب ولایت فقیه، دیدگاه خود را درباره ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و نظام مبتنی بر قوانین و احکام اسلامی و افشای توطئه استعمارگران مبنی بر ترویج این اندیشه که اسلام حکومتی ندارد، چنین مطرح کرد:

استعمارگران به نظر ما آوردند که اسلام حکومتی ندارد! تشکیلات حکومتی ندارد! بر فرض که احکامی داشته باشد، مجری ندارد و خلاصه اسلام فقط قانون گذار است! واضح است که این تبلیغات جزئی از نقشه استعمارگران است برای بازداشتن مسلمین از سیاست و اساس حکومت. ما معتقد به ولایت هستیم و معتقدیم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله باید خلیفه تعیین کند و تعیین هم کرده است. آیا تعیین خلیفه برای بیان احکام است؟! ... همه احکام را در کتابی می نوشتند و دست مردم می دادند تا عمل کنند. اینکه عقلاً لازم است خلیفه تعیین کند برای حکومت است. ما خلیفه می خواهیم تا اجرای قوانین کند. قانون مجری لازم دارد. در همه کشورهای دنیا این طور است که جعل قانون به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی کند. پس از تشریح قانون باید قوه مجریه ای به وجود آید. در یک تشریح یا در یک حکومت، اگر قوه مجریه نباشد، نقص وارد است. ما که به ولایت معتقدیم، باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم... مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی، لازمه اعتقاد به ولایت است (۱).

حضرت امام خمینی رحمه الله پس از پیروزی انقلاب نیز در آستانه برگزاری همه پرسی برای رأی دادن به نوع نظام حاکم بر کشور، در پیامی از مردم خواست به نظام جمهوری اسلامی رأی دهند. در بخشی

-۱در جست و جوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر دهم، ص ۱۸.

از پیام ایشان آمده است:

به خواست خداوند متعال به زودی درباره شکل حکومت، فرماندوم خواهد شد. لازم است تذکر دهم آنچه این جانب به آن رأی می دهم، جمهوری اسلامی است و آنچه ملت شریف ایران در سرتاسر کشور با فریاد از آن پشتیبانی نموده است، همین جمهوری اسلامی بوده است؛ نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم. من از ملت شریف انتظار دارم که به جمهوری اسلامی رأی دهند که تنها این مسیر انقلاب اسلامی است (۱).

ایشان پس از استقرار جمهوری اسلامی نیز بر اسلامی بودن حکومت و لزوم اجرای عملی قوانین و احکام اسلامی تأکید داشت. برای نمونه می فرمود:

امروز روزی است که اسلام باید تحقق پیدا کند. این حرف ها که گفته می شود، نظیر همان حرف ها بود که گفته شد: «حالا زود است، صبر کنید». اگر اسلام را در این انقلاب، در این نهضت، احکام اسلام را پیاده نکنیم، کی پیاده خواهیم کرد؟ چه وقت همچنین نهضتی تحقق پیدا می کند؟ اگر این نهضت خدای نخواستہ بخوابد و به خاموشی بگراید، کی می تواند دیگر اسم اسلام را بیاورد؟ اگر امروز قوانین اسلام را اجرا نکنیم، کی اجرا کنیم؟ آقایانی که می گویند نمی شود، پس کی می شود؟ پس بگویید هیچ وقت، اسلام نه. بگویید نهضت منهای اسلام. همان طوری که گفتید اسلام منهای روحانیت. حالا همه بگویند نهضت منهای اسلام. اگر با این نهضت، اسلام را متحقق نکنید، احکام اسلام را مو به مو جاری نکنید، مأیوس باشید،

- ۹۴، ص ۹۴.

دیگر نخواهد شد (۱).

به طور کلی، یکی از آرمان ها و اهداف متعالی امام خمینی رحمه الله ایجاد حکومت مبتنی بر آموزه های اسلام بود تا زمینه اجرای احکام فراهم شود و مقررات اسلامی روز به روز در جامعه اسلامی، نهادینه تر و عملیاتی گردد.

۱۱. احیا و حاکمیت ولایت فقیه

ولایت فقیه، یکی از مبانی فکری و اعتقادی ما در مسئله حکومت اسلامی است و آن را استمرار امامت و رهبری رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در جامعه اسلامی می دانیم. بدون ولایت فقیه در رهبری و رأس جامعه، حکومت اسلامی در عصر کنونی مفهومی ندارد. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

قضیه ولایت یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله است و اینها از ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله می ترسند (۲).

دشمنان از اینکه رهبری انقلاب در اختیار فقیهی عادل، مدیر، مدبر، شجاع، باتقوا و اسلام شناس باشد که به دنبال حاکمیت بخشیدن به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است، بسیار نگرانند. آنها از ستم ستیزی و

استکبارستیزی فقیه هراس دارند. امروز یکی از محورهای اصلی جنگ استکبار به ویژه امریکا و اسرائیل با ملت ایران، پشتیبانی آنها از اصل

-۱ همان، ص ۹۸.

-۲ صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

ولایت فقیه است. اساسا ولایت فقیه، تضمین کننده اسلامیت نظام و نیز حافظ استقلال کشور از شرق و غرب است. به تعبیر حضرت امام خمینی رحمه الله:

این فقیه است که زیر بار دیگران و تحت نفوذ اجانب نمی رود و تا پای جان از حقوق ملت و از آزادی و استقلال و تمامیت ارضی وطن اسلام دفاع می کند، فقیه است که به چپ و راست انحراف پیدا نمی کند(۱).

شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد. در اسلام قانون حکومت می کند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم تابع قانون بود. تابع قانون الهی نمی توانست تخلف بکند. اگر پیغمبر یک شخص دیکتاتور بود و یک شخص بود که از او می ترسیدند که مبادا یک وقت همه قدرت ها که دست او آمد، دیکتاتوری بکند، اگر او یک شخص دیکتاتور بود، آن وقت فقیه هم می تواند باشد. اگر امیرالمؤمنین علیه السلام، یک آدم دیکتاتوری بود. آن وقت فقیه هم می تواند دیکتاتور باشد. دیکتاتوری در کار نیست. می خواهیم جلوی دیکتاتوری را بگیریم. جلوی دیکتاتوری را ما می خواهیم بگیریم... ولایت فقیه، ضد دیکتاتوری است، نه دیکتاتوری(۲).

در اصل پنجم قانون اساسی آمده است:

در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان،

-۱ در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۳۶.

-۲ صحیفه نور، ج ۱۰، صص ۳۱۱_۳۱۲.

شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یک صد و هفتم عهده دار آن می گردد.

اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز به وظایف و اختیارات رهبری اشاره دارد که بسیار مهم و تعیین کننده نیز است:

۱. تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام؛

۳. فرمان همه پرسی؛

۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح؛

۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها؛

۶. نصب و عزل و قبول استعفا؛

الف) فقهای شورای نگهبان.

ب) عالی ترین مقام قوه قضائیه.

ج) رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

د) رئیس ستاد مشترک.

ه) فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

و) فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه؛

۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم؛

۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف

قانونی یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هفتاد و نهم؛

۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

بدین ترتیب، به اهمیت و جایگاه تعیین کننده ولایت فقیه در حکومت اسلامی پی می بریم. این اصل موجب تضمین اسلامی بودن نظام و حاکمیت یافتن قوانین و احکام شرع مقدس اسلام و رعایت منافع و مصالح ملت و کشور می شود.

۱۲. برخورداری از قانون اساسی اسلامی

قانون اساسی هر کشوری، منشور آن نظام است که چارچوب کلی و اساسی و دیدگاه ها و سیاست های بنیادین آن کشور را بیان می کند. مسائل مهم یک نظام از قبیل نوع حکومت، دین و مذهب، نقش مردم، قوای مملکتی، سیاست های کلان داخلی و خارجی، ارزش های انسانی و اجتماعی و مانند آن در قانون اساسی تبیین می شود. در حقیقت، قانون اساسی، نمایه ای برای شناخت آرمان ها و اهداف آن کشور است. قانون اساسی جمهوری اسلامی در ظرف کمتر از یک سال در پرتو عنایت خاص الهی و هدایت های رهبر کبیر انقلاب اسلامی و شایستگی و صلاحیت اعضای مجلس خبرگان تدوین کننده آن، تنظیم شد. قانون اساسی در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به رأی گذاشته شد و با رأی شگفت انگیز ۹۹/۵ درصدی مردم ایران به تصویب نهایی رسید. امید است این اندیشه و طرح سیاسی متبلور در قانون اساسی به عنوان نظریه سازنده و رهایی بخش در دیگر کشورهای اسلامی نیز مطرح شود. یکی از متفکران اسلامی می گوید:

امروز پیام انقلاب اسلامی و شیوه متین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، راه نوینی را به روی ملل مسلمان جهان گشوده و نسیم آگاهی و بیداری امیدبخشی را در جهان دمیده است. علمای اسلام و حقوق دانان مسلمان، قانون اساسی کشور اسلامی ایران را به عنوان مبنای کار آینده کشورهای اسلامی - که دیر یا زود به دامن اسلام و به آغوش حکومت اسلامی بازخواهند گشت - مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهند^(۱).

در بررسی برخی ویژگی ها و اصول مهم قانون اساسی به این موارد می توان اشاره کرد:

اسلامی بودن، پذیرش جمهوری، تکیه بر آرای مردم، اعتقاد به حاکمیت مطلق خدا بر جهان، پذیرش اصول اعتقادی دین اسلام، ارج نهادن به کرامت و ارزش والای انسان،^(۲) اصل ولایت فقیه به عنوان یکی از ارکان اساسی حکومت اسلامی،^(۳) تأکید بر استقلال کشور و نفی سلطه گری و سلطه پذیری،^(۴) حمایت از همه

مسلمانان و مستضعفان جهان،^(۵) اعتقاد به اصل مساوی بودن همه در برابر قانون^(۶)، در نظر گرفتن حقوق و آزادی های ملت اعم از زن و مرد به طور یکسان و در زمینه های

۱- افقه سیاسی، ج ۱، صص ۱۶ و ۲۰.

۲- اصول ۲، ۵۶ قانون اساسی.

۳- اصول ۱۰ و ۱۰۷ قانون اساسی.

۴- اصول ۱۵۲ و ۱۵۳.

۵- اصول ۳ و ۱۵۴.

۶- اصل ۳.

مختلف انسانی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی،^(۱) تأکید بر عدالت، رفع تبعیض های ناروا، لزوم ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه های مادی و معنوی،^(۲) تأکید بر استقلال نیروهای مسلح و جلوگیری از سلطه و نفوذ نیروهای بیگانه در آنها^(۳).

۱۱۳. اقتدار مجلس شورای اسلامی

در دوران رژیم پهلوی، دو مجلس کشور؛ یعنی مجلس شورای ملی و مجلس سنا، مجالسی ناتوان بودند. در این رژیم، قوه مجریه در اختیار شاه بود و نمایندگان مجلس نمی توانستند برخلاف نظر شاه، قانون گذاری یا در امور اجرایی کشور، مداخله و اظهار نظر کنند. از آن گذشته، نمایندگان که برگزیده مقامات بلند پایه کشور بودند و نمایندگی خود را مدیون آنها می دانستند، در عمل نیز تابع آنان بودند. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، تغییر بنیادینی در ساختار قانونی و مجلس قانون گذاری صورت گرفت و با بازگرداندن اقتدار و قدرت لازم به مجلس، حق دخالت در عموم مسائل کشور را برای مجلس به ارمغان آورد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی چون منتخب مردم حوزه انتخابی خود و دل گرم به پشتیبانی آنها هستند، با اقتدار می توانند وظایف نمایندگی خود را به صورت شایسته و بدون هرگونه ملاحظه کاری انجام دهند. آنان در بیان نظر خود آزادند و این حق

۱- اصول ۱۹ _ ۴۲.

۲- اصل ۳.

آزادی بیان در حقیقت، تجلی اصل ۸۶ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد:

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد.

قدرت و اختیارات مهمی برای مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی منظور شده است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: استقلال قوه مقننه (اصل ۵۷)؛ حق قانون‌گذاری در عموم مسائل کشور (اصل ۷۱)؛ حق دادن رأی اعتماد به وزرای دولت (اصل ۸۷)؛ حق سؤال کردن از رئیس‌جمهور و وزرا (اصل ۸۸)؛ حق استیضاح رئیس‌جمهور، هیئت وزیران و هر یک از وزرا (اصل ۸۹)؛ حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور (اصل ۷۶)؛ حق رسیدگی به شکایت از قوه مجریه و قضاییه (اصل ۹۰)؛ حق تصویب بودجه کل کشور (اصل ۵۲)؛ حق تصویب استخدام کارشناسان خارجی (اصل ۸۱)؛ حق تصویب برقراری حکومت نظامی (اصل ۷۹). مجموعه این عوامل سبب شده است که پس از انقلاب، شاهد وجود مجلسی قدرتمند و مقتدر در انجام وظایف قانونی خویش باشیم.

۱۴. نظارت و کنترل واقعی مجلس بر قوه مجریه

قوه مجریه، قدرت و اختیارات اجرایی کشور را در دست دارد و داشتن قدرت ممکن است خطرهایی مثل دیکتاتوری، استبداد و انحراف را به همراه داشته باشد. از این رو، این قوه را باید کنترل کرد. هر چند رأس قوه مجریه مستقیم به وسیله مردم انتخاب می‌شود، ولی بدنه گسترده

قوه مجریه نیاز به نظارت و کنترل بیشتری دارد. در رژیم پهلوی، قوه مجریه از نظر قانونی و عملی، در اختیار شاه بود و مجلس، حق دخالت واقعی و جدی در کار قوه مجریه را نداشت. پس از انقلاب اسلامی، ساختار ارکان نظام به گونه‌ای تعریف شده است که قوه مقننه بتواند نظارت‌های لازم را بر قوه مجریه داشته باشد و از هرگونه دیکتاتوری، استبداد و انحراف احتمالی آن جلوگیری کند. قانون اساسی در موارد متعددی، ابزار لازم را برای این نظارت به مجلس اعطا کرده است. برای نمونه، مجلس حق دارد در صورتی که رئیس‌جمهور را فاقد کفایتی لازم بداند، رأی به بی‌کفایت وی بدهد و مراتب را برای اجرای بند دهم اصل ۱۱۰ قانون اساسی به

اطلاع مقام رهبری برساند. وزیران کابینه رئیس جمهور، برای آغاز به کار خود به کسب رأی اعتماد از مجلس نیاز دارند و مجلس با داشتن این اختیار، به نوعی بر صحت و سلامت و توان وزیران دولت نظارت می کند. مجلس حق رسیدگی به شکایت های مربوط به شیوه کار قوه مجریه نیز دارد (اصل ۹۰). مجلس حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور از جمله دستگاه های اجرایی و دولت را دارد (اصل ۷۶). حق تصویب برنامه ها و بودجه دولت توسط مجلس از دیگر ابزارهای کنترلی مجلس بر قوه مجریه است (اصل ۵۲). رسیدگی به حساب های وزارت خانه ها و دستگاه های اجرایی که از بودجه کل کشور استفاده می کنند، وظیفه دیوان محاسبات است که مستقیم زیر نظر مجلس شورای اسلامی فعالیت می کند. این ساز و کار نیز از دیگر موارد نظارت مجلس بر قوه مجریه است (اصول ۵۴ و ۵۵).

گرفتن و دادن وام یا کمک های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت نیز باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد (اصل ۸۰). اینها نمونه هایی از اهرم های نظارتی مجلس بر قوه مجریه است که تحقق یافته است.

۱۵. نظارت شورای نگهبان

یکی از دستاوردهای مهم در حوزه قانون گذاری این است که مقرر شده است هیچ گونه قانونی مخالف موازین شرعی و قانون اساسی تصویب نشود. در دوران رژیم پهلوی هیچ گونه تعهدی در این زمینه نبود. از این رو، برخی از مقررات در حوزه خارجی بسیار خفت بار و ننگین بود و اساساً رژیم گذشته، سیاستی دین ستیزانه و غیراسلامی داشت. گفتیم که از اهداف مقدس و مهم انقلاب اسلامی ایران این بود که سیاست دین ستیزی از بین برود و موازین و احکام شرعی در قوانین و مقررات کشور رعایت شود. این سیاست اصولی در منشور ملت در اصل ۷۲ چنین آمده است:

مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل ۹۶ آمده، بر عهده شورای نگهبان است.

همچنین در اصل ۹۱ قانون اساسی هم آمده است:

به منظور پاس داری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود:

۱. شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲. شش نفر حقوق دان در رشته های مختلف حقوقی از میان حقوق دانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند و با رأی مجلس انتخاب می گردند.

بر اساس اصل ۹۶ قانون اساسی:

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلامی با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی، بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

از طرف دیگر، نظر به اهمیت جایگاه شورای نگهبان در نظارت بر مغایرت نداشتن مصوبات مجلس با احکام اسلام و قانون اساسی، اصل ۹۳ قانون اساسی چنین مقرر می دارد:

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوق دان اعضای شورای نگهبان.

۱۶. کنترل دارایی مسئولان

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب، کنترل دارایی های مقامات بلندپایه کشور قبل و بعد از تصدی مسئولیت است تا برخلاف حق، افزایش نیابد. این موضوع قبل از انقلاب، نه در قوانین پیش بینی شده بود و نه در عمل چنین چیزی وجود داشت. به همین دلیل، نه تنها به حساب و دارایی اموال آنان قبل و بعد از تصدی مسئولیت ها رسیدگی نمی شد، بلکه رژیم، خود فضا و میدانی به وجود آورده بود که تمامی دولت مردان را به چپاول و ثروت اندوزی می کشاند. پس از پیروزی

انقلاب، چون سیاست اسلامی، حافظ حقوق مردم به ویژه محرومان و مستضعفان جامعه است، اجازه نمی دهد دولت مردان به جای خدمت به مردم، به ثروت اندوزی بپردازند. از این رو، آنان باید الگوی ساده زیستی باشند. بر همین اساس، قانون اساسی، دستگاه قضایی را ملزم کرده است تا به حساب اموال و دارایی های مقامات عالی رتبه به ویژه مقامات اجرایی که با پول و امکانات بیشتر سروکار دارند، قبل و بعد از تصدی مسئولیت رسیدگی کند. اصل ۱۴۲ قانون اساسی مقرر می دارد:

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد.

دستاوردهای بین المللی

۱۰. شکستن ابهت پوشالی امریکا

زورمداری، نفوذناپذیری و یکه تازی قدرت های استکباری شرق و غرب، در صحنه جهانی، این باور را در همه مردم جهان به وجود آورده بود که هرگز نمی توان با آنها مقابله کرد. در این میان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران که سرنگونی رژیم ستم شاهی را به دنبال داشت، اولین ضربه محکم و اساسی را به ابهت و غرور امریکا وارد ساخت؛ زیرا امریکا پشتوانه اصلی رژیم پهلوی بود و امریکاییان تا آخرین لحظه فروپاشی این حکومت و حتی بعد از پیروزی انقلاب به حمایت از بازماندگان رژیم پهلوی ادامه دادند. رژیم پهلوی نیز برای نشان دادن

استحکام سلطنت خود، همواره پشتیبانی امریکا را به رخ مردم می کشید. باید دانست تسخیر لانه جاسوسی امریکا در ایران، جهانی کردن شعار «مرگ بر امریکا»، خنثی سازی محاصره های اقتصادی، سیاسی و نظامی غرب، ایستادگی در برابر حضور نظامی نامشروع ناوگان های امریکا در خلیج فارس، رسوایی امریکا در حمله نظامی به طبس و حمله موشکی به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس، ابهت پوشالی امریکا را به کلی شکست. از این رو، مردم جهان به این باور رسیدند که قدرت امریکا در برابر قدرت های الهی و مردمی ناچیز است و قدرت واقعی اش، بسیار کمتر از آن چیزی است که همیشه در جهان تبلیغ و ترویج شده است. این عزت آفرینی برای جهان اسلام و به خواری کشیدن دشمن همواره مورد توجه و تأکید حضرت امام خمینی رحمه الله بود، چنان که در سال ۱۳۵۸ فرمود:

شما بدانید که این نهضت شما ملت ایران، این عظمت قدرت های بزرگ که با تبلیغات تحمیل کرده بودند بر دماغ ها (افکار) که اصلاً نمی شود با انگلستان درافتاد، حالا هم دیگر اصلاً با امریکا نمی شود دیگر درافتاد، این عظمت را شکست... نهضت شما الان این معنا را هم شکست در دنیا که نمی شود در مقابل امریکا (ایستاد^۱). (۱).

امام در پیام حج سال ۱۳۶۶ نیز فرمود:

من با اطمینان می گویم اسلام، ابرقدرت ها را به خاک مذلت می نشاند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی

-اصحیفه نور، ج ۱۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۷.

پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد(۱).

رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای هم از این شکست چنین یاد می کند:

انقلاب شما حریم دروغین قدرت ها و قلدرها را شکست. امریکا به عنوان ابرقدرت، یک روز امریکا بود، اما امروز دیگر نیست. امروز شما ببینید که در چند نقطه از نقاط عالم، مردم عکس رئیس جمهور امریکا را آتش می زنند یا پرچم آنها را به آتش می کشند، چند جا از نقاط عالم، ملت ها و توده های مردم، مشت گره می کنند و مرگ بر امریکا می گویند(۲).

در واکنش به حرکت انقلابی مردم ایران، امریکا تلاش کرد با تهدید و وحشت افکنی، مردم مبارز ایران را هراسان سازد، ولی امام خمینی رحمه الله با قاطعیت و شجاعت تمام در سخنرانی ۱۷ آبان ۱۳۵۸ فرمود:

امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. صحبت اینکه اگر دخالت نظامی بکند، ما چه خواهیم کرد، غلط است... غلط می کند! نترسید، نترسید... امریکا عاجزتر از این است که در ایران دخالت نظامی بکند(۳).

۲. صدور انقلاب و جهانی شدن انقلاب

امروزه بر جهانیان ثابت شده است که انقلاب اسلامی ایران از قلمرو جغرافیایی ایران خارج شده و بر سراسر جهان اثر گذاشته است. ویژگی انقلاب اسلامی به گونه ای است که خود ماهیت صدور را در ذاتش

۱-همان.

۲-حدیث ولایت، ج ۶، ص ۲۲۱.

۳-در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر چهاردهم، ص ۴۵۵.

دارد. چه بخواهند یا نخواهند، ماهیت انقلاب اسلامی، صادر شدنی است. امام خمینی رحمه الله با توجه به این مشخصه فرمود:

ما انقلاب را به تمام جهان صادر می کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکنده، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم (۱).

ایشان در پیام نوروزی سال ۱۳۵۹ نیز فرمود:

ما باید از مستضعفان جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه انقلابمان را صادر نمی کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی شود و پشتیبان تمام مستضعفان جهان است (۲).

استکبار و وابستگان آن همواره کوشیده اند تا چهره ای منفی از صدور انقلاب نشان دهند. بنیان گذار انقلاب با خنثی سازی این توطئه نیز در تبیین درست مفهوم صدور انقلاب فرموده است:

اینکه می گوئیم باید انقلاب ما به همه جا صادر شود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم...، ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت ها و در همه دولت ها بشود. آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت ها

۱- همان، دفتر پانزدهم، ص ۳۱۲.

۲- همان.

بیدار شوند و همه دولت ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و این تحت سلطه بودن که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند، نجات بدهد (۱). ما که می گوئیم انقلابمان را می خواهیم صادر کنیم، می خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنوی که پیدا شده است در ایران، ما می خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم (۲).

همچنین رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای در تبیین مفهوم و صدور انقلاب می فرماید:

صدور انقلاب؛ یعنی صدور فرهنگ انسان ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می کنیم. این راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم. دنیای غرب و سردمداران فرهنگ فاسد و منحط غربی از اینکه فساد و فحشا و اعتیاد و انواع و اقسام بدبختی ها و روسپاهی ها را به سراسر عالم صادر می کنند، خجالت نمی کشند. این فرهنگ فحشایی که امروز متأسفانه سراسر دنیا و بیش از همه، دنیای فقیر جهان سوم را فراگرفته از کجا آمده است؟ این یکی از صادرات فرهنگ غربی و تمدن استعماری و استکباری است. چرا ما باید از صادر کردن توحید و اخلاق انبیا و روح فداکاری و اخلاص و تزکیه اخلاقی به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟ چرا باید شرم کنیم از اینکه غیرت و حمیت و ایستادگی در مقابل قدرت های باطل را به

۱-اصحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۸۱.

۲-همان، ص ۹۰.

صورت درس عملی به ملت های دیگر ارائه و تعلیم بدهیم؟ ملت ها باور نمی کنند که بشود با عوامل و مزدوران قدرت های استکباری درافتاد. ما درافتادیم و پیروز هم شدیم. چرا این عمل و تجربه خودمان را در اختیار افکار عمومی ملت ها نگذاریم؟ ما این انقلاب را صادر می کنیم. اگر منظور این است که ما مواد منفجره صادر می کنیم، این ادعا دروغ است. این کار را خود دستگاه های پلید خبیث استکباری می کنند. سازمان جاسوسی امریکاست که برای ساقط کردن دولت ها وارد صحنه می شود و اسلحه و مواد منفجره و نیرو می برد و به ضد انقلاب در کشورهای انقلابی کمک می کند. ما به هیچ کشوری مواد منفجره نمی بریم. خراب کاری دور از شأن ماست و به هیچ وجه به ما نمی چسبد و هر کس بگوید، خلاف و دروغ گفته است^(۱).

اساساً صدور انقلاب و جهانی شدن آن، در ماهیت انقلاب اسلامی ریشه دارد. اسلامیت انقلاب به ایران اختصاص ندارد و به قلمرو جغرافیایی خاصی محدود نیست و مخاطبان آن، مسلمانان و مستضعفان سراسر جهان هستند. عباس مدنی، رهبر جبهه نجات اسلامی الجزایر می گوید:

۱-حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۱، ص ۲۵۹.

انقلاب اسلامی ایران در واقع، متعلق به همه مسلمانان جهان و از جمله مردم مسلمان الجزایر است^(۱).

نماینده جبهه آزادی بخش انقلاب اسلامی افغانستان نیز می گفت:

انقلاب ایران تنها متعلق به ملت ایران نیست. همچنان که رهبر انقلاب ایران، تنها رهبر مسلمانان ایران نیست (۲). بسیار قابل توجه است که بدانیم رهبر جزایر آنتیل می گفت:

در زمانی که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در ایران به ثمر رسید، مسلمانان جزایر آنتیل آن را انقلاب خود دانستند و در حقیقت، این انقلاب نه فقط برای ایران، که الگو و نمونه برای تمام مسلمانان جهان است (۳).

۳. فروپاشی نظام دو قطبی

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دو قدرت بزرگ جهانی به سرکردگی امریکا و شوروی سابق، با استفاده از توان خویش توانسته بودند دنیا را به دو حوزه مربوط به قلمرو خود تقسیم کنند. هر کشوری هر چند قدرتمند مانند برخی کشورهای اروپایی، به یکی از این دو قطب وابستگی داشت و قدرت مستقلی خارج از تقسیم بندی جهان به شرق و غرب وجود نداشت. تبلیغات جهانی مبنی بر اینکه بدون وابستگی به یکی از دو ابرقدرت نمی توان در جهان، کشور مستقلی بود،

۱- رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۱۲۴.

۲- معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم انداز دیگران، ص ۸۷.

۳- همان، ص ۸۹.

در دامن زدن به این تفکر بی اثر نبود. حضرت امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه سیاسی - الهی خود در این مورد چنین آورده است:

از جمله نقشه ها که مع الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیز ما گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است، به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرایض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند. یکی از ره آوردهای نظام اسلامی، شکستن این تفکر بود. این انقلاب ثابت کرد که جهان می تواند فارغ از این قدرت ها، استقلال داشته باشد و به جهان چند قطبی فکر کند (۱).

امام از ابتدا، حکومت اسلامی و کشور ایران را، دولت و کشوری مستقل از دو ابرقدرت معرفی کرد و فرمود:

ما با هیچ کدام از ابرقدرت ها سر سازش نداریم. نه تحت سلطه امریکا می رویم و نه زیر بار شوروی. ما مسلمانیم و می خواهیم آزاد زندگی کنیم. ما می خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم(۲).

از سوی دیگر، خود انقلاب اسلامی به عنوان قطب سوم قدرت در جهان مطرح شد. برخی دشمنان انقلاب، ناباورانه، چشم های خود را بر

۱-صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۳.

۲-در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۲۵۰.

این واقعیت بستند و آن را انکار کردند. با این حال، کینه توزی های جهانی هر دو ابرقدرت و وابستگان آنها نسبت به انقلاب اسلامی ایران و مخالفت ها و دشمنی های گوناگون آنان در عرصه های مختلف، نشان دهنده واقعیت انکارناپذیر ظهور انقلاب اسلامی به عنوان قطب سوم قدرت در عرصه جهانی است. اعتقادات دینی و ایمانی مردم مسلمان ایران، روحیه سلحشوری و ایثار و شهادت طلبی، برخورداری از رهبری پیامبرگونه امام خمینی رحمه الله، امدادهای غیبی خداوند و امام زمان عجب الله تعالی فرجه الشریف و ایستادگی و پایداری ملت ایران، قدرت هرگونه رویارویی را از دشمنان اسلام گرفته است. حضرت امام در این باره می گوید:

یک ملت قوی ای که هم شوروی را کنار گذاشت و هم امریکا را و هم انگلستان و هم همه را (۱). انعکاس قدرت شما در کاخ سفید و کرملین الآن پرتوانداز است. همه قدرت ها از شما باک دارند. همه قدرت ها از قدرت اسلام الان لرزیده اند و کارهای شما لرزانده آنها را(۲).

به همین دلیل، اکنون نظر جمهوری اسلامی به عنوان کشوری قدرتمند در تصمیم گیری های جهانی تعیین کننده است. رهبر فرزانه انقلاب در این زمینه می فرماید:

ملت ایران در هر قضیه مهم جهانی که با آن به طور جدی مخالف باشد، آن مسئله پیش نمی رود و متوقف می شود. امروز این

۱-صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۴۴.

۲-همان، ج ۱۸، ص ۴۴۰.

ملت در مسائل مهم جهانی دارای یک رأی مهم است و جلوه ملت ایران به تدریج، چشم ها را متوجه به خود می کند(۱).

ایشان در خطبه های نماز جمعه ۱۷ بهمن ۱۳۶۵ با اشاره به بت هایی که انقلاب اسلامی ایران شکسته است، فرمود:

یکی دیگر از این بت ها، بت تقسیم بندی دنیا به دو قطب بود. بعد از جنگ دوم جهانی، به تدریج دنیا قبول کرد باید دو ارباب و دو قطب را در دنیا قبول کند؛ یکی، امریکا و دیگری، شوروی. حتی اروپا را هم به سمت این تبعیت می کشاندند. بعضی از کشورهای اروپایی خیلی هم زود تسلیم شدند، بعضی دیگر از کشورهای اروپایی یک مدتی مقاومت کردند. دوگل، کسی بود که در فرانسه با نفوذ امریکا در اروپا مبارزه می کرد و می جنگید. لذا امریکایی ها از دوگل خوششان نمی آمد. از آن سیاست مداران اروپایی خوششان می آمد که نفوذ امریکا در اروپا را قبول کنند؛ یعنی حتی اروپا که مادر امریکاست، حتی انگلیس و فرانسه و آلمان و کشورهای صنعتی پیشرفته اروپا را هم حاضر نبودند، به موجودیت بپذیرند. دنیا دو قطب بیشتر نداشت؛ امریکا و شوروی و همه چیز دنیا باید بر اساس این دو قطبی بودن تحلیل بشود. این را هم انقلاب ما شکست و چه شکستی(۲)!

این امر در خارج از ایران نیز بازتاب جدی داشت. برای نمونه، هفته نامه اردو زبان هجوم نوشت:

امام خمینی، غرور غرب را پای مال کرد و ابرقدرت های شرق و غرب را به ذلت و خواری کشاند و نشان داد که اسلام دارای

۱-روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۱۱/۲۱.

۲-روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۱۱/۱۸.

بزرگ ترین قدرت است(۱).

۴۰.عزت یابی ایران در منطقه و جهان

از دیگر دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی ایران، قدرت و عزت یافتن ایران در سطح جهان است. بر هیچ صاحب نظر سیاسی پوشیده نیست که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران در سطح جهانی و بین کشورها و قدرت های جهانی، نقش و قدرت تعیین کننده ای نداشت و در معادله های سیاسی و تصمیم گیری های جهانی به بازی گرفته نمی شد. حکومت پهلوی به علت وابستگی و پیروی از غرب و ایفای نقش ژاندارمی در منطقه برای امریکا، بین مسلمانان جهان و نهضت های اسلامی و آزادی بخش منفور و مطرود بود و رژیم ایران به عنوان حکومت دین ستیز و مخالف اسلام و نوکر امریکا و حامی اسرائیل در میان مسلمانان شهرت داشت.

به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، ایران از کشوری ضعیف و بی اثر در معادله های جهانی، به قدرتی اثرگذار در روابط بین الملل و تصمیم گیری های جهانی و منطقه ای بدل گشت. به تعبیر حضرت آیت الله خامنه ای:

امروز این ملت در مسائل مهم جهانی دارای یک رأی مهم است و جلوه ملت ایران به تدریج چشم ها را متوجه به خود می کند^(۲).

حمایت اصولی ایران از مبارزات مردم مسلمان و محروم سراسر

۱- ویژه نامه روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۷/۱۰.

۲- خطبه نماز جمعه، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰.

جهان در برابر قدرت های زورگو و دولت های استثمارگر که به احیای مجدد شکوه اسلام پس از قرن ها انجامید، سبب شد مسلمانان جهان، ایران اسلامی را کشوری مقتدر بدانند. حضرت امام در وصیت نامه خویش می فرماید:

کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همه ادعاهایش و همه ساز و برگ های جنگی اش و آن همه دولت های سرسپرده اش و به دست داشتن ثروت های بی پایان ملت های مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء آن چنان وامانده و رسوا شده است که نمی داند به که متوسل شود و رو به هر کسی می کند، جواب رد می شنود. و این نیست جز به مددهای غیبی حضرت باری تعالی جلت عظمته که ملت ها را به ویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستم شاهی به نور اسلام هدایت نمود^(۱).

رهبر معظم انقلاب نیز در این مورد می فرماید:

ایران اسلامی، ایران امام، ایران انقلاب، مرکز و محور حرکت عظیم جهانی مسلمانان است و به همین نسبت محور دشمنی هاست... نشان می دهد که ما قدرتمندیم و علیه منافع استکبار و منافع دزدان و غارت گران همچنان تهدید بزرگی به شمار می رویم(۲).

این مهم در گفتار شخصیت های سیاسی خارج از کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. حافظ اسد، رئیس جمهور فقید سوریه می گوید:

۱-صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۲.

۲-حدیث ولایت، ج ۷، ص ۱۳۱.

انقلاب اسلامی ایران روابط خارجی خود را با امپریالیست ها قطع کرد و پایگاه های نظامی بیگانگان را از میان برداشت و راه سرافرازی را در پیش گرفت. رژیم اشغال گر قدس آن چنان از انقلاب اسلامی به وحشت افتاد که بارها از ارباب خود امریکا گله کرد که چرا نمی تواند جلو نفوذ و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را که منجر به پیروزی فلسطین خواهد شد بگیرد(۱).

همچنین محمد مهدی شمس الدین می گوید:

انقلاب اسلامی ایران، معجزه قرن بود و درس بزرگی به ما داد که عبارت از این است که با وحدت کلمه، همه کاری می توان کرد(۲).

روزنامه ایندپندت چاپ لندن (۱۳۶۸/۳/۱۵) می نویسد:

به ندرت اتفاق می افتد که یک مرد به تنهایی بتواند مسیر تاریخ را عوض کند، اما این درست همان کاری بود که آیت الله خمینی از عهده آن برآمد(۳).

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز (۱۳۶۸/۳/۱۴) می نویسد:

آیت الله خمینی یک شاه را سرنگون کرد، یک ابرقدرت را مبهوت نمود و با پیام وحدت و قدرت اسلامی خود جهان را تکان داد(۴).

-
- ۱- معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم انداز دیگران، ص ۱۰۱.
- ۲- همان، ص ۱۰۸.
- ۳- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، بازتاب رحلت بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، ص ۹۵۰.
- ۴- همان، ص ۹۵.

۵. رهایی از ذلت ژاندارمی امریکا

مرز ۲۵۰۰ کیلومتری ایران با اتحاد جماهیر شوروی سابق، واقع شدن ایران در طول خلیج فارس و منابع غنی نفت و گاز طبیعی آن، کشور ما را در منطقه استراتژیک جهان قرار داده است. ایران، پرجمعیت ترین کشور منطقه خلیج فارس و مشرف به تنگه هرمز است که ۵۶ درصد از نفت جهان از آن می گذرد. مجموعه این عوامل، ایران را از نظر سیاسی، اقتصادی و استراتژیکی، کشوری بااهمیت جلوه می دهد (۱). از این رو، امریکا در میان کشورهای منطقه، با ایران روابط صمیمانه تر و گسترده تری نسبت به بقیه برقرار کرده بود. مهم ترین عامل این علاقه امریکا، نیاز این کشور به یک کشور دوست و قدرتمند حافظ منافع امریکا و دیگر کشورهای غربی در خلیج فارس بود. از طرف دیگر، شاه نیز برای بقای خود و رژیم فاسد پهلوی، به این نقش آفرینی علاقه مند بود. رژیم شاه به عنوان یکی از ستون های دوگانه و اصلی دکترین نیکسون، دارای چنان اهمیتی بود که حتی روابط امریکا با کشورهای دیگر مانند پاکستان، ترکیه و شیخ نشین های خلیج فارس را تحت الشعاع خود قرار داده بود (۲). این توافق ایران و امریکا در حقیقت، به دلیل نیاز دو طرفه بود. از یک سو، رژیم سلطنتی محمدرضا پهلوی به دلیل نداشتن پایگاه مردمی، نیازمند حمایت قدرت خارجی بزرگی همانند

-
- ۱- رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۸۷.
- ۲- همان.

امریکا بود تا بتواند سلطنت خود را حفظ کند. از سوی دیگر، موقعیت استراتژیک ایران در منطقه برای حفاظت از منافع نامشروع امریکا، برای حکومت ایالات متحده امریکا اهمیت داشت. همچنین نقش ایران در منطقه برای حمایت از رژیم اشغال گر قدس و روند سازش در منطقه، برای امریکا دارای اهمیت بسیار بود. مجموعه این

عوامل دست به دست هم داد و موجب شد تا رژیم منحط پهلوی، سال های طولانی، نقش ژاندارمی امریکا را در منطقه ایفا کند. توصیف ژنرال هایزر از اوضاع ایران بعد از سقوط رژیم پهلوی، عمق تأسف امریکا را نسبت به از دست دادن رژیم پهلوی به عنوان ژاندارم منطقه و تضمین کننده منافع ایالات متحده نشان می دهد:

پایان این داستان خوفناک و مهیب بسیار غم انگیز است. امریکا، دوست نزدیک و متحد ستبر و خوش بنیه ای را از دست داده است که می توانست منافع غرب را در خلیج فارس تأمین کند. همین یک ضرر، میلیاردها دلار خرج برای امریکا در بر داشته است؛ زیرا امریکا مجبور شده است اقدامات امنیتی دیگری را برای سال های آینده در نظر بگیرد. اما شاید تلخ ترین ضرر امریکا، ضرری است که در ایران دیده است (۱).

ایفای نقش ژاندارمی ایران برای امریکا در منطقه، مایه خواری ایران در منطقه و جهان شده و سبب گشته بود مسلمانان جهان نسبت به ایران که کشوری مسلمان و متظاهر به اسلام بود، بدبین شوند. پیروزی

۱- محمد طلوعی، خاطرات دو سفیر، ص ۳۲۲.

شکوهمند انقلاب اسلامی ایران برای همیشه آب پاکی بر این کلمه ننگ ریخت و آن را از دامن ایران اسلامی زدود. این دستاورد جهانی انقلاب سبب شد ایران به عنوان کشوری مسلمان، جایگاه واقعی خویش را به دست آورد و از خواری ژاندارمی منطقه رهایی یابد. اینک به برکت انقلاب اسلامی، کشور ایران نه تنها از این ننگ و حقارت رهایی یافته، بلکه دارای عزت و افتخار جهانی نیز شده است و روز به روز بر این عزت و افتخار افزوده می شود (۱).

۶. افشای چهره واقعی کشورهای غربی و امریکا

یکی دیگر از دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی ایران، پرده برداشتن از چهره کریه استکبار غرب به سرکردگی امریکا و افشای چهره واقعی آن بود. انقلاب اسلامی، امریکا را که به ظاهر و به دروغ، مدعی دموکراسی و دفاع از حقوق بشر بود، رسوا و بی حیثیت کرد. این انقلاب توانست ماسک دروغین حمایت از حقوق بشر امریکا و غرب را بردارد تا همه مردم جهان بتوانند چهره واقعی آنها را مشاهده کنند. البته چهره واقعی آنان برای مردمی که با پوست و گوشت خود تازیانه های ستم غرب و امریکا را بر پیکر خود لمس و حس کرده بودند و اموال و ثروتشان به غارت رفته بود، مشخص و آشکار بود. با این حال، انقلاب اسلامی توانست ابعاد گسترده تری از چهره دروغین آنان را نمایان و آشکار سازد. غرب با وجود سیطره بر مطبوعات و

رسانه های تبلیغی نیز نتوانست مانع این افشاگری شود. اقدامات ضد بشری امریکا، انگلستان و بیشتر کشورهای غربی در تاریخ انقلاب اسلامی بسیار گسترده است. کشتار جوانان مسلمان و برومند ایران اسلامی در دوران مبارزه و انقلاب به دست رژیم پهلوی با پشتوانه تأیید امریکا و غرب صورت می گرفت. افشای چهره کریه امریکا و غرب در حمایت از تروریست ها و پناه دادن به آنها از دیگر موارد این افشاگری است. برای مثال، تروریست هایی که در ایران، مردم مسلمان را در کوچه و بازار ترور می کردند یا با بمب گذاری در جاهای عمومی مانند حرم مطهر امام رضا علیه السلام، نماز جمعه تهران، میدان ها و خیابان های شلوغ و پرتردد، مردم را به شهادت می رساندند، در پناه حمایت امریکا، در کشورهای مختلف اروپایی فعال بودند و به طور رسمی حضور داشتند. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز رژیم عراق با برخورداری از حمایت های سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی امریکا و کشورهای غربی، شهرها و روستاها و مردم ایران را موشک باران و بمب باران می کرد. استفاده از بمب های شیمیایی و کشتار مسافران هواپیمای مسافری جمهوری اسلامی ایران بر فراز خلیج فارس با شلیک موشک از ناو جنگی و هزاران حادثه ریز و درشت دیگر نیز نشان دهنده چهره ضد بشری امریکا بود.

۷. بیداری ملت های مسلمان

گفتیم که آگاهی و بیداری مردم، موتور حرکت انقلاب ها و نهضت هاست. بدون این موضوع، جنبش ماندگاری شکل نمی گیرد. نظر به اهمیت شناخت این امر، قدرت های استکباری و سران کشورهای وابسته به آنها همیشه به روش های گوناگون تلاش می کنند مردم نسبت به مسائل پیرامون خود در جهل و ناآگاهی باقی بمانند تا بدین ترتیب، به طور ریشه ای از تشکیل و رشد نهضت های مبارز جلوگیری شود.

پس از آگاهی، نوبت به شهامت و شجاعت می رسد. اگر بیداری و آگاهی را به بنزین موتور حرکت های انقلابی تشبیه کنیم، شهامت و شجاعت، جرقه لازم برای آتش گرفتن بنزین این موتور محرکه است. در این مورد نیز دشمنان می کوشیدند مردم را در حال ترس و زبونی نگه دارند و با طرح مسائلی چون «نمی شود» و «قضا و قدر الهی چنین است»، به توجیه وضع موجود پردازند. مردم نیز چون الگوی مبارزه ای نداشتند، کم و بیش با وضع موجود می ساختند. به برکت انقلاب اسلامی، آگاهی و بیداری گسترده ای در بین مردم مسلمان،

محروم و مستضعف پدیدار گشت و شجاعت لازم را برای مبارزه به دست آوردند. احمدجبرئیل، دبیر کل وقت جبهه خلق برای آزادی فلسطین می گوید:

جمهوری اسلامی ایران با رهبری اسلامی و حکیمانه آن، محوری برای بیداری اسلامی در جهان و پناه گاهی برای مجاهدان انقلابی شده است^(۱).

سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان نیز می گوید:

-اضمیمه روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۸/۳/۲۹.

انقلاب اسلامی ایران، مسلمانان جهان را بیدار کرد و به آنان عزت بخشید و این مسئله در حضور قوی ملت ها در صحنه های جهاد و مبارزه علیه رژیم های وابسته غربی، به خوبی نمایان است^(۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی در سراسر جهان، جنبش مردمی و سراسری شکل گرفت و تجدید حیات اسلامی به شکل های مختلف از قبیل حرکت های مردمی در عراق، جهاد مسلمانان در افغانستان اشغال شده به دست شوروی، مقاومت در لبنان، حرکت های اسلامی در کویت و بحرین، قیام مردم الجزایر، مصر، تونس، مراکش و قیام اسلامی مردم فلسطین تجلی یافت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد مردمی که از عظمت قدرت خود بی خبر بودند و همه ستم ها را در چارچوب قسمت و تقدیر و قضای الهی تفسیر می کردند، با برداشتی تازه از اسلام راستین و ناب به حرکت درآیند. این حرکت نه فقط شیعیان، بلکه اهل سنت را نیز در بر می گرفت؛ زیرا پیام امام، پیام وحدت مسلمانان و پیامی فراگیر و جهانی بود. هدف آن نیز برافراشتن پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان، نفی تمامی قدرت ها و تکیه بر قدرت الهی و توده های مردم بود. والاترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران برای ملت های مستضعف جهان، تربیت انسان جدیدی بود که قادر به ایستادگی و مقاومت در برابر ستم باشد. این مسئله با ایجاد روحیه ایثار و مبارزه در میان امت

-اجمیله کدیور، انتفاضه، حماسه مقاومت فلسطین، ص ۲۶۴.

اسلام، بزرگ ترین تهدید برای وضع موجود و ثبات تحمیلی غرب بر منطقه به شمار می رفت که به منابع زیرزمینی کشورهای منطقه نظر داشتند (۱). در فلسطین اشغالی هر چند تا حدودی جرئت مبارزه و درگیری با دشمن صهیونیستی وجود داشت، ولی پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر ابعاد این بیداری افزود و موجب شد مسلمانان فلسطینی مبارزه را با توان و ابعاد گسترده تری پیش ببرند. شیعیان لبنان نیز به جنبش درآوردند. به همین دلیل می بینیم نمادهای اسلامی ایران اکنون مورد قبول و احترام حزب الله لبنان است. شعارهای حزب الله از ایران اسلامی گرفته شده و نظریه ای سیاسی که حزب الله به آن متعهد است، اصل رهبری امت اسلامی به وسیله ولی فقیه است. در مصر نیز نیروهای جهاد اسلامی با ترور انور سادات در سال ۱۹۸۱ حضور سیاسی خود را اعلام کردند. امروزه در الجزایر، ترکیه و دیگر نقاط جهان اسلام نیز حرکت های مردمی مسلمانان را در سطح گسترده ای مشاهده می کنیم.

۸. جهانی کردن مبارزه با رژیم صهیونیستی

آوارگی ملت ستم دیده فلسطین و شهادت و مجروح شدن ده ها هزار نفر از مردان و زنان آن سامان سال هاست که قلب مسلمانان سراسر جهان را به درد آورده است. حمایت استکبار غرب به سرکردگی امریکا از اسرائیل و سازش ننگین برخی کشورهای عرب منطقه و سران

۱- رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، صص ۹۸ و ۱۰۰.

استحاله شده فلسطینی با این رژیم، بر عمق و پیچیدگی این معضل افزوده است. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم محمدرضا پهلوی روابط گرم و دوستانه ای با رژیم اشغال گر قدس داشت. وجود پایگاه های جاسوسی اسرائیل در شهرهای جنوبی و غربی ایران (۱) و فعالیت گسترده سازمان های جاسوسی اسرائیل در ایران نیز مؤید همین معناست. رژیم صهیونیستی، حکومت پهلوی را تنها دولت و متحد خود در منطقه می دانست و مأموران ساواک ایران را آموزش می داد (۲). رژیم ایران حتی در ایجاد رابطه دوستی و سازش بین کشورهای عرب منطقه با اسرائیل غاصب، نقش مهمی ایفا می کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فلسطین از نقش و جایگاه ویژه ای برخوردار شد. جمهوری اسلامی، نماینده رژیم صهیونیستی را از ایران بیرون راند و سفارت فلسطین را به جای سفارت اسرائیل در کشور دایر

کرد. همچنین با قطع صدور نفت به رژیم صهیونیستی، تعهد خود را نسبت به آزاد ساختن مسجدالاقصی و فلسطین اعلام کرد. حضرت امام خمینی رحمه الله در پیام حج سال ۱۳۶۶ خویش فرمود:

من همان گونه که بارها و در سال های گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می کنم و حمایت بی دریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات

۱- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۶۷.

۲- همان، ص ۵۵۱.

اسلامی ملت ها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس اعلام می نمایم (۱).

ایشان در کلامی دیگر می فرماید:

اسرائیل، این جرثومه فساد همیشه پایگاه امریکا بوده است. من در طول نزدیک به بیست سال خطر اسرائیل را گوشزد نموده ام. باید همه به پاخیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جای گزین آن گردانیم (۲).

رهبر معظم انقلاب، خلف صالح حضرت امام خمینی رحمه الله نیز در همین زمینه فرموده است:

ما اعلام می کنیم که حتی یک روز و یک ساعت با دولت غاصب، غیرقانونی و خبیث اسرائیل، دوستی و محبت و کوچک ترین و ضعیف ترین نوع رابطه را نداشته و نخواهیم داشت (۳).

با این شروع انقلابی در حمایت از مردم فلسطین، نظر به اهمیت، گستردگی و شدت رنج های مردم فلسطین، تقویت روز افزون رژیم اشغال گر قدس و حمایت همه جانبه امریکا و غرب از آن و خطر وجود رژیم غاصب اسرائیل برای مسلمانان جهان به ویژه مسلمانان منطقه، رهبران انقلاب اسلامی ایران به حمایت از مبارزات مردم فلسطین جنبه عمومی و جهانی بخشیدند. رهبر انقلاب اسلامی آن قدر به اهمیت موضوع فلسطین اشاره می کرد که موضوع به صورت مسئله

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۵.

۲- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

۳- خطبه نماز جمعه، ۱۳۶۸/۱۱/۲۲.

مهم اسلامی بین همه مسلمانان و کشورهای اسلامی دنیا مطرح شد. حضرت امام رحمه الله، همت و دخالت ممالک اسلامی برای ریشه کن کردن رژیم نامشروع و اشغال گر قدس را لازم و ضروری دانست و فرمود:

این ماده فساد (اسرائیل) که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول بزرگ جای گزین شده است و ریشه های فسادش هر روز ممالک اسلامی را تهدید می کند، باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه کن شود (۱).

در این راستا، اعلام «روز جهانی قدس» از سوی امام راحل بسیار ارزشمند بود. ایشان در پیامی به مناسبت اعلام «روز جهانی قدس» فرمود:

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب و طی مراسمی، هم بستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر

۱- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۳۹.

اهل کفر خواستارم (۱).

این اقدام سبب شد که مسلمانان سراسر جهان در روز قدس دست به راه پیمایی اعتراض آمیز علیه رژیم اشغال گر قدس و حمایت از مبارزات مردم مظلوم فلسطین بزنند. رافائیل، استاد ارشد در دانشگاه بیت المقدس و

صهیونیست امریکایی با اشاره به اقدامات ایران در جهانی کردن مسئله فلسطین و گسترش آن در میان کشورهای عربی، چنین اظهار می دارد:

تجدید حیات اسلام، مسائل را در لبنان پیچیده تر کرده و به درگیری اعراب و اسرائیل تعمق بخشیده است (۲).

دیدگاه شیمون پرز نیز نشان دهنده اثرگذاری این اقدام است:

انقلاب اسلامی بسیار افراطی و خصمانه در قبال اسرائیل است. نهضت آیت الله خمینی یک تجربه بسیار تلخ قرن بیستم به شمار می رود (۳).

۱۹. احیای ارزش های معنوی در میان مسلمانان

توجه به مسائل معنوی، ارزشی و اعتقادی در مبارزه و حرکت ملت ها پراهمیت است و غفلت از آن، قیام و حرکت را به تباهی می کشاند. تجربه انقلاب اسلامی در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس به خوبی نقش و اهمیت مسائل معنوی را در سازندگی نیروی انسانی نشان می دهد.

-
- ۱- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، فلسطین از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ص ۱۳۴.
 - ۲- معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم انداز دیگران، ص ۱۱۴.
 - ۳- همان، ص ۱۱۳.

تقویت روحیه معنوی و اعتقادی مردم مسلمان و مبارزان و توجه دادن به ارزش ها تأثیر زیادی در دست یابی به اهداف دارد. مهم ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر مردم انقلابی و مبارز جهان، اسلام گرایی و محوری کردن آن در مبارزه بود. خجالت از مسلمانی و پنهان داشتن اسلام در میان مبارزان، جای خود را به فخر و مباهات به اسلام و مسلمانی داد. توجه و توکل به خداوند متعال، امدادهای غیبی و توجه به فرهنگ دعا و نیایش احیا شد. از سوی دیگر، تمام نهضت ها را به سلاح ایثار و شهادت طلبی، مجهز ساخت.

امروزه بسیاری از حرکت های اسلامی، شهادت را سعادت ابدی می شمارند. همچنین توجه به عفاف و حجاب کامل تر در میان زنان و دختران مبارز نهضت ها و حرکت های اسلامی بیشتر شد. حتی بسیاری از آنها با وجود بی سابقه بودن چادر در فرهنگ شان، برای برخورداری از حجاب کامل تر، از چادر استفاده می کنند. در کنار این ارزش ها، توجه به مساجد، فرهنگ نماز و انجام فرایض دینی و نماز جمعه جدی تر شد و حضور مردم

مبارز و انقلابی در صحنه گسترش یافت. توسعه فرهنگ عاشورا و قیام حسینی و عزاداری برای آن حضرت نیز شور انقلابی و سلحشوری خاصی را در میان مبارزان ایجاد کرد و در بسیاری از نهضت ها، شعارهای «الله اکبر»، «لا اله الا الله»، استقلال و آزادی، جمهوری اسلامی و مرگ بر امریکا بسیار استفاده می شود.

دستاوردهای اقتصادی

اشاره

دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی را می توان چنین برشمرد: حفظ ذخایر زیرزمینی و جلوگیری از غارت آنها به دست بیگانگان و استثمارگران، جلوگیری از اسراف، تبذیر و سوء استفاده خاندان شاهنشاهی از بیت المال، توجه به روستاها و برخوردار کردن آنها از امکانات مختلف نوسازی، تقویت امکانات زیست شهری مانند گازرسانی، تقویت زیربنای توسعه مانند تربیت نیروی انسانی ماهر، انرژی، سدسازی، توسعه ارتباطات و راه ها و بندرها، تقویت و گسترش مراکز آموزشی در تمامی سطوح و تلاش برای خوداتکایی اقتصادی و صنایع نظامی.

در تحکم بنیادهای اقتصاد اسلامی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظام های اقتصادی، تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا در مکاتب مادی، اقتصاد، خود هدف است. به همین دلیل، چنین اقتصادی در مراحل رشد، عامل تخریب و فساد و تباهی می شود. در اسلام، اقتصاد، وسیله است و از وسیله، انتظاری جز کارآیی بهتر برای رسیدن به هدف نمی توان داشت. با این دیدگاه، برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای شکوفایی خلاقیت های متفاوت انسانی است. فراهم آوردن امکانات مساوی متناسب و کارآفرینی برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی آنان بر عهده حکومت اسلامی است. در

بندهای ۹ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی درباره اهداف اقتصاد اسلامی چنین می خوانیم:

۹_رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی،

۱۲_پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

اصل ۴۳ قانون اساسی نیز از اهداف اقتصادی اسلام از زاویه ای دیگر سخن می گوید:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی نشود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از راه رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

وابستگی اقتصادی یک کشور، اهرم مناسبی برای وابستگی فرهنگی و سیاسی است. یکی از مسائل مهم در اقتصاد، واردات است. در رژیم گذشته، این مبادلات هر روز با شدت بیشتری به سوی کشورهای غربی به ویژه امریکا جهت گیری می شد. پس از انقلاب، جمهوری اسلامی کوشید این جهت گیری را تغییر دهد و سهم عمده ای از تجارت خارجی را به جهان سوم مربوط کند و امریکا را دست کم به طور مستقیم و اسرائیل و بعضی از کشورهای دیگر را از این گردونه به طور کلی حذف کند. نکته دیگر اینکه بنا به تصور عمومی، بخش خدمات به صورت نامناسبی رشد کرده و افراد زیادی به آن جذب شده اند. البته خدمات، قسمت های متعددی دارد. یکی از قسمت های مهم آن، حمل و نقل است که شامل وسایل نقلیه و راه ها می شود. ایران در حمل و نقل دریایی به ویژه در زمینه نفت، پیشرفت های قابل توجهی داشته و چند پروژه بندری به ویژه اسکله شهید رجایی را در بندرعباس تکمیل کرده و توسعه داده است. حمل و نقل هوایی به ویژه در زمینه حمل مسافر توسعه زیادی پیدا کرده که مهم ترین جنبه آن، انتقال ده ها هزار زائر خانه خداست. چند خط راه آهن (که مهم ترین آنها خط بافق - بندرعباس است) و جاده های ماشین رو زیادی ساخته شده و راه های روستایی گسترش زیادی پیدا کرده است. از دیگر قسمت های خدماتی، ایجاد و توسعه آموزش، بهداشت و ارتباطات است که در این مورد می توان به افزایش شمار دانش آموزان و دانشجویان اشاره کرد.

صنعت، بحث انگیزترین بخش هر اقتصادی است که بیشتر کشورهای بزرگ آن را محور توسعه قرار داده اند. ارزیابی صنعت در پرتو انقلاب، جای تحقیقات وسیع و موشکافانه ای دارد. صنعت مونتاژ وابسته، بزرگ ترین چیزی بود که از رژیم قبلی به انقلاب به ارث رسیده بود.

صنعت، بخش های مختلفی دارد، نظیر: صنایع سنگین و مادر، صنایع واسطه ای، کالاهای مصرفی که با مراحل چون طراحی، ساخت، سفارش ماشین آلات، نصب، راه اندازی، بهره برداری و تولید، تعمیرات و نگه داری، آموزش و تأمین نیروی انسانی، بازسازی و توسعه تعریف می شود. با بررسی عملکرد جمهوری اسلامی پس از انقلاب درمی یابیم که در زمینه صنایع سنگین و مادر که بیشتر برعهده دولت است، اهداف بلندی دارد. به همین دلیل، صنایع کلانی نظیر مس سرچشمه، فولاد مبارکه، کارخانه های ماشین سازی و نیروگاه ها مورد توجه خاص دولت بوده، تا آنجا که حتی در بدترین شرایط اقتصادی نیز از تلاش برای تکمیل و توسعه آنها غفلت نکرده است.

نفت از مهم ترین صنایع کشور است که به طور واقعی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملی شد و هجده هزار نفر از کارکنان خارجی آن از کار برکنار شدند. با وجود هشت سال جنگ تحمیلی که صنایع نفت ایران از

اهداف اصلی مورد هجوم دشمن بود، این صنعت در تمام مراحل حفظ و توسعه خود، فراهم آوردن نیازهای سوختی زندگی روزانه مردم و سوخت وسایل و ابزار جنگی و کسب درآمد و فروش صادرات موفق بود.

بخش دیگر صنعت، ساخت ماشین آلات مورد نیاز کارخانه هاست که ماشین سازی اراک و آذربای تبریز در این راستا تلاش می کنند، هرچند تولیدات آنها کافی نیست.

در زمینه نصب ماشین آلات نیز تکنسین ها و مهندسان ایرانی شایستگی های چشم گیری از خود نشان داده اند. تعداد کارکنان و به اصطلاح، کارشناسان خارجی شاغل در ایران بعد از انقلاب بسیار پایین آمده است. در زمینه راه اندازی و بهره برداری نیز گزارش های امیدوارکننده ای از قسمت های صنعت و تعمیرات و نگه داری شنیده می شود. صنعت نفت، کارنامه درخشانی دارد و صنایع نظامی نیز مثال زدنی است. در این مدت، آموزش و تأمین نیروی انسانی به شدت مورد توجه بوده و پیشرفت ها از نظر کمی محسوس است. البته باید به پیشرفت های کیفی و محتوایی نیز اندیشید. پس از مروری کوتاه به دستاوردهای اقتصادی انقلاب به توضیح و تبیین برخی از آنها می پردازیم.

۱۰. پی ریزی اقتصاد اسلامی برای حمایت از محرومان

از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران، تلاش برای تحقق اقتصاد اسلامی و حاکمیت بخشیدن به قوانین اسلامی در قلمرو مسائل اقتصادی است. رژیم گذشته چون به اسلام و قوانین و مقررات شرعی اعتقاد جدی نداشت، سیاست ها و جهت گیری ها و قواعد و مقررات آن در قلمرو حوزه اقتصادی نیز همانند دیگر حوزه ها فارغ از ضوابط شرعی و اسلامی بود. از آن جا که در نگرش اسلامی، دین اسلام، دینی است جامع و کامل که در تمامی حوزه های زندگی اجتماعی از جمله مسائل اقتصادی قاعده و قانون مشخص دارد، حکومت اسلامی نیز جهت گیری اقتصادی خود را بر اساس قوانین و مقررات اسلامی قرار داد. حضرت امام خمینی رحمه الله همیشه با رد مکتب های اقتصادی غیراسلامی به ویژه دو مکتب سرمایه داری و کمونیستی، بر حاکمیت بخشیدن به اقتصاد مبتنی بر اسلام تأکید می کرد. ایشان در یکی از پیام های خویش می فرماید: و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست های اقتصادی سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است (۱).

ایشان در وصیت نامه سیاسی _ الهی خویش نیز فرموده است:

اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی می داند و نه رژیم مانند رژیم کمونیستی و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می باشند، بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر به حق به آن عمل شود، چرخ های اقتصادی سالم به راه می افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می یابد.

اصل ۲۹ قانون اساسی مقرر می دارد:

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بی کاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

۱۱- آیین انقلاب اسلامی، (گزیده ای از اندیشه و آرای امام خمینی رحمه الله)، ص ۴۵۵.

اصل ۴۳ قانون اساسی نیز سیاست و جهت گیری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را چنین بیان می کند:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل ۴۸ قانون اساسی برای جلوگیری از تبعیض و توزیع ناعادلانه امکانات و درآمدهای ملی در مناطق مختلف کشور می‌گوید:

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دست رس داشته باشد.

۲. مقابله با فساد مالی و اقتصادی

امام خمینی رحمه الله یکی از دلایل مخالفت خود با رژیم پهلوی را حاکمیت سرمایه‌داری بر کشور و فساد اقتصادی این رژیم عنوان می‌کرد. ساختار حکومتی رژیم پهلوی به گونه‌ای بود که فقط متنفذان و سرمایه‌داران بزرگ می‌توانستند به پست‌های کلیدی کشور دست یابند و بر مردم حکومت کنند که نتیجه آن، گسترش فساد اقتصادی به دست کارگزاران نظام بود. ارتشبد سابق، حسین فردوست می‌گوید:

اصفیا، رئیس سازمان برنامه، تمام مقاطعه ها را به خانواده فرح اختصاص داده بود و پس از او که مجیدی، رئیس سازمان برنامه شد، همین رویه ادامه یافت. اطلاع دقیق دارم که فقط مهندس قطبی (دایی فرح که سرپرستی فرح و مادرش را داشت)، مجید اعلم (دوست شب و روز محمدرضا پهلوی) و مهندس دیبا (یک جوان حداکثر ۳۵ ساله (حدود ۸۰٪ مناقصه های بزرگ کشور را از سازمان برنامه می گرفتند و با ۲۵٪ حق و حساب به دیگران می دادند)^(۱)).

در بخشی از گزارش کمیته کنگره امریکا، فهرست تعدادی از افرادی که بودجه مربوط به کمک اقتصادی امریکا به ایران را به یغما

۱- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۱۵.

برده اند، قید شده است. در میان این افراد، به این نام ها اشاره شده است: «خانم لوی هندرسون، همسر سفیر امریکا در تهران (یک میلیون دلار)؛ شمس پهلوی (یک میلیون دلار)؛ اف میشل (نیم میلیون دلار)؛ آلن دالس، رئیس سازمان سیا (یک میلیون دلار)؛ هنری ادلاس، ناشر مجله های تایم، لایف و فورچون (نیم میلیون دلار)؛ جرج وی آلن، سفیر سابق امریکا در ایران (یک میلیون دلار)؛ شهناز پهلوی، دختر شاه (دو میلیون دلار)؛ حمیدرضا پهلوی (نیم میلیون دلار)؛ سلاین چاپلین، سفیر پیشین امریکا در تهران (یک میلیون دلار)؛ احمد شفیق، شوهر سابق اشرف (یک میلیون دلار)؛ ژنرال محمد خاتمی، شوهر فاطمه پهلوی (یک میلیون دلار)؛ فرح پهلوی (پانزده میلیون دلار)؛ فاطمه پهلوی (دو میلیون دلار)؛ عبدالرضا پهلوی (دو میلیون دلار)؛ غلام رضا پهلوی (دو میلیون دلار)؛ دکتر علی امینی (دو میلیون دلار)؛ راکفلر (دو میلیون دلار)؛ محمد رضا پهلوی (یک میلیون دلار)؛ اردشیر زاهدی (سه میلیون دلار)؛ اشرف پهلوی (سه میلیون دلار)؛ اسدالله علم (یک میلیون دلار)؛ حسین علا (یک میلیون دلار) و(۱)». ...»

حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنرانی ۴ آذر ۱۳۵۷ خویش در پاریس در مورد فساد اقتصادی درباریان و کارگزاران رژیم پهلوی چنین فرمود:

من خواندم این را یا در یک چیز بود که برای من خواندند. این را

۱- همان، ص ۵۶۷.

که یک ویلایی برای خواهر شاه، یک کدام از این خواهرانش،^(۱) یک ویلایی خریده اند به چه قیمت، آن را من یادم نیست، اما نوشته بود که شش میلیون دلار خرج گل کاری آن جا شده! یک همچون ویلایی از پول کی؟ ما که رضاخان را می شناختیم، وقتی که آمد این جا، یک آدم لختی بود^(۲).

منصور رفیع زاده، آخرین رئیس شعبه ساواک در امریکا در کتاب خاطرات خود درباره جشن هنر افسانه ای شاه در تخت جمشید شیراز که به مناسبت نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران برگزار شد، می نویسد:

یک لیست کامل از بخش خریدهای ساواک به دست آوردم که بر اساس آن، کار طبخ اغذیه جشن به رستوران ماکزیم در پاریس محول شد. تزئین ۵۹ چادر میهمان ها و ۳ چادر سلطنتی که همگی مجهز به تهویه مطبوع بودند در صحرا، به عهده شرکت فرانسوی جانسن در پاریس گذارده شد. این شرکت مسئولیت دکور مجدد کاخ سفید برای ژاکلین کندی را نیز بر عهده داشت. مبلمان از نوع لویی XV، حمام ها از سنگ مرمر فرانسوی، شمع دان ها لیموگیس چینی و ظروف کریستالی باکارات بودند. برای این جشن ها ۱۶۵ پیش خدمت زن و مرد، ۲۵ متخصص زیبایی (زن و مرد)، ۱۵۰۰ کلاه گیس مردانه، ۳۰۰ نیم کلاه گیس، ۴۰۰ جفت مژه و لباس های فرانسوی در نظر گرفته شد. طبق گزارش ۱۵ اکتبر مجله تایم، ۳/۵ تن کره و پنیر، نیم تن خامه، ۲۵۰ بطری شراب معادل ۸۴۰/۰۰۰ دلار،

-
- ۱- منظور شمس، خواهر بزرگ تر شاه است که در منطقه مهردشت کرج با کمک بزرگ ترین معماران انگلیسی، قصری افسانه ای به نام مروارید بنا نهاد که انبوهی از گیاهان و درختان زیبا آن را آراسته بودند.
- ۲- معماران تباهی، ج ۳، ص ۴۳۱.

لامپ های رنگی و فرش و قالیچه برای تمامی چادرها، محوطه سازی که شامل چند هزار قطعه فضای سبز و چند هزار تاج گل می شد، همه توسط نیروی هوایی ایران از پاریس آورده شده بود. تأمین اجناس و اشیای این مراسم، بازرگانان پاریسی را که تهیه همه چیز را بر عهده داشتند، یک سال تمام مشغول کرد. پروازهای دوبار در ماه هواپیما و ستون کامیون ها کلیه اقلام مورد نظر را از پاریس به صحرا حمل نمودند. یکی از خلبانان ایرانی به من گفت من با هواپیمای ۷۰۷ خود به اندازه یک سال پرواز فرش و کریستال و مشروب و سنگ مرمر برای حمام ها حمل و نقل کرده ام. هرچند فرش ایران در دنیا از شهرت چندساله برخوردار است، تمامی فرش های مورد نیاز چادرها به فرانسه سفارش داده شده بود.

مجموع هزینه های این جشن ۳۰۰ میلیون دلار برآورد شد، اما مسلماً هزینه های واقعی به مراتب بیش از مبلغ فوق بود؛ زیرا عمده مخارج به گردن وزارت خانه های مختلف بود و هیچ یک از وزرا جرئت مطرح نمودن آن را نزد شاه نداشتند. همچنین تمامی سازمان های دولتی و شرکت های خصوصی موظف بودند مبالغی را به برگزاری این جشن اختصاص دهند. طبق یک برآورد تقریبی، توسط شاه ۸۰۰ میلیون دلار در این جشن هزینه شد (۱).

اینها نمونه کوچکی از هزاران مورد مفاسد اقتصادی دوران رژیم پهلوی بود که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی به این تباهی ها پایان داده شد. نگاهی به زندگی و شخصیت رهبران و کارگزاران اصلی نظام اسلامی نشان می دهد که اکثریت قاطع آنها از اقشار معمولی و عادی

۱- خاطرات منصور رفیع زاده آخرین رئیس شعبه ساواک در امریکا، صص ۲۳۰_۲۳۷.

جامعه بوده و به صنف سرمایه داران بزرگ تعلق نداشته اند. به برکت انقلاب نیز مفاسد اقتصادی و تاراج بیت المال به شدت کاهش یافت.

۳. حمایت از تولید داخلی

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب، جلوگیری از گسترش بی رویه واردات کالاهای خارجی است. کشورهای غربی و امریکا فروش انواع کالاهای خود را به رژیم پهلوی تحمیل می کردند. کشورهای غربی و امریکا نه تنها از این واردات تحمیلی به ایران سود سرشاری نصیب خود می کردند، بلکه با وابسته نگه داشتن رژیم پهلوی به خود، سیاست های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش را نیز بر شاه تحمیل می کردند. جدول زیر میزان واردات ایران از امریکا را در پنج سال نشان می دهد (۱).

جدول واردات از امریکا در سال های ۱۳۵۰ _ ۱۳۵۴

سال

۱۳۵۰.۱۳۵۱

۱۳۵۲

۱۳۵۳

۱۳۵۴

میزان واردات به میلیارد دلار

۲۲

۳۲

۳۳

۸۹

۱۵۸

۱- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ص ۴۲۶.

این آمار نشان می دهد در ۵ سال، میزان واردات کالا از امریکا از ۲۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۰ به ۱۵۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۴ (یعنی بیش از هفت برابر) رسید. ویلیام سولیوان، آخرین سفیر امریکا در دوران رژیم پهلوی در خاطرات خود می نویسد:

در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) تولید متوسط روزانه نفت در حدود ۵/۸۰۰/۰۰۰ شبکه بود که ۵ میلیون بشکه آن در بازارهای جهان به فروش می رسید و ایران پس از عربستان سعودی، دومین صادرکننده بزرگ نفت در جهان به شمار می رفت. درآمدی که در سال ۱۹۷۷ از این طریق نصیب ایران شد، قریب ۲۴۰ میلیارد دلار بود که مهم ترین منبع درآمد ارزی و بزرگ ترین عامل فعالیت های اقتصادی و تولید ملی به شمار می آمد. به علت کاهش تولیدات کشاورزی و افزایش مصرف داخلی، قسمتی از درآمد نفت صرف واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی و عرضه آن در بازارهای داخلی به قیمت های ارزان تر از خرید می گردید. به طور مثال، بزرگ ترین وارد کننده برنج امریکایی بود و قسمت عمده گندم مورد نیاز خود را هم از امریکا تأمین می کرد(۱).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از تولید داخلی مورد توجه رهبران ارشد نظام قرار گرفت و این سیاست در بند نهم اصل ۴۳ قانون اساسی بدین شکل تبیین شد:

تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از

۱- احاطرات دو سفیر، ص ۱۰۶.

وابستگی برهاند.

همچنین در بند سیزدهم اصل سوم قانون اساسی، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها را یکی از وظایف دولت برشمرده است که باید همه امکانات خود را برای تحقق آنها به کار گیرد. حمایت از تولید داخلی در سال های پس از انقلاب، به رشد ابتکارات، خلاقیت ها و سازندگی های فراوان در زمینه مختلف از قبیل مخابرات، صنایع نفتی، سدسازی، پتروشیمی، کشاورزی، سیلوسازی و صنایع انجامیده است.

۴. گسترش شبکه مخابراتی

امروزه شاهد تحولات چشم گیری در شبکه مخابراتی کشور در زمینه های تلفن ثابت، تلفن همراه، کانال های مخابراتی و ارتباطات مخابراتی بین المللی هستیم. راه اندازی شبکه های اطلاع رسانی و پیوستن به بزرگ راه های اطلاعاتی از جمله اینترنت، بهره گیری از پیشرفته ترین امکانات فن آوری مخابرات و... از جمله این پیشرفت هاست. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳ (یعنی در همان پنج سال اول)، تعداد ۳۵۱۰۰۰ شماره تلفن در کشور دایر شد. ۱۳۶۳ روستا نیز به شبکه ارتباطی کشور پیوست و ۱۰۱ شهر امکان ارتباط بین شهری یافتند. همچنین اولین طرح آزمایش کابل نوری در مرکز تحقیقات مخابرات عملی شد. در سال ۱۳۶۴، کابل های مخابراتی شهید قندی یزد تأسیس شد و در سال ۱۳۶۸ به بهره برداری رسید. در سال ۱۳۶۸، اولین مرکز سویچینگ دیجیتال دانشگاه تهران به بهره برداری رسید. در سال ۱۳۷۰ بهره برداری از اولین موج گیر ماهواره ای انیمارست آغاز شد. در سال ۱۳۷۱، موافقت اصولی برای ایجاد دانشکده علمی و کاربردی مخابرات به دست آمد که در پی انقلاب فرهنگی، در دیگر دانشگاه ها ادغام شده بود. در سال ۱۳۷۲، شرکت مخابرات ایران بهره برداری از اولین موج گیرهای وی ست را آغاز کرد. از

تحولات مهم در سال ۱۳۷۳، توسعه شبکه تلفن تهران به ۱/۹۴۵/۰۰۰ شماره منصوبه و ایجاد شبکه تلفن همراه در سال ۱۳۷۵ و گسترش شبکه تلفن همراه در سطح ۳۵ شهر و طراحی یک میلیون شماره تلفن همراه، اتصال ۹۰ شهر کشور به شبکه ارتباطات داده ها و توسعه شبکه وی ست (VSAT) به میزان ۷۰٪ بود^(۱).

تا سال ۱۳۷۷، شبکه ۸۵۰ خطی آنالوگ با استفاده از جدیدترین فن آوری انتقال، به شبکه ۷/۲ میلیون خطی تبدیل شده و به توسعه قابل قبولی رسیده است. اینک ایران در شمار پنج کشوری است که در سال های اخیر در زمینه توسعه شبکه مخابراتی، با رشدی افزون بر ۲۰ درصد، بیشترین حجم توسعه را داشته است. آمار یاد شده نشان می دهد نظام اسلامی با توجه به اهمیت ارتباطات مخابراتی در ابعاد مختلف زندگی بشر، تلاش فراوانی در زمینه توسعه و تجهیز شبکه مخابراتی کرده است.

۱۰- ارتباطات در انقلاب اسلامی، صص ۷ و ۵۴.

۵. تحول در گازرسانی

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تنها پنج شهر کشور از لوله کشی گاز بهره مند بودند که در مسیر خط لوله سراسری قرار داشتند. در این دوران، هدف اصلی از تولید گاز، صادرات بود. این میزان در سال های پس از پیروزی انقلاب، به ویژه در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ به میزان چشم گیری افزایش یافت. تا پایان سال ۱۳۷۵ جمعا حدود ۲۸۰ شهر کشور به شبکه گازرسانی پیوستند^(۱). در سال ۱۳۷۹ تعداد شهرهای زیر پوشش شبکه گازرسانی کشور به ۳۷۹ شهر رسید^(۲). بدین ترتیب، تعداد شهرهای زیر پوشش شبکه گازرسانی در سال ۱۳۷۹ (نسبت به سال ۱۳۵۷ یعنی پایان دوران رژیم پهلوی)، ۷۶ برابر شده است. به عبارت دیگر، در ۲۲ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۷۵ برابر کل دوران رژیم پهلوی شهرهای کشور زیر پوشش شبکه گازرسانی قرار گرفتند. شبکه گذاری گاز طبیعی در کشور نیز تا پایان دوره رژیم پهلوی دوهزار کیلومتر بود که در سال ۱۳۷۹ به ۵۹ هزار کیلومتر افزایش یافت^(۳)، یعنی میزان شبکه گذاری گاز طبیعی در این مدت، ۳۰ برابر شده است.

میزان انشعاب گاز طبیعی در سال ۱۳۵۷، ۵۱/۸۷۹ مورد بود که در سال ۱۳۶۷ به ۸۰۲/۷۲۹ مورد؛ در سال ۱۳۷۷ به ۲/۷۹۳/۶۶۹ مورد و در

۱-اسیمای سازندگی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲-نفت و توسعه، ص ۱۲۸.

۳-گاز، محور توسعه، ص ۴.

سال ۱۳۷۹ به ۳/۳۰۰/۰۰۰ مورد افزایش یافت (۱). بدین ترتیب، تعداد انشعاب گاز طبیعی نیز از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۹ حدود ۶۲ برابر شده و به اندازه ۶۱ برابر کل دوران رژیم پهلوی، انشعاب گاز طبیعی نصب شده است. مسلماً آماری که در سال ۱۳۸۶ قابل ارائه است، بسیار بیشتر از آمارهای ما خواهند بود.

۱۶. احیای کشاورزی

سیاست های اجتماعی و فرهنگی سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ نشان می دهد که برنامه ریزان و مسئولان وقت، به توانایی های بخش کشاورزی اعتقادی نداشتند و متلاشی کردن جامعه روستایی و ادغام آن در فرهنگ شهری را سرلوحه اهداف خود قرار داده بودند. افزایش شدید درآمد نفت، ایجاد جامعه مصرفی و گسترش بی تناسب کارخانه های مونتاژ، نیاز به کارگرانی داشت که تنها با ویرانی روستاها می توانست فراهم شود و این با سیاست های امریکا هماهنگ بود.

کشاورزی ایران تا قبل از دهه ۱۳۴۰، با وجود حاکمیت شیوه ارباب رعیتی، نه تنها احتیاجات غذایی و صنایع نساجی و دیگر صنایع کشاورزی را تأمین می کرد، بلکه بخش بزرگی از تولیدات کشاورزی به خارج صادر می شد. از این دهه به بعد، با اعمال سیاست های نابجا و توسعه اقتصادی ناموزون، وضع کشاورزی ایران دچار نابسامانی شد. در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، بیشتر نیازهای کشور به مواد غذایی از خارج

۱-انود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، ص ۲۷۵.

تأمین می شد که این امر به وابستگی هرچه بیشتر کشور به خارج برای ورود محصولات کشاورزی انجامید. سهم تولیدات کشاورزی در تولید ملی که قبل از دهه ۴۰ بیش از ۴۰% بود، در سال ۱۳۵۴ به ۱۰٪ کاهش یافت (۱).

به طور کلی، سیاست امریکا، وابسته کردن کشورها به مواد غذایی بود، چنان که رمزی کلارک، وزیر سابق دادگستری امریکا می گوید:

هسته سیاست خارجی ما این بوده است که مانع خودکفایی و استقلال دولت ها و مردم در زمینه مواد غذایی شویم. ما دولت دموکرات انتخابی مردم ایران را برانداختیم و شاه را جای گزین آن کردیم (۲). برای ۲۵ سال (۱۳۳۲_۱۳۵۷) ایران، نگهبان و حافظ منافع ما در یکی از مهم ترین مناطق جهان یعنی خاورمیانه بود (۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی و واژگونی نظام شاهنشاهی، توجه ویژه به بخش کشاورزی در مجموعه حیات اقتصادی - اجتماعی کشور، اولویت بازسازی و توسعه آن با توجه به وابستگی معیشتی نیمی از جمعیت کشور به این بخش و تأمین استقلال اقتصادی کشور در حیاتی ترین زمینه (مواد غذایی)، در رأس برنامه های نظام نوپای اسلامی قرار گرفت (۴). در قانون اساسی کشور نیز به منظور تأکید بر این مهم، در بند نهم اصل ۴۳ آمده است :

۱- عبدالرضا رکن الدین افتخاری و علی دینی ترکمانی، اقتصاد ایران، ص ۱۲۵.

۲- اشاره به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

۳- نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، ص ۲۷۷.

۴- اقتصاد ایران، ص ۱۴۴.

تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

با اینکه هنوز از نظر کشاورزی در وضع مطلوبی قرار نداریم، ولی در سال های پس از انقلاب با وجود مشکلات فراوان، سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی روند صعودی داشته است. این سهم از ۸/۴ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۱۹/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته است (۱). در این راستا، گام های مهمی نیز برای افزایش تولید محصولات استراتژیک و جلوگیری از مهاجرت روستاییان برداشته شد که در این زمینه، از واگذاری ماشین آلات کشاورزی (۷۸۷۸ دستگاه)، واگذاری پمپ و موتورآلات (۷۰۹۸ دستگاه)، واگذاری وسایل نقلیه (۲۳۰۲ دستگاه) و احداث چاه های عمیق و نیمه عمیق (۵۷۲۶ حلقه) می توان نام برد (۲). در سال ۱۳۷۷، تولیدات بخش کشاورزی بیش از سه برابر میزان تولیدات کشاورزی در سال زراعی ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ بود. این در حالی است که در بیست سال گذشته، رشد سرمایه گذاری در بخش کشاورزی کشور، منفی بوده است (۳). در دوره پس از انقلاب اسلامی، سطح زیر کشت محصولات عمده زراعی به طور نسبی افزایش یافت. این امر حاصل تلاش کشاورزان، آموزش آنان، بالارفتن کیفیت بذرها و

۱- همان، ص ۱۶۵.

۲- همان، ص ۱۴۸.

۳- صدیقه عامل هاشمی پور، تحول کشاورزی در بستر زمان، ص ۱۷.

پژوهش در این زمینه، بهبود سیستم آبیاری و افزایش ماشین های کشاورزی است که در مجموع، تلاش مسئولان را در عرصه کشاورزی به نمایش می گذارد.

۷. سدسازی و آب رسانی

با توجه به نقش و اهمیت آب در بخش نیاز آشامیدنی، کشاورزی، تولید نیرو و مهار سیلاب ها، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحول قابل توجهی در حوزه فن آوری و توان سدسازی کشور و خوداتکایی در این عرصه، به وجود آمد. قبل از انقلاب، تنها ۱۳ سد ساخته شده بود، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۹ سد دیگر به همت متخصصان داخلی ساخته شد. به عبارت دیگر، در بیست سال پس از پیروزی انقلاب، به اندازه ۴/۵ برابر کل دوران رژیم پهلوی سد ساخته شده است. پس از سال ۱۳۷۷، سدهای دیگری نیز ساخته شد که از جمله می توان از سد کرخه، بزرگ ترین سد مخزنی کشور و خاورمیانه و ششمین سد طویل جهان و سد مسجدسلیمان، بلندترین سد کشور و دومین سد بلند خاکی خاورمیانه یاد کرد. علاوه بر سدهای ساخته شده، ساخت سدهای دیگری نیز در دستور کار قرار دارد.

در مورد ساخت سدهای انحرافی نیز تحول قابل قبولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته است. قبل از انقلاب تنها ۲۶ سد انحرافی ساخته شده بود، که تا سال ۱۳۷۷، ۵۵ سد انحرافی ساخته شد. به عبارت دیگر، در بیست سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بیش از دو برابر کل دوران پهلوی، سد انحرافی ساخته شده است. همه این آمار و ارقام نشان می دهد قدم های ارزنده برای مصرف بهینه آب انجام شده و مسئولان مربوط، به مهار آب های سرگردان و استفاده مطلوب از آن توجه کامل دارند.

۸. صنعت پتروشیمی

آغاز به کار صنعت پتروشیمی در ایران به سال ۱۳۳۷ و تأسیس واحد کود شیمیایی مرودشت باز می گردد. از آغاز پیدایش این صنعت در ایران تا سال ۱۳۵۷ (یعنی ۲۰ سال) حدود ۴/۲ میلیارد دلار در صنعت پتروشیمی سرمایه گذاری یا تعهد پرداخت شده صورت گرفت و ظرفیت تولید به مرز ۴/۱ میلیون تن در سال رسید. در

زمانی که صنعت پتروشیمی در جهان به سرعت در حال رشد و گسترش بود، ایران به علت در اختیار نداشتن دانش فنی و حاکمیت حکومت غیرمردمی، از قافله رشد صنعت پتروشیمی عقب ماند و فرصت های ارزشمندی را در این زمینه از دست داد. در فاصله سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ که به دوران طلایی رشد صنعت پتروشیمی در جهان معروف است، سرمایه گذاری در این صنعت در ایران تنها حدود یک میلیارد دلار بود (۱). پس از انقلاب نیز، سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷، سال های رکود و توقف در صنعت پتروشیمی به شمار می رفت. در این دوره، چون بیشتر واحدهای پتروشیمی در مناطق جنگی و در معرض تهاجم قرار داشتند، تولید در

۱- انود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، صص ۲۸۸_۲۸۹؛ به نقل از: کارنامه پتروشیمی، صص ۴ و ۱۶.

حداقل میزان خود بود. با وجود این، با صرف ۲/۲۶ میلیارد دلار، توان تولید با افزایش میزان ۳/۱ میلیون تن در سال، به ۵/۴ میلیون تن در سال رسید. سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵، دوران اوج شکوفایی صنعت پتروشیمی در طول تاریخ ایران است. در این دوره کوتاه، با سرمایه گذاری حدود ۷/۲ میلیارد دلار، مجتمع های موجود با ظرفیت ۴/۵ میلیون تن در سال، بازسازی شدند. در نتیجه، ظرفیت تولید مواد پتروشیمی کشور در سال ۱۳۷۵ تا مرز ۱۰/۵ میلیون تن در سال افزایش یافت. این میزان در سال ۱۳۷۹ به بیش از ۱۳ میلیون تن رسید. در سال ۱۳۷۹، محصولات پتروشیمی، بیشترین سهم را در صادرات غیر نفتی کشور داشتند. صادرات پتروشیمی از ۲۹ میلیون دلار در پایان جنگ (۱۳۶۷) به ۸۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ رسید، یعنی حدود ۲۸ برابر شد. مقدار فروش داخلی شرکت ملی صنایع پتروشیمی نیز از ۵۷۸ هزار تن در سال ۱۳۶۸، به ۳۹۰۰ تن در سال ۱۳۷۹ رسید و حدود ۷ برابر شد (۱).

ص: ۹۸

۱- همان.

۹. صنعت برق

۹. صنعت برق (۱)

باگذشت بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شاخص های مهم صنعت برق رشد چشم گیری کرده است. برای نمونه، ظرفیت اسمی نیروگاه ها با ۱۷/۴۱۳ مگاوات افزایش از ۷/۰۲۴ به ۲۴/۴۳۷ مگاوات و انرژی تولید شده با بیش از ۶۳ درصد رشد به ۹۷/۹ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۱۳۷۷ رسیده است.

رشد صنعت برق در طول دهه های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر اینکه از نظر کمی و با ملاحظه دشواری های جنگ، بسیار بالا و درخور توجه بود، با پایان جنگ تحمیلی، فرصت برای برنامه ریزی در همه ابعاد فراهم شد. امروز نه تنها دشواری ها برطرف شده، بلکه صنعت برق کشور بدان حد از توسعه و پیشرفت رسیده است که رفته رفته از مرزهای ملی فراتر می رود. آمار موجود نشان دهنده رشد عظیم کمی صنعت برق است، ولی نباید از نظر دور داشت که این رشد و توسعه، از رشد کیفی در زمینه های مدیریت و فن آوری جدا نیست. وزارت نیرو علاوه بر توسعه سخت افزاری صنعت برق، به ابعاد نرم افزاری، پرورش نیروها و استعدادهای انسانی و مدیریت و پژوهش عنایت خاصی داشته است. پس از انقلاب اسلامی، در نتیجه

۱- از دست آوردهای مهم و اساسی در زمینه تولید برق، دست یافتن ایران اسلامی به فناوری غنی سازی اورانیوم برای تولید برقه هسته ای است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: ایران و انرژی هسته ای، تألیف سید عبدالمجید اشکوری و محمدعلی روزبهانی از انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

کوشش های متخصصان داخلی، صنعت برق کشور توانسته است از نظر بین المللی در جایگاهی درخور توجه قرار گیرد، به گونه ای که بر اساس آمارهای سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ میلادی (۱۳۷۴) ایران از نظر صنعت برق در میان کشورهای خاورمیانه و غرب آسیا در مقام نخست قرار گرفت و در سطح جهانی نیز به مقام بیست و یکم دست یافت (۱).

-انود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، صص ۲۸۹_۲۹۱.

دستاوردهای فرهنگی

اشاره

شناخت آثار و نتایج فرهنگی انقلاب اسلامی بدون اطلاع از وضعیت فرهنگی ایران قبل از انقلاب میسر نیست. رژیم پهلوی از یک سو، به بهانه احیای ارزش های فرهنگی ایران باستان و از سوی دیگر، به نام مدرنیزه کردن کشور، به نابودی ارزش ها و سنت های دینی و رسوم اصیل ملی و ترویج فرهنگ غرب می پرداخت. حرکت اسلام زدایی از زمان رضاشاه با عنوان «کشف حجاب» و با شعار فریبنده «آزادی زنان» آغاز شد و تمامی وسایلی که باید در خدمت سازندگی فرهنگ مردم قرار می گرفت، برای نابودی آن به کار گرفته شد. رژیم در سینماها، رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و مجلات، دانشگاه ها، محیط های آموزشی و فرهنگی، مراکز ورزشی و تفریحی و کوچه و بازار به ترویج فرهنگ مبتذل غربی دامن می زد. جلوگیری از برگزاری مجالس عزاداری و روضه خوانی، مقابله با روحانیت به شیوه های مختلف و برچسب زدن «ارتجاع سیاه» به آن، تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی، ترویج ناسیونالیسم در مقابل اسلام، جلوگیری از چاپ کتاب ها و نشریات سازنده، تبلیغ ناکارآمدی اسلام در جوامع امروز و نظریه جدایی دین از سیاست، گسترش فرهنگ مصرف گرایی، تجمل گرایی و مدپرستی، ترویج مدل های غربی و بازگذاشتن دروازه های کشور به روی اجناس مصرفی و بنجل بیگانگان و مسائلی از این قبیل، برنامه هایی بودند که براینابودی دین و نفی ارزش های فرهنگی ملی و مردمی انجام می گرفت. در نتیجه، بسیاری از دختران و پسران جوان این کشور گرفتار بی بندوباری و اعتیاد به مواد مخدر بودند و بیشتر مردم نیز در برابر غرب احساس خودباختگی می کردند و در همه چیز، خود را به بیگانگان نیازمند می دانستند.

دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در داخل کشور

۱۱. احیای اسلام

نخستین اثر فرهنگی انقلاب، احیای اسلام و مطرح کردن آن در دنیا به عنوان مکتب حیات بخش بود. انقلاب موفق شد تا حدودی زنگارها و پیرایه ها را از اسلام برگیرد و حقیقت ناب آن را به مردم بنمایاند و نشان دهد دینی جاودانی است که می تواند نیازهای همه جوامع را در هر زمانی برآورد و آنها را به سوی سعادت دنیا و آخرت رهنمون سازد.

۲. احیای اندیشه خودباوری و اعتماد به نفس

انقلاب اسلامی از کسانی که خود را در برابر بیگانگان باخته بودند، مردانی با شخصیت و مستقل ساخت که با توکل به خدا، تکیه بر استعدادها و بهره‌گیری از نیروهای درونی خویش توانستند روی پای خود بایستند و در بسیاری از زمینه‌ها، موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آورند که بر افراد آگاه پوشیده نیست.

۳. مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد

انقلاب با تهیه، تولید و حمل هر نوع مواد مخدر به داخل کشور و توزیع آن، مبارزه جدی و بی‌امان کرد و در بازداشتن نسل جوان از ابتلا به بیماری و بلای خانمان سوز اعتیاد، نجات دادن افراد معتاد و بازپروری و واداشتن آنها به ترک اعتیاد و بازگشت به جامعه، تلاش پی‌گیر و همه‌جانبه‌ای کرد و موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آورد که در سطح جهان بی‌نظیر است.

۴. اهمیت دادن به کانون خانواده

انقلاب اسلامی نقش خطیر خانواده را در تعالی و سعادت انسان گوشزد کرد. در پناه آموزه‌های انقلاب اسلامی، مردم بار دیگر متوجه شدند خانواده دارای نقش مهم و فوق‌العاده‌ای در تزکیه و بقای جامعه است. انقلاب با بیان اهمیت تشکیل خانواده و بقای آن، به مردم فهماند که از این راه می‌توان از پیدایش نسلی فاسد و بی‌بندوبار جلوگیری کرد.

۵. مقابله با تهاجم فرهنگی غرب

غرب زدگان و وابستگان رژیم پهلوی که اروپا و آمریکا را قبله آرزوهای خویش می‌دانستند، تلاش داشتند غرب را جلوه تمام فضایل انسانی و فرهنگی و برجسته‌تر از آنچه هست، قلمداد کنند. انقلاب اسلامی با آشکار ساختن نقاط ضعف غرب، پوچی این همه تبلیغات را نشان داد و ثابت کرد فرهنگ غرب با ترویج مادی‌گرایی و زندگی مصرفی، انسان را به فساد و لذت‌پرستی و ملل ضعیف را به ضعف و نابودی و استعمار می‌کشاند.

۶. بالا بردن سطح آگاهی مردم

انقلاب با گسترش مراکز آموزشی و تربیتی، افزایش و گسترش کتاب‌ها و نشریات، تأسیس کتاب‌خانه‌ها، ایجاد انگیزه برای مطالعه و کتاب‌خوانی، برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی و داخلی کتاب، اهدای جوایز به نویسندگان برجسته و تشویق آنان و مانند آن، در راه گسترش و تقویت آگاهی مردم قدم برداشت. در حال حاضر، دشمنان انقلاب که در آزمایش همه‌راه‌های مقابله با انقلاب شکست خورده‌اند، بهترین راه برخورد با انقلاب و نابود کردن آن را مقابله با فرهنگ این ملت و به اصطلاح همان تهاجم فرهنگی می‌دانند. به همین دلیل، همه‌توان خود را در این راه بسیج کرده و تا حدودی نیز موفق شده‌اند. آنها تلاش کرده‌اند با کاهش ارزش دین، تا آنجا که ممکن است از ارج و منزلت آن بکاهند. این‌گونه برخورد دشمنان با دین، سابقه تاریخی دیرینه‌ای دارد، چنان‌که در زمان نزول وحی بر پیامبر نیز گاهی می‌گفتند سحر است یا معلوماتی بشری است که پیامبر از دیگران آموخته است یا به ایشان نسبت جنون می‌دادند. با پیروزی انقلاب، دشمنان با نوشتن مقاله و کتاب در سطح وسیع، بر ضد دین و انقلاب به تبلیغ پرداختند. نقطه اوج این فعالیت‌های تخریبی، انتشار کتاب آیات شیطانی بود که با فتوای تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله به شکست انجامید. هنوز هم بازتاب سیاسی و اجتماعی آن فتوا در سطح جهان ادامه دارد.

در عرصه داخلی نیز عده‌ای با کوشش برای بشری‌معرفی کردن معارف دینی و زیر سؤال بردن عصمت و خطاپذیر جلوه دادن پیشوایان دین، خواه ناخواه، از ارزش و منزلت دین و نفوذ معارف دینی و پیشوایان دین در نظر مردم می‌کاهند. دشمن با گسترش و ترویج فساد در میان مردم در پی ضربه زدن به دین و فرهنگ است. ترویج فیلم‌های مبتذل و ویدئویی، نوار موسیقی مستهجن، عکس‌های محرک، دامن زدن به بدحجابی زنان، توزیع مواد مخدر و کوشش برای گسترش اعتیاد میان جوانان، راه‌هایی هستند که دشمنان انقلاب برای بدبین کردن مردم به انقلاب به کار می‌بندند. دشمنان برای دل سرد کردن مردم با همه‌توان خود وانمود می‌کنند که انقلاب در هیچ زمینه‌ای موفق نیست. از این رو، با ایجاد اختلال در زندگی اقتصادی مردم، محاصره اقتصادی، دامن زدن به احتکار کارهایی که گرانی را در جامعه افزایش می‌دهد، با انقلاب مبارزه می‌کنند. شایسته است برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، در همه زمینه‌ها، با قدرت و درایت کافی، راه‌های ضربه‌پذیری انقلاب و نفوذ دشمن را سد کرد.

۱۷. ایجاد وحدت میان حوزه و دانشگاه

رژیم پهلوی در راستای سیاست دین ستیزی، تلاش زیادی برای ایجاد جدایی و شکاف بین حوزه و دانشگاه می کرد و حتی به دنبال ایجاد دشمنی بین این دو مرکز مهم بود. حضرت امام خمینی رحمه اللهدر وصیت نامه سیاسی _ الهی خود، از این توطئه محمدرضاپهلوی چنین پرده برداری کرد:

یکی از روش های محمدرضا پهلوی در به انزوا کشاندن روحانیت، ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیون بود که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد و مع الأسف به واسطه بی خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرت ها، نتیجه چشم گیری گرفته شد. از یک طرف از دبستان ها تا دانشگاه ها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاه ها از بین غرب زدگان یا شرق زدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کار گمارده شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه، حکومت را به دست می گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقا و اسلام به خصوص و از وابستگان به ادیان خصوصا روحانیون و مبلغان متنفّر باشند و اینان را عمّال انگلیس در آن زمان و طرف دار سرمایه داران و زمین خواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می نمودند و از طرف دیگر، با تبلیغات سوء، روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی دینی و بی بندوباری و مخالفت با مظاهر اسلام و ادیان متهم می نمودند. نتیجه آنکه راه را برای چپاولگران آن چنان باز کنند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود(۱).

حضرت امام راحل در دیدار با دانشگاهیان، از زاویه دیگری، به این توطئه محمدرضا پهلوی اشاره کرده است:

از اول می خواستند این طور درست بکنند دانشگاه را و جوانان ما را از اول می خواستند به یک فرمی بار بیاورند که دشمن بشوند با

-اصحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸۲.

اسلام و با هر چه که مربوط به اسلام است.

اسم آخوند را توی دانشگاه نمی شد ببری. اسم دانشگاهی هم در محیط فیضیه نمی شد ببری. هر یک از اینها اگر می رفتند آنجا، خودشان را غریب می دیدند، خودشان را هیچ می دیدند. می دیدند به چه محیط بدی وارد شده اند. برای این بود که این طوری درست کردند تا اینکه این دو جبهه ای که می توانند کشور را حفظ کنند و می توانند نجات بدهند از گرفتاری ها، اینها دشمن هم بشوند. این، سرکوبی او را بکنند. او سرکوبی این را بکنند،

آنها نتیجه اش را بگیرند و نتیجه را گرفتند. آن قدر پافشاری در دشمنی این دو قشر برای چه بود؟ آن قدر تبلیغات سوء از همه اطراف نسبت به این طبقه مظلوم علما و از آن طرف در آنجا، آن هم تبلیغات برای دانشگاهی و دانشگاه و اینها چه بود؟ برای چه این طور بود؟ برای این بود که می ترسیدند که اگر اینها به هم نزدیک بشوند و تفاهم کنند، بفهمند که اسلام چه چیز است. اگر بروند این آقایان اساتید دانشگاه در حوزه های علمی و پیش اساتید ببینند که اسلام چیست، وحشت نمی کنند آن وقت. آن وقت می فهمند که ما چه قدر مصیبت کشیدیم در این دوران ها و خصوصا این پنجاه سال، برای اینکه ما با برادرهای خودمان دشمن بودیم. هر کدام دیگری را تضعیف می کردیم. شما توجه داشته باشید به این معنا که باید این پیوند بین دانشگاه و فیضیه برقرار باشد. اگر این دو قشر هماهنگ بشود و اگر صالح بشود این دو قشر دانشمند، کشور ما هیچ نقص دیگری نمی تواند پیدا بکند (۱).

۱- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، آیین انقلاب اسلامی گزیده ای از اندیشه و آراء امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۵.

مقام معظم رهبری نیز در مجمع دانشجویان و طلاب با تجلیل از تاریخ علم و دین و تأثیر اروپا در ایجاد جدایی بین آن دو و نیز اثر منفی آن بر حوزه و دانشگاه می فرماید:

در کشور ما هزار سال علم و دین در کنار یکدیگر بودند. علما و پزشکان و منجمان و ریاضی دان های بزرگ تاریخ ما _ آن کسانی که امروز نامشان و اکتشافشان هنوز در دنیا مطرح است _ جزو علمای بالله و صاحبان دین و متفکران دینی بودند. ابن سینایی که هنوز کتاب طب او در دنیا به عنوان یک کتاب زنده علمی مطرح است و در شئون مختلف به عنوان یک چهره برجسته تاریخ بشر، در همه صحنه های علمی دنیا در این هزار سال مطرح بود و هنوز هم مطرح است و بعضی کارها در تاریخچه علم به نام او ثبت شده، یک عالم دینی هم بوده است. محمد بن زکریای رازی و ابوریحان بیرونی، [و] دیگر علما و دانشمندان و متفکران و مکتشفان و مخترعان دنیای اسلام نیز همین طور بوده اند. این، وضع کشور ما و دنیای اسلام بود. تا وقتی که دین حاکم بود و صحنه زندگی مردم از دین و نفوذ معنوی آن به کلی خالی نشده بود، وضع این گونه بود. از وقتی که اروپایی ها و غربی ها و سیاست مداران صهیونیست و متفکران که برای نابودی دنیای اسلام نقشه می کشیدند، دانش را همراه با سیاست وارد کشور ما کردند، علم را از دین جدا نمودند و نتیجتاً رشته دین، یک رشته خالی از علم شد و رشته علم، یک رشته خالی از دین گشت. قرن نوزدهم که اوج تحقیقات علمی در عالم غرب می باشد، عبارت از قرن جدایی از دین و طرد دین از صحنه زندگی است. این تفکر در کشور ما هم اثر گذاشت و پایه

اصلی دانشگاه ما بر مبنای غیردینی گذاشته شد. علما از دانشگاه روگردان شدند و دانشگاه هم از علما و حوزه های علمیه روگردانیدند. این پدیده مرارت بار، هم در حوزه علمیه و هم در دانشگاه ها سوء اثر گذاشت. در حوزه های علمیه سوء اثر گذاشت؛ زیرا علمای دین را صرفاً به مسائل ذهنی دینی _ و لا غیر محدود و محصور کرد و آنها را از تحولات دنیای خارج بی خبر داشت. پیشرفت های علم از نظر آنها پوشیده ماند و روح تحول گرایی و ضرورت تحول در فقه اسلام و استنباط احکام دینی که همواره در تحولات عظیم جهانی، چنین تحولی در استنباط دین و فقه اسلام وجود داشته است و فقه برای رفع نیاز جامعه، مستند به قرآن و سنت است، در حوزه ها از بین رفت. حوزه ها از واقعیت زندگی و حوادث دنیای خارج و تحولات عظیمی که به وقوع می پیوست، بی خبر ماندند و به یک سلسله مسائل فقهی و غالباً فرعی محدود شدند. مسائل اصلی فقه مثل جهاد و تشکیل حکومت و اقتصاد جوامع اسلامی و خلاصه فقه حکومتی، منزوی و متروک و نسیا منسیا شد و به مسایل فرعی و فرع الفرع و غالباً دور از حوادث و مسایل مهم زندگی توجه بیشتری گردید، این ضربه ای بود که به حوزه های علمیه وارد آمد.

و اما دانشگاه _ که خشت اولش از حوزه علمیه و دین جدا نهاده شده بود _ در مشت کسانی افتاد که نه از دین و نه از اخلاق اسلامی و نه از اخلاق سیاسی و نه از احساس وجدان یک شهروند نسبت به کشور و ملتشان بهره ای نداشتند. در طول هفتاد سال اخیر به جز عده معدودی از قبیل امیرکبیر و بعدها هم چند نفری که بسیار محدود بودند، بیشتر کسانی که زمام امور تحصیلات عالی در این کشور به دست آنها بوده است... کسانی بودند که منافع ملت ایران در مقابل منافع بیگانگان، برای آنها از هیچ رجحانی برخوردار نبود و بیشتر به فکر چیزهای دیگری بودند تا آینده این ملت و کشور... علما و دانشمندان و محققان علوم طبیعی در کشور ما، از دین جدا ماندند و در نتیجه، به درد مردم و کشور و ملتشان نخوردند. خوب ترها و بهترین هایشان رفتند و برای بیگانگان مفید واقع شدند. عده ای هم در همین جا بودند و برای بیگانه ها کار کردند. روشن فکرانی که در همین دانشگاه ها درس خواندند، همان ها بودند که در طول حکومت پهلوی، اداره این کشور را به خائنانه ترین وجهی بر عهده داشتند و به این ملت خیانت کردند^(۱).

خوش بختانه، پیروزی انقلاب اسلامی، به جدایی بین حوزه و دانشگاه پایان داد و طرحی نو برای دوستی و نزدیکی افکنده شد. به فرموده امام خمینی رحمه الله:

در این نهضت، یکی از برکات این بود که این قشرها را به هم نزدیک کرد. قشر دانشگاهی با قشر روحانی و طبقه جوان با هم نزدیک و همکار شدند. این قشرهایی که از هم جدا بودند، با تأیید خدای تبارک و تعالی یکی شدند (۲).

از منظر رهبر معظم انقلاب نیز وحدت حوزه و دانشگاه را می توان چنین تحقق بخشید:

در نظام اسلامی، علم و دین پا به پا باید حرکت کند. وحدت حوزه و دانشگاه یعنی این. وحدت حوزه و دانشگاه معنایش این نیست که حتماً بایستی تخصص های حوزه ای در دانشگاه و تخصص های دانشگاهی در حوزه دنبال بشود. نه، لزومی ندارد. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و خوش بین باشند و به هم کمک بکنند و با یکدیگر همکاری نمایند، دو شعبه از یک مؤسسه علم و دین هستند... اما باید

۱- حدیث ولایت مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۳، صص ۸۶ _ ۹۰.

۲- در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۳۷۹.

با هم مرتبط و خوش بین باشند، با هم کار کنند، از هم جدا نشوند و از یکدیگر استفاده کنند. علمی را که امروزه حوزه علمیه می خواهند فراگیرند، دانشگاهی ها به آنها تعلیم بدهند. دین و معرفت دینی را هم که دانشگاهی ها احتیاج دارند، علمای حوزه به آنها تعلیم بدهند. سرّ حضور نمایندگان روحانی در دانشگاه ها همین است (۱).

۸. خودباوری فرهنگی

اصلاحات فکری و تحولات اندیشه ای از مسائل مهم و ریشه ای در هر دگرگونی بنیادی و انقلاب است. تا اندیشه اصلاح نشود، هیچ تحولی صورت نمی گیرد. خودباختگی فرهنگی در دوران گذشته فضایی به وجود آورده بود که مردم می پنداشتند از نظر فرهنگی، حقیر و بی محتوا هستند و برعکس، غرب، فرهنگی شایسته و مترقی و برتر دارد. پس باید پیرو آن فرهنگ باشند. این خودباختگی فرهنگی در دانشگاه ها، مدارس، اداره ها، اجتماع، خانواده، کارخانه ها، مؤسسات و سازمان ها حاکم بود. بسیاری از مردم پذیرفته بودند که باید مثل غربی ها فکر کنند، مثل آنها لباس بپوشند و در سخن گفتن، اصطلاحات غربی را به کار بگیرند و حتی نام فرزندان و کالاهایشان غربی باشد. در نگاه آنان، زندگی بی بندوبار و خلاف عفت غربی، ملاک عمل بود. رژیم

پهلوی به یاری استکبار غرب، برای القای این تفکر در ذهن مردم ایران، برنامه ریزی می کرد و مردم را شیفته فرهنگ غرب می ساخت تا مردم

۱- حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۳، ص ۹۰.

همیشه با حقارت، دست نیاز به سوی غربی ها دراز کنند و سرسپرده باشند.

حضرت امام در وصیت نامه سیاسی _ الهی خود با تلخی شدید، از این وضعیت اسفبار یاد می کند:

از جمله نقشه ها که مع الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیز ما گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است، به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرایض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند و قصه این امر غم انگیز، طولانی و ضربه هایی که از آنان خورده ایم و اکنون نیز می خوریم، کشنده و کوبنده است. تا این غرب زدگی و شرق زدگی در ملت ما است، هیچ امیدی به اصلاحات نیست. ما باید تمام همتان را صرف کنیم که خودمان را از این وابستگی فکری بیرون بیاوریم(۱).

پیروزی انقلاب اسلامی به دوران حقارت بار خودباختگی فرهنگی پایان داد و ملت ایران به این رشد و آگاهی رسید که با تکیه بر فرهنگ خودی و اسلامی می تواند به وابستگی ها پایان دهد. رهبر معظم انقلاب در مورد این دستاورد می فرماید:

یکی از بت هایی که استعمار در طول دوران های متوالی روی آن در همه ملت های عقب افتاده کار کرده بود، بت برتری نژاد سفید و

۱- در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۲۴۴.

نژاد اروپایی و امریکایی بر نژادهای آسیایی و افریقایی و امریکای لاتین است. احساس حقارت در ملت ها را زنده کرده بودند. امروز در بسیاری از ملت ها متأسفانه هنوز بقایای آن هست و در مقابل امریکایی ها احساس حقارت می کنند(۱).

خودباوری فرهنگی، زمینه از بین بردن وابستگی فرهنگی را فراهم کرد و زمینه ساز استقلال فرهنگی کشور شد.

۱۹. استقلال فرهنگی

استقلال فرهنگی، نشانه آزادی و وابستگی فرهنگی، نمادِ حقارت و بی هویتی یک ملت است. رژیم پهلوی، مظهر وابستگی فرهنگی بود. سیاست های فرهنگی از سوی غرب دیکته می شد و رژیم با اشتیاق و پیروی کورکورانه از غرب، آنها را در حوزه های اعتقادی، اخلاقی، رفتار و معاشرت و مانند آن اجرا می کرد. در حقیقت، وابستگی فرهنگی، مرحله ای بالاتر از اندیشه است و از نتایج خودباختگی فرهنگی به شمار می رود. به برکت انقلاب اسلامی، استقلال فرهنگی رخ داد و در پرتو آن، استقلال سیاسی، اقتصادی و نظامی نیز ممکن شد. در حضرت امام رحمه الله می فرماید:

استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشئت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است. بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام

-خطبه نماز جمعه، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۱۱/۱۸.

اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است. بی شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای، وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار، دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می کند و بالاخره در آن مستهلک می شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می دهد(۱).

در مورد اهمیت و ارزش این دستاورد مهم، رهبر فرزانه انقلاب در خطبه های نماز جمعه (۱۰ فروردین ۱۳۶۹) با اشاره به استقلال سیاسی و اقتصادی فرمود:

از همه اینها مهم تر، استقلال فرهنگی بود. جمهوری اسلامی از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتذل و فاسد غربی نخواهد رفت. این نکته را من عرض کنم که سلطه واقعی قدرت ها، سلطه فرهنگی است. یعنی اگر ملتی

بتواند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادات خود را؛ در مرحله بالاتر، زبان و خط خویش را در ملت دیگری نفوذ بدهد، بر آن ملت مسلط است و سلطه او یک سلطه حقیقی است. کاری که در دو دوره از این دو بیست سال گذشته، فرانسوی ها با کشورهای دیگر کردند و در یک دوره دیگر، انگلیسی ها کردند و در این اواخر، امریکایی ها انجام دادند. فرهنگ؛

۱۱- آیین انقلاب اسلامی (گزیده ای از اندیشه و آرای امام خمینی رحمه الله)، ص ۳۲۲.

یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ؛ یعنی باورها و اعتقادات و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبه روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم. اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است. ما نمی خواهیم اینها را از غربی ها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم (۱).

۱۰. ادگرگونی ارزش های زندگی

کسانی که قبل از انقلاب سر در لاک خود فرو برده، در دنیای خود غوطه ور بودند و نسبت به دیگران احساس مسئولیت نمی کردند، پس از شنیدن نوای انقلاب، روحیه ایثار و ازخودگذشتگی در بین آنان زنده شد. بدین ترتیب، هر فرد و گروهی از آنچه در توان داشت، در راه مردم و انقلاب اسلامی دریغ نمی کرد و به ویژه صدها هزار نفر از همان جوانان بی احساس قبل از انقلاب و ساخته شده انقلاب، در راه انقلاب و ارزش های انقلابی و دین و مقدسات مملکت و مردم خود، جانبازی و جهاد کردند و از جان خود در این راه مایه گذاشتند. وجود شهیدان و جانبازان بسیار در هر کوی و برزن، گواه روشنی برای این حقیقت است. مردم در پشت جبهه نیز با اخلاص فراوان برای محرومیت زدایی، کمک

۱- احادیث ولایت مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۴، ص ۵۰.

به بینوایان و شرکت در جشن های نیکوکاری و سازندگی کشور در ابعاد مختلف، تلاش های فراوان کردند. به طور کلی، انقلاب، روح تقوا، عبادت، دعا، مناجات، شجاعت، عفت، مناعت، قناعت و دیگر فضایل اخلاقی را

در بین جوانان زنده کرد تا آنجا که توانستند به صورت الگویی برای دیگر کشورهای مسلمان و مستضعف و افتخاری برای ملت و مملکت خود جلوه کنند.

تبدیل برخی از ارزش های قبل از انقلاب به ضدارزش و به وجود آمدن ارزش های تازه و ناب، از دستاوردهای مهم انقلاب به شمار می آید. متأسفانه در دوران پهلوی، ارزش های متناسب با فرهنگ وارداتی غرب، تبلیغ شده و جا افتاده بود، به گونه ای که با فرهنگ اسلامی و در بعضی موارد، حتی با فرهنگ ملی ما هیچ تناسبی نداشت. این ارزش های پوشالی در دو عرصه قابل تعریف بود. دسته اول، ارزش هایی بود که از نظر همه مردم، ارزش تلقی می شد، مانند برخورداری از خانه بزرگ و گران قیمت و لوکس، داشتن پست و مقام و داشتن پول و ثروت زیاد، داشتن ماشین های جدید و گران قیمت، پوشیدن لباس های فاخر، برگزاری مهمانی های پر زرق و برق و پرهزینه، داشتن ویلا در کنار دریا و خانه های بیلاقی، گردش و تفریح آن چنانی و مانند آن. دسته دوم، ارزش هایی بود که برای خواص و اقشار مرفه و دارای موقعیت های بالای اجتماعی مطرح بود، مانند بی دینی، بی حجابی زنان و بی غیرتی مردان، پوشیدن لباس های مستهجن و ضداخلاقی، روابط بی بندوبار زنان و مردان، شرکت در مجالس رقص و آواز و لهو و لعب و موسیقی های مطربی و غربی، اختلاط زن و مرد و برهنگی در کنار دریا.

با حاکم شدن فرهنگ و بینش دینی و انقلابی، ارزش های دسته اول تا حدود زیادی تعدیل شد و مردم به داشتن خانه، ثروت، ماشین، وسایل خانه، خوراک، پوشاک، تفریح و گردش در حد نیاز قانع شدند. حتی در نظر قشرهایی از مردم، داشتن خانه و ماشین گران قیمت و خوراک مفصل و پوشاک تجملاتی، به صورت ضدارزش درآمد. دسته دوم از ارزش های دوران طاغوت نیز به کلی در نظر مردم مؤمن و انقلابی کشورمان به ضدارزش تبدیل شد. پس از انقلاب، ارزش هایی مانند علم و تقوا، دین داری، نماز و عبادت، حجاب و عفت، دوری از لهو و لعب و اختلاط زن و مرد، احیا گشت و ارزش های جدیدی مانند ایثار و گذشت، شهادت طلبی، خدمت گذاری، تنفر از خودستایی، فرار از شهرت و خودنمایی، ساده زیستی و معنویت گرایی وارد ادبیات انقلاب شد.

حضرت امام خمینی رحمه الله در راستای این تحول ارزشی می فرماید:

این تحولی که الان در ایران پیدا شده است، اصلاً نظیر ندارد که در ظرف مدت کوتاهی یک ملتی که در فسادها زندگی می کند، یک دفعه متحول شدند به اینکه داوطلب شدند برای جنگ، داوطلب شدند برای شهادت و خوش حالی می کنند. گریه می کنند بعضی ها که ما را اجازه نمی دهند برویم، شما یک کاری بکنید که اجازه

بدهند. این تحول معجزه آسایی است که شده و امیدوارم که این تحول محفوظ باشد و مادامی که محفوظ باشد، آسیب نمی بیند اینجا و فرض کنیم که دخالت نظامی هم نکنند و هر کاری که بکنند آسیبی نمی بینند (۱).

چه تحولی بالاتر از اینکه یک جوان در وصیت نامه خود، روحیه خویش را چنین توصیف می کند:

احساس می کنم که روحم عوض شده است و مرا حال دیگری است. نمی دانم چرا وقتی سر به سجده می گذارم، بی اختیار گناهانم در خاطرم زنده می شود و اشک هایم مهر نماز را می شوید و در آن حال نمی دانم که چه هستم و کجا هستم؟ خدایا، چگونه شکر تو را به جای آورم که مرا رهرو راه حسین علیه السلام که همانا راه خون و شهادت است، قرار دادی (۲).

همین روحیه معنویت گرایی، جوانان کشور را از مرزهای ایثار و شهادت طلبی گذراند و به سرزمین عشق و عاشقی و شهود و وصال حق رساند. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

این نهضت اسلام برای این دسته، این تحول را به بار آورده که اشخاصی که اصلاً وارد در این کارهای جنگی نبوده اند، یک دفعه متحول شده اند و اشخاصی که جنگی شده اند و اشخاصی که در راه اسلام فداکاری کرده اند و شهید داده اند و من در عین حال که بسیار متأسفم از این عزیزانی که از دست ما رفته اند، ولیکن مباحثات می کنم به این تحولی که برای آنها پیدا شده است (۳).

۱- در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۳۸۱.

۲- سخن آشنا (گزیده ای از وصیت نامه های شهدای گران قدر جنگ تحمیلی) ص ۸۲.

۳- در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۳۸۲.

۱۱. تقویت فرهنگ نماز

یکی دیگر از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، توسعه و تقویت فرهنگ نماز و نمازخوانی و برگزاری گسترده نمازهای جماعت است. قبل از انقلاب، به فرهنگ و فریضه نماز اهمیت داده نمی شد. حتی با ایجاد فضای ضداسلامی، مردم نمازخوان در مجامع عمومی مورد تمسخر و توهین قرار می گرفتند. فضای روانی به اندازه ای منفی بود که بعضی از نمازخوانان خجالت می کشیدند در مکان های عمومی و محیط های اجتماعی از قبیل اداره ها، دانشگاه ها، مدارس، مراکز یا پادگان های نظامی، شرکت ها و مؤسسه های گوناگون نماز بخوانند.

بعضی از افراد حتی از اینکه در مهمانی‌ها و خانه دیگران یا حتی خانه خود در مقابل دیگران نماز بخوانند، خجالت می‌کشیدند. به همین دلیل یا نماز را به تأخیر می‌انداختند یا اینکه آهسته و پنهانی در گوشه‌ای، نماز خود را می‌خواندند. اقامه نماز بیشتر به صورت انفرادی بود و صرفاً در مساجد و جمع‌های خصوصی می‌شد جلوه‌ای از نماز جماعت را مشاهده کرد.

به برکت انقلاب اسلامی، دید عمومی جامعه نسبت به نماز به کلی دگرگون شد. با متحول شدن دیدگاه حکومت و بینش بسیاری از مردم نسبت به این فریضه الهی، بسیاری از افراد بی‌نماز به خیل نمازگزاران پیوستند. این دگرگونی در قشر جوان، اعم از مدرسه‌ای و دانشگاهی محسوس و چشم‌گیر بود. امروز وقتی صدای اذان ظهر از بلندگوی نمازخانه اداره‌ها و سازمان‌ها پخش می‌شود، قشر وسیعی از کارکنان

وضو می‌گیرند و در صفوف نماز جماعت به اقامه نماز و مناجات با پروردگار خویش می‌پردازند. در گذشته، از حضور جوانان در مساجد خبری نبود و به پایگاه کهن سالان تبدیل شده بود. به برکت انقلاب اسلامی، مساجد جایگاه اصلی خود را باز یافت. مساجد در دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، به پایگاه‌های روشنگری و دادن آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی به مردم مبارز و انقلابی تبدیل شدند و این همان چیزی بود که امام راحل در نظر داشت:

مسجد و منبر در صدر اسلام، مرکز فعالیت‌های سیاسی بود. جنگ‌هایی که در اسلام می‌شده است، بسیاری از آن در مسجد طرح‌ریخته می‌شد(۱).

مساجد، بهترین سنگرها و جمعه و جماعات، مناسب‌ترین میدان‌تشریح و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. امروز دولت‌ها و سرسپردگان ابرقدرت‌ها اگرچه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند، ولی هرگز جرئت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیون‌ها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند(۲).

اکنون، مساجد شاهد حضور جوانان پرشور و فعالیت‌های گوناگون و گسترده‌ای در رسیدگی به امور رفاهی و خدماتی، امور خیریه و رسیدگی به مشکلات مالی خانواده‌های نیازمند و نیز فعالیت‌های فرهنگی و هنری است. مساجد در دوران دفاع مقدس نیز نقش مهمی

۱-اصحیفه نور، ج ۸، ص ۱۸۴.

۲-همان، ج ۲۰، ص ۳۳۸.

از خود به یادگار گذاشت و به پایگاه های مقاومت بسیج تبدیل شد. امروز پایگاه های بسیج با مساجد کاملاً گره خورده و پیوند مستحکمی بین آنها به وجود آمده است. بسیج، بازوی نظامی مساجد و حافظ اسلام و انقلاب است و مسجد نیز در هدایت دینی و حفظ سلامت بسیج و نیز حمایت های انسانی و مادی از آن، نقش مهمی بر عهده دارد.

۱۲. گسترش فرهنگ قرآنی

قرآن، کلام الهی و کتاب آسمانی مسلمانان است که حضور آن در جامعه در زمان پهلوی تنها به قرائت در مجالس ختم و بر سر قبور اموات، سفره عروسی، اسباب کشی به خانه نو و رد شدن از زیر آن برای رفتن به مسافرت محدود شده بود و در امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقشی نداشت. این نگرش در جمع خواص و دین داران وجود نداشت، ولی جوّ عمومی جامعه نسبت به قرآن، نادرست و دیدگاه و سیاست رژیم پهلوی نسبت به آن خصمانه بود.

به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحولات چشم گیر و مهمی در امر توجه به قرآن پدید آمد، به گونه ای که، قرآن از انزوا درآمد و در عرصه های گوناگون زندگی مردم حضور پیدا کرد. بدین ترتیب، مردم دریافتند قرآن، کتابی تشریفاتی و مخصوص تلاوت بر سر قبر و سفره عقد نیست، بلکه کتابی آسمانی و دارای دستورالعمل جامع و کامل برای زندگی بشر است. نمونه عملی اجتماعی و سیاسی این نگرش هم در شکل و قالب حکومت اسلامی نمایان شد. اصولاً نظام اسلامی مبتنی

بر اصول و مبانی اسلامی است که در کتاب آسمانی «قرآن» بیان شده است. از این رو، می توان گفت در حقیقت، نظام اسلامی ایران، نظامی مبتنی بر قرآن (همان وحی الهی) است. وقتی جایگاه والای قرآن در بین مردم شناخته شد، توجه به فراگیری قرآن و عمل به مفاد آن در سطح مراکز آموزشی و مجامع عمومی افزایش چشم گیری یافت.

۱۳. احیای نماز جمعه

قبل از انقلاب، تقریباً خبری از نماز جمعه نبود. به برکت انقلاب اسلامی، این امر مقدس و پرثمر احیا شد. حضرت امام خمینی رحمه اللهدر این باره فرمود:

برپایی نماز جمعه یکی از برکات بسیار عظیم اسلام بود که مع الأسف قبل از پیروزی انقلاب در بین علمای شیعه بسیار کم جلوه و برادران اهل سنت هم که اقامه می کردند، خطبه هایشان محدود به حدودی خاص بود (۱). یکی از مهم ترین چیزهایی که در انقلاب حاصل شد، قضیه نماز جمعه است که در زمان سابق در بین ما متروک و در بین اهل سنت به طور دل خواه نبود و غالباً تحت نفوذ قدرت ها انجام می گرفت که بحمدالله در این نهضت، نماز جمعه با محتوای حقیقی آن تحقق یافت (۲).

رهبر معظم انقلاب درباره دستاورد مهم نماز جمعه برای ملت ایران چنین می فرماید:

ملت ایران نماز جمعه نداشت و از این نهضت محروم بود. انقلاب

۱- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۴۱۲.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

به او نماز جمعه داد (۱). ما نماز جمعه را از انقلاب و از امام داریم. قبل از انقلاب، نماز جمعه کشور ما نزدیک به صفر بود، هم از لحاظ تعداد نماز جمعه ها، هم از لحاظ کمیت مردمی که در آن شرکت می کردند و هم از لحاظ کیفیت سخنانی که گفته می شد (۲). یکی از بزرگ ترین کارهای امام بزرگوارمان، همین ایجاد و تأسیس نمازهای جمعه بود. [ما از] نماز جمعه محروم بودیم یا آن را نداشتیم. در جاهایی هم که خیلی به ندرت پیدا می شد، آن تأثیری را که نماز جمعه می توانست در حکومت اسلامی داشته باشد، قهراً نداشت. در جاهایی هم اصلاً افراد ناجوری بودند که محل بحث نیست (۳).

پس از پیروزی انقلاب، مردم مسلمان هر هفته روزهای جمعه با شور و شوق فراوانی در نماز جمعه شرکت می کنند. حضور با شکوه مردم در نماز جمعه در سرما و برف و باران زمستان و گرمای سوزان تابستان و در ایامی مانند موشک باران و بمب گذاری ها که خطر جانی، آنها را تهدید می کرد، نشان دهنده عمق ایمان و عشق و علاقه مردم به این فریضه سیاسی دینی است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب:

اسلام برای نماز جمعه خیلی اهمیت قائل است... از قول پیامبر خدا نقل شده که فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَعَلَيْهِ بِالْجُمُعَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؛ هر کس که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، در روز جمعه نباید نماز جمعه را فراموش کند (۴).

به همین دلیل، حضرت امام خمینی رحمه الله می فرمود:

۱- حدیث ولایت مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۶، ص ۲۱۵.

۲- خطبه نماز جمعه، روزنامه اطلاعات ۱۳۷۷/۸/۹.

۳- حدیث ولایت، ج ۴، ص ۲۳۲.

۴- همان، ج ۶، ص ۲۱۵.

آقایان باید با سفارش به مردم و نسل های آینده به این مسئله اهمیت بدهند که نماز جمعه در رأس همه امور است و مردم را مجتمع کنند که در این امر خللی وارد نشود(۱).

اهمیت نماز جمعه را باید در آثار گوناگون سیاسی اجتماعی آن جست. برخی از این پی آمدها عبارتند از: هدایت دینی مردم، هدایت سیاسی اجتماعی مردم، ایجاد وحدت بین مردم و نیز مردم و مسئولان، نمایش قدرت و عظمت اسلام و بسیج مردم در مسائل مختلف و داخلی جهانی اسلام.

۱۴. احیای امر به معروف و نهی از منکر

فریضه امر به معروف و نهی از منکر قبل از انقلاب اسلامی کاملاً فراموش شده بود و به تعبیری، اصلاً معنا و مفهومی عملی نداشت. رژیم فاسد پهلوی جو عمومی را به گونه ای فراهم کرده بود که به علت گسترده فساد و فحشا و مفاسد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زمینه ای برای طرح این فریضه وجود نداشت. این در حالی است که فریضه امر به معروف از فروع دین و واجبات اسلامی است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (توبه: ۷۱)

مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو، امر و از کار زشت نهی می کنند.

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

رسول گرامی اسلام نیز در روایتی می فرماید:

هنگامی که امت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندانم پیروی نکنند، خداوند، بدان را بر آنان مسلط می کند. در این حالت، خوبان دعا می کنند، ولی دعایشان مستجاب نخواهد شد (۱).

بنا براین، فریضه امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای همگانی است. حضرت امام خمینی رحمه اللهدر این مورد می فرمود:

امر به معروف و نهی از منکر به همه ملت واجب است. اگر یک خلاف یک کسی کرد باید او را نهی کند (۲).
امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است. یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد و بر دیگری [نه]. همه ما همان طور که مکلفیم خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، مکلف هستیم که دیگران را هم همین طور دعوت کنیم (۳).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این امر توجه شده است. در اصل هشتم چنین می خوانیم:

در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.

۱- میزان الحکمه، ص ۱۲۴۲۹.

۲- در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، ص ۱۲۵.

۳- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۳۸۶ و ۳۸۷.

در کنار نهی از منکر، باید به بعد امر به معروف نیز توجه جدی صورت گیرد تا شاهد جامعه ای مطلوب و سالم باشیم.

۱۵. برچیده شدن شراب فروشی ها

وجود مشروب فروشی های فراوان در سراسر کشور در خیابان ها و محله ها، یکی از هزاران مفسد و منکرات رژیم پهلوی بود. رژیم پهلوی با تأسیس و گسترش مشروب فروشی ها و میکده ها، قصد رسمیت بخشیدن علنی به امر حرام شراب فروشی و شراب خواری داشت. همچنین می خواست گستاخی و شهادت خود را نسبت به علنی کردن مخالفت با موازین شرعی نشان بدهد و قدرت خود را به رخ مردم مسلمان و علمای دین

بکشد. وجود این مراکز و فعالیت مستمر آنها، این عمل حرام و خلاف شرع را در بین توده مردم، عادی جلوه می داد. در واقع، عمل گناه و حرام به تدریج در جامعه، عادی و طبیعی می شد. صرف وجود مراکز مشروب فروشی آن هم به تعداد فراوان در سراسر کشور، زمینه و آلوده شدن مردم را به مشروب خواری و می گساری فراهم می کرد. از نظر اسلام، شراب خواری از گناهان کبیره است و در قرآن مورد نهی خداوند قرار گرفته است. خداوند در آیه ۲۱۹ سوره بقره می فرماید:

از تو درباره می و قمار می پرسند. بگو در آن دو، گناه بزرگی است و سودهایی برای مردمان دارد، ولی گناه آنها از آن بزرگ تر است.

ص: ۱۲۶

با پیروزی انقلاب اسلامی و برچیده شدن مراکز شراب فروشی، مشروب خواری و می گساری علنی به طور کامل از بین رفت. به این ترتیب، از ارتکاب گناه کبیره، تحلیل رفتن نیروی جوانان، ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم، سست شدن روابط خانوادگی و نهاد خانواده، افزایش ارتکاب جرایم و تخلفات اجتماعی، قتل و آدم کشی، درگیری ها و دعواهای مستانه و عربده کشی ها در کوچه ها و خیابان ها و سلب امنیت و آسایش عمومی جلوگیری شد.

۱۶. برچیده شدن خانه های فساد

خانه های فساد به صورت رسمی، زنان فاسد را در اختیار مردان هوس باز و شهوت ران قرار می دادند. زنا از گناهان کبیره است و خداوند در قرآن می فرماید:

و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است. (اسراء: ۳۲)

عمل زشت زنا در زمان های گذشته نیز بسیار انجام می شد و مختص این نوع مراکز نبود، با این حال، وجود این مراکز که از حمایت دولت برخوردار بود و روزانه هزاران روابط نامشروع در آنها رخ می داد، سبب می شد هزاران زن و مرد با آلوده شدن به این گناه کبیره، از معنویت و حتی انسانیت، خارج و به موجوداتی تبدیل شوند که صرفاً به دنبال ارضای غرایز شهوانی و حیوانی خویش هستند.

با توجه به طغیان غرایز جنسی در جوانی، این مراکز مایه آلودگی بیشتر آنان می شد و از تمایل آنان به تشکیل خانواده و ازدواج می کاست. در این مراکز، شخصیت زنان به مراتبی پایین تر از حیوانات کاهش می یافت و به موجوداتی خوار و بی هویت تبدیل می شدند. پیروزی انقلاب اسلامی مراکز فحشا را از بین برد و عفت و پاک دامنی را به ارمغان آورد.

۱۷. تحول در محتوای کتاب ها و مطبوعات

در دوران پهلوی، کتاب های زیادی در زمینه های مختلف هنری، اجتماعی، تاریخی، داستانی، منتشر می شد که از ابتدال و تصاویر ضد اخلاقی و مستهجن پر بود. در مقابل، با چاپ کتاب های پرمحتوای اسلامی در موضوع های گوناگون مخالفت می شد. سیاست حکومت پهلوی، حمایت از کتاب های ضد اخلاقی و ضد اسلامی بود و حتی در چاپ این کتاب ها سرمایه گذاری و فعالیت می کرد. خود شخص شاه در ضدیت با اسلام جدیت بیشتری از خود نشان می داد، خسرو معتضد در همین مورد می نویسد:

در دوران رژیم پهلوی، کتابی به نام نگهبانان سحر و افسون، ظاهرا توسط یک عده از شرق شناسان و اسلام شناسان شوروی نوشته شده [بود] و در آن تلاش کرده بودند ایمان مسلمانان را زیر سؤال برده و از بین ببرند. این کتاب در فرانسه ترجمه و چاپ شده و تعدادی به ایران ارسال شده بود. شاه به مزینی می گوید: جریان این کتاب چیست؟ مزینی جریان را گفته و اضافه می کند: قربان جلو همه آنها را که به ایران ارسال شده بود، گرفته و جمع آوری کردم. شاه اعتراض می کند و می گوید: شنیده ام در این کتاب توسط کمونیست ها اهانت زیادی به دین اسلام شده است. چرا جلو انتشار آن را گرفته اید؟ ای کاش گذاشته بودید این کتاب در میان محافل روحانی، اصناف و بازاری ها و کسبه منتشر می شد. چرا این کتاب را برای آیت الله کاشانی، آیت الله بروجردی و آقای بهبهانی نفرستادید تا بخوانند (۱).

انقلاب اسلامی زمینه های این توطئه شوم را هم از میان برداشت و تحول چشم گیری در محتوای ارزشی کتاب ها و افزایش شمارگان آنها به وجود آورد. بدین ترتیب، این امکان برای نویسندگان مسلمان و متعهد و انقلابی فراهم شد تا هزاران عنوان کتاب با موضوع های یاد شده چاپ کنند.

حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

اهمیت انتشارات، مثل اهمیت خون‌هایی است که در جبهه‌ها ریخته می‌شود و مداد العلماء افضل من دماء الشهداء. دم‌ها شهدا اگرچه بسیار ارزشمند و سازنده است، لکن قلم‌ها بیشتر می‌تواند سازنده باشند و اصولاً شهدا را قلم‌ها می‌سازند و قلم‌ها هستند که شهید پرورند(۲).

ناگفته نماند در زمان حکومت پهلوی، برخی مجله‌ها و نشریه‌ها نیز صرفاً به تصاویر بسیار مستهجن اختصاص داشتند، به گونه‌ای که حضرت امام در وصیت‌نامه سیاسی _ الهی خود در نکوهش این مجلات می‌فرماید:

مجله‌ها با مقاله‌ها و عکس‌های افتضاح‌بار و اسف‌انگیز و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی،

۱- خسرو معتضد، ناکامان کاخ سعدآباد، ج ۲، صص ۵۶۸-۵۸۰.

۲- آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی رحمه الله)، ص ۲۳۶.

افتخار، مردم به ویژه طبقه جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند(۱).

صدمه‌ای که اسلام از مطبوعات و رسانه‌های طاغوتی خورد، کمتر از دستگاه‌های دیگر خورد و آن قدر که جوان‌های ما را این مطبوعات فاسد و آن مجله‌های فاسدتر و آن رادیو و تلویزیون فاسدتر به فساد کشیدند، معلوم نیست که مراکز فساد، آن قدر به فساد کشیده باشند. این مجلات بود و این مطبوعات و این رادیو و تلویزیون و تمام این رسانه‌های گروهی بود که جوان‌های ما را به جای اینکه به طرف دانشگاه بکشد، به طرف علم و ادب بکشد، به طرف فساد کشاند(۲).

۱۸. تحول در رسانه ملی رادیو و تلویزیون و سینماها

از میان رسانه‌های جمعی، تلویزیون چه در جهت مثبت یا منفی بسیار اثرگذار است. حضور تلویزیون در همه خانه‌ها و وسیع بودن دامنه و بُرد آن، تأثیر غیرمستقیم بر بیننده، سمعی و بصری بودن آن، اشتغال یک یا چند ساعته اکثریت مردم به تماشای آن در روز و تنوع مخاطبان آن از نظر سنی، نشان‌دهنده اهمیت این رسانه است. حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنی می‌فرماید:

رادیو و تلویزیون از تمام رسانه هایی که هست، حساس تر است. رادیو تلویزیون می تواند یک مملکت را اصلاح کند و می تواند به فساد بکشد. این را نه روزنامه می تواند، نه سینما می تواند، نه تئاتر می تواند، نه تبلیغات لفظی که در منابع است می تواند، برای اینکه اینها

۱-صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

۲-همان، ص ۲۳۷.

همه شعاعشان محدود است (۱). رادیو و تلویزیون یک دستگاهی است که هم در طرف تبلیغات فاسد اهمیت زیادی دارد و هم در طرف تبلیغات صحیح... تمام مطبوعات این طور است. منتها اهمیت تلویزیون بیشتر از همه است (۲).

متأسفانه رژیم پهلوی از این رسانه پر اهمیت در جهت منفی و تخریبی آن بهره می گرفت. تلویزیون با نمایش تصاویر مستهجن و ضداخلاقی و فیلم های مبتذل و گمراه کننده، شوهای مستهجن، پخش موسیقی و رقص و آوازهای حرام، بر افراد جامعه و به ویژه نسل جوان اثر ویرانگری داشت. ترویج فرهنگ منحط غربی، ترویج روابط نامشروع و ضداخلاقی بین زنان و مردان، ترویج فرهنگ بی حجابی و بی عفتی، معرفی و تبلیغ افراد فاسد و منحرف از قبیل خواننده ها، هنرپیشه ها و رقاصه های داخلی و خارجی به عنوان الگو، تحریک و تقویت روحیه شهوانی و حیوانی، بی حرمتی به شخصیت زن و استفاده از او به عنوان ابزار تبلیغاتی برای پر کردن جیب سرمایه داران، از پی آمدهای برنامه های این رسانه بود. خوش بختانه با پیروزی انقلاب، این وضعیت اسفناک پایان یافت و رادیو و تلویزیون با ارائه برنامه های سازنده و مفید در جهت رشد و تعالی مردم، گام های مؤثری برداشتند.

سینماها نیز یکی دیگر از محیط های فاسد و ضداخلاقی دوران رژیم پهلوی بودند، انحطاط و فساد اخلاقی در سینماها بیش از رادیو و

۱-آیین انقلاب اسلامی، گزیده ای از اندیشه و آرای حضرت امام، ص ۲۴۰.

۲-همان، ص ۲۳۶.

تلویزیون بود. هم فضا و محیط سینماها، فضایی بسته و مستعد برای انواع آلودگی ها و اختلاط نامشروع زنان و مردان و دختران و پسران جوان بود و هم فیلم هایی که نمایش داده می شد، پر از صحنه های زشت و مستهجن بود. فساد این گونه فیلم ها به گونه ای بود که ناگزیر بودند تماشای آن را در الظاهر برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال ممنوع کنند. هر چند این ضابطه در عمل رعایت نمی شد و بسیاری از دختران و پسران نوجوان نیز به تماشای این گونه فیلم ها می پرداختند؛ زیرا روزنامه ها نیز سرشار از آگاهی های تبلیغاتی سینماها و دعوت مردم به تماشای فیلم هایی بود که تماشای آن برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال ممنوع بود. البته این فیلم ها، آثار تباه کننده شدیدی بر زنان و مردان به ویژه جوانان جامعه داشت. بسیاری از روابط نامشروع و ضداخلاقی نقش بسته بر پرده سینما، برای جوانان جنبه آموزشی داشت و جوانان را به تقلید از اعمال و کردار آنها در جامعه و محیط خانوادگی وا می داشت. پیروزی انقلاب به این مفسده هم پایان داد. امروز به برکت انقلاب اسلامی، فیلم های سالم و مفید زیادی در سینماها به پرده نمایش در می آید.

۱۹۰. احیای ارزش و منزلت معنوی زنان

انقلاب اسلامی موفق شد زنان ایران را که در رژیم پهلوی تحت تأثیر فرهنگ غربی، شخصیت اسلامی و ملی و هویت واقعی و فطری خویش را از دست داده و وسیله ای برای ارضای هوس های نامشروع شده بودند، به جایگاه واقعی شان برگرداند. انقلاب این باور را به وجود

ص: ۱۳۲

آورد که زن، نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می دهد و می تواند در بسیاری از زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، حضور فعال داشته باشد. انقلاب به زن فهماند که اصالت و سلامت خانواده و نسل انسان به عهده اوست، زیرا اسلام، مقام و احترام ویژه ای برای زن قائل است و مادر بیشترین سهم را در پرورش فرزند دارد. امام خمینی رحمه الله در همین زمینه فرموده است: «از دامن زن، مرد به معراج می رود» (۱).

احیای منزلت معنوی زنان و دختران از دستاوردهای بسیار مهم انقلاب است. نگرش رژیم پهلوی به زنان و دختران، مادی، منفعت طلبانه و لذت جویانه بود. دلیل این ادعا نیز سیاست استفاده ابزاری رژیم پهلوی از زن برای شهوت رانی مردان عیاش بود. حضرت امام خمینی رحمه الله از همان دوران مبارزه و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به افشاگری این رفتار اهانت آمیز پرداخت و با این فرهنگ فاسد مخالفت کرد. ایشان در شهریور ۱۳۵۷ در مصاحبه ای با تلویزیون فرانسه فرمود:

این شاه است که به حسب نقل در مصاحبه با مخبر ایتالیایی گفته است درک من از زن آن است که او باید زیبا و فریبا باشد. این شاه است که زن ها را به فساد می کشاند(۲).

این دیدگاه ابزاری در مقایسه با بینش اصیل و ناب امام خمینی

۱- محمد باقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، صص ۳۵۶_۳۶۰.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۲۶.

رحمه الله بیشتر نمود می یابد، آنجا که می فرماید:

اسلام زن ها را از آن چیزهایی که در جاهلیت بوده، نجات داده است. آن قدر که اسلام به زن خدمت کرده است، خدا می داند که به مرد خدمت نکرده است. شما نمی دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده؟ اسلام می خواهد همان طوری که مرد همه کارهای اساسی را می کند، زن هم بکند، اما نه اینکه زن یک چیزی شود که آقا دلشان می خواهد که بزک کرده بیاید توی جامعه و با مردم مخلوط بشود. با جوان ها آن طوری مخلوط شود! اسلام می خواهد جلو اینها را بگیرد. اسلام می خواهد حیثیت و احترام زن را حفظ کند. می خواهد به زن شخصیت بدهد که از این فعلیت بیرون بیاید. اینها می خواهند زن را بفروشدند و او را از این دست به آن دست کنند. این را مخالف است اسلام(۱).

این نگرش حضرت امام در سخنان دیگر ایشان نیز کاملاً مشهود است:

نقش زن در عالم از ویژگی های خاص برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. زن، یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش های والای انسانی کشیده شوند. می تواند به عکس آن باشد(۲). عنایتی که اسلام به زنان دارد، بیشتر از عنایتی است که به مردان دارد، در این نهضت، زنان حق بیشتری از مردان دارند. زنان،

۱- همان، ص ۲۸.

۲- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

مردان شجاع را در دامان خود بزرگ می کنند. قرآن کریم، انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز. اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملت ها گرفته شوند، ملت ها به شکست و انحطاط کشیده می شوند. قوانین اسلام همه به صلاح زن و مرد است. زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند(۱).

بر اساس نگرش دینی و انقلابی، منزلت زن در پرتو انقلاب اسلامی، احیا و کرامت انسانی به او بازگردانده شد. در این نگاه، زن، ابزار نیست، بلکه مبدأ همه سعادت هاست. زن، مربی جامعه است و شقاوت و سعادت کشور به وی وابسته است. البته پیروزی انقلاب اسلامی ایران افزون بر ایجاد کرامت انسانی در زنان، تحول روحی و فکری عظیمی به وجود آورد و آنان را از موجودی گرفتار لباس و آرایش به انسان هایی شجاع، فداکار و شهیدپرور، مقاوم و صبور، فعال و خدمت گزار تبدیل کرد و نقش آنان را در محیط خانه و اجتماع پررنگ ساخت. به برکت انقلاب اسلامی، زنان و دختران در پشتیبانی از جبهه ها و عرصه های سازندگی و فعالیت های اجتماعی، حضوری گسترده داشتند و جلوه دیگری از تحولات روحی و فکری ایجاد شده را به نمایش گذاشتند.

حضرت امام خمینی رحمه اللهدر سخنی می فرماید:

در رژیم سابق، شأن و مرتبت عبارت از آرایش مهووع و لباس های کذا و منزلگاه های کذا بود و امروز ارزش، ارزش انسانی است؛ ارزش

۱- در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۳۱.

اخلاقی است که به واسطه همین تحول در قشر بانوان، دیگر آنهایی که با آرایش های فاسد و لباس های فاخر می خواستند فخرفروشی کنند در بین جامعه ما محکومند و خجالت زده اند(۱).

۲۰. حمایت همه جانبه از زنان

از دیگر دستاوردهای انقلاب، حمایت همه جانبه از بانوان در امور مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی است. این حمایت ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و نیز مصوبه ها و آیین نامه های دولت پیش بینی شده است و در ابعاد مختلف رفاهی، خانوادگی، ازدواج و طلاق، مهریه،

حضانة فرزندان، حمايت دوران بارداری، دادگاه خانواده، نفقه، تساوی با مرد در برابر قانون تجلی یافته است. بند چهاردهم اصل سوم قانون اساسی در مورد تساوی زن و مرد در برابر قانون می گوید:

تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

بر اساس این بند، تفاوتی بین زن و مرد در جهت تأمین حقوق همه جانبه آنها وجود ندارد و دولت موظف است حقوق همه جانبه زنان را نیز همانند مردان تأمین کند. بنا بر اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

۱۱. ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای

۶- ۱- همان، دفتر دهم، ص ۴۰۶.

حقوق مادی و معنوی؛

۲. حمايت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانة فرزند و حمايت از کودکان بی سرپرست؛

۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کيان و بقای خانواده؛

۴. ایجاد بیمه خاص بیوه گان و زنان سال خورده و بی سرپرست؛

۵. اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در صورت نبودن ولی شرعی.

ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی نیز پرداخت نکردن نفقه را جرم می داند:

هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید.

یکی دیگر از قوانین حمایتی ویژه بانوان در امور شغلی و خدمتی، قانون خدمت نیمه وقت بانوان مصوب ۱۳۶۲/۹/۱۰ مجلس شورای اسلامی است. تصویب نامه مدت استفاده بانوان باردار از معذوریت مصوب

۱۳۶۷/۳/۲۵ هیئت وزیران، از دیگر مقررات حمایتی از زنان است. همچنین با الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی درباره مهریه، (مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ مجلس شورای اسلامی) چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد، محاسبه و پرداخت می شود.

۲۱. تحول در نظام آموزشی

قبل از انقلاب اسلامی، سیاست های کلان آموزشی و پرورشی بر اساس ترویج جدایی دین از سیاست و ناکارآمدی دین، بی تفاوتی نسبت به آموزه های دینی، توسعه بی حجابی و بی عفتی، اختلاط دختران و پسران در مدارس خصوصی، برگزاری اردوهای مختلط با برنامه های فاسد، به کارگیری معلمان و مدیران نالایق و فاسد و غرب زده، تبلیغ فرهنگ غربی و مانند آن بود. به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها سیاست ها و جهت گیری های غلط گذشته کنار رفت، بلکه دست اندرکاران آموزش و پرورش توانستند با سیاست ها و جهت گیری های درست در جهت پرورش مذهبی و دینی دانش آموزان گام های مؤثری بردارند. آنان کوشیدند تا اصول و سیاست های جدیدی را پی ریزی کنند که به آشنایی دانش آموزان با واقعیت دین و مذهب و مفاهیم اسلامی، گسترش فعالیت های مذهبی و فرهنگی در مدارس، ایجاد نمازخانه در مدارس، ترویج فرهنگ نمازخوانی و نماز جماعت، ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در بین دانش آموزان دختر، مقابله و مبارزه با مظاهر فساد اخلاقی و بی عفتی و بی حجابی، تأکید بر اهمیت دانش از نظر اسلام، تشویق استعدادهای برتر و درخشان، آشنا کردن دانش آموزان با سیاست های استکباری شرق و غرب و واقعیت های جهانی، ترویج فرهنگ آشنایی با قرآن و مفاهیم عالی آن، ترویج شکل های سالم و سازنده دانش آموزی از قبیل امور تربیتی و انجمن اسلامی و بسیج، ایجاد فضای سالم دینی در محیط های ورزشی دختران دانش آموز و زدودن مفاسد اخلاقی می توان اشاره کرد.

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب در حوزه آموزش و پرورش، ارتقای سطح علمی و افزایش معلومات دانش آموزان و کسب موفقیت های علمی در المپیادهای مختلف جهانی است. قبل از انقلاب اسلامی ایران، دانش آموزان ایرانی در هیچ یک از المپیادهای جهانی شرکت نداشتند. بعد از انقلاب، برای تقویت بنیه دروس ریاضی مدارس و علاقه مند کردن دانش آموزان به رشته ریاضی، مسابقات سراسری دانش آموزان رشته ریاضی دبیرستان های کشور در فروردین ۱۳۶۳ در شیراز با شرکت ۹۰ نفر از بهترین دانش آموزان برگزیده برگزار شد. از آن پس، همه ساله این مسابقات با جدیت و اهتمام بیشتری برگزار می شود. موفقیت ایران در رشته های

مختلف المپیادهای جهانی دانش آموزی، سال به سال بیشتر شده و سه بار مقام اول جهانی، دو بار مقام دوم جهانی و دو بار نیز مقام سوم جهانی را به دست آورده است (۱).

توسعه و تقویت آموزش در ابعاد مختلف، از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه آموزش و پرورش است. توسعه مقاطع تحصیلی، توسعه مدارس فنی و حرفه ای، افزایش میزان پوشش تحصیلی، ارتقای میزان گذر تحصیلی، افزایش نرخ قبولی دانش آموزان،

۱- مروری بر دو دهه تلاش برای اعتلای تعلیم و تربیت کشور، ۱۳۵۷ _ ۱۳۵۸، ص ۶.

افزایش فضاهای آموزشی، توسعه آموزش کودکان استثنایی، توسعه پرورش استعدادهای درخشان، توسعه مدارس خارج از کشور، افزایش سطح تحصیلی آموزگاران و افزایش خدمات رسانی به فرهنگیان از جمله این موارد است.

با توجه به هدف مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران در توجه به اقشار محروم و مستضعف جامعه، وزارت آموزش و پرورش، رسیدگی به وضع دانش آموزان مناطق محروم را در اولویت های اجرایی خود قرار داده و در این راه، گام های بلندی برای مدرسه سازی، به خدمت گرفتن آموزگاران و تجهیزات مورد نیاز در روستاها و مناطق محروم برداشته است. از آن جا که متن و محتوای کتاب های درسی، مبنای تعلیم و تربیت دانش آموزان است و در فرهنگ سازی و جهت گیری های تربیتی آنان تأثیر بسزایی دارد، تلاش گسترده ای برای تقویت محتوای آنها شده است.

۲۲. استقلال دانشگاه ها

اهمیت و نقش دانشگاه ها به عنوان عالی ترین مراکز آموزش کشور در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. حضرت امام خمینی رحمه الله در این مورد می فرماید:

دانشگاه ها، مبدأ تحولات است. دانشگاه، مرکز سعادت و در مقابل شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود (۱).

رژیم پهلوی چون وابسته و متکی به غرب بود، برای وابسته کردن دانشگاه ها به غرب تلاش می کرد. این تلاش ها تا حدود زیادی به ثمر نشسته بود. این وابستگی ها بیشتر در حوزه های سیاست گذاری، مدیریت،

آموزش، اندیشه و رفتار و کردار دانشجویان به چشم می خورد. در واقع، نقشی که دانشگاه ها در جهت وابسته کردن کشور به بیگانگان داشتند، از دیگر گروه های اجتماعی به سادگی بر نمی آمد. چنانچه دانشگاه از مسیر اصلی سازندگی خارج شود، این انحراف و وابستگی، فرهنگ غرب گرایی و وابستگی را به دیگر حوزه های اجتماعی سرایت می دهد و دامنه بی هویتی و غرب گرایی را گسترش خواهد داد. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره چنین می فرماید:

مردم بازار نمی توانند ما را بکشند به دامن شوروی یا امریکا. مردمی که دهقان هستند، نمی توانند ما را بکشند به دامن این و آن. مردمی که در کارخانه ها هستند، نمی توانند این کار را بکنند. آن که می تواند ما را وابسته کند و در دامن امریکا یا شوروی بکشد، دانشگاه است، برای اینکه همه چیز ما در دانشگاه است. همت کنید با هم دانشگاه را اصلاح کنیم(۲).

ایشان برای استقلال دانشگاه اهمیت خاصی قائل بود. از این رو، تنها پنج روز پس از پیروزی انقلاب فرمود:

۱- در جست وجوی راه کلام امام، دفتر بیست و یکم، ص ۲۰.

۲- همان، ص ۲۴.

اینها دانشگاه ها را با هر قدرتی که داشتند، عقب نگه می داشتند. نمی گذاشتند که اساتید ما درست بچه های ما را تعلیم کنند. نمی گذاشتند که بچه ها تعلیماتشان درست شود این هم برای این بود که می دیدند... چنانچه دانشگاه به طور صحیح عمل کند، مستقل باشد، بعد که این جوان ها از دانشگاه بیرون بیایند، ضداستعمار بیرون می آیند. این هم یک نقشه ای بود که اینها کشیده بودند(۱). ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم. ما از دانشگاه می ترسیم که جوان های ما را آن طور تربیت کنند که خدمت غرب بکنند. ما از دانشگاهی می ترسیم که آن طور جوان های ما را تربیت کنند که خدمت به کمونیسم کنند(۲).

حضرت امام در سخنانی دیگر ابعاد پر اهمیت استقلال دانشگاه را چنین بازگو می کند:

ما با تخصص مخالف نیستیم. با علم مخالف نیستیم. با نوکری اجانب مخالفیم. ما می گوئیم که تخصصی که ما را به دامن امریکا بکشد یا انگستان، یا به دامن شوروی و چین بکشد، این تخصص مهلک است، نه تخصص سازنده... تخصصی که در خدمت اجانب است، ضررش از همه چیز بالاتر است. علمی که ما را بکشد به طرف امریکا یا شوروی، آن علم، علم مضر است. آن علمی است که برای ملت ها هلاک می آورد. ما می خواهیم یک

دانشگاهی داشته باشیم و یک کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی را که مقدم بر همه وابستگی هاست و خطرناک تر از همه وابستگی هاست، نجات بدهد.

۱- کوثر، مجموعه سخنرانی های حضرت امام خمینی ره، ج ۳، ص ۳۸۴.

۲- آیین انقلاب اسلامی، گزیده ی اندیشه و آراء امام خمینی رحمه الله، ص ۲۴۹.

ما اساتید دانشگاهی را می خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوانان ما را مستقل بار بیاورند. غربی نباشند، شرقی نباشند، رو به غرب نایستند. آتاتورک نباشند و تقی زاده هم نباشند. ما می خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوایج خودمان را خودمان تحصیل کنیم (۱).

رژیم پهلوی در عرصه فرهنگی و دینی، برای سست کردن اعتقادات و باورهای دینی در بین استادان و دانشجویان تلاش زیادی می کرد، به گونه ای که استادان و دانشجویان از پوشش مناسب استفاده نمی کردند. رژیم پهلوی حتی در سال ۱۳۵۶ تصمیم گرفت از ورود دختران دانشجوی چادری به محوطه دانشگاه جلوگیری کند که این طرح چند روز بیشتر دوام نیاورد و رژیم عقب نشینی کرد.

پیروزی انقلاب اسلامی به همه این مفاسد و بی بندوباری ها پایان داد. به برکت انقلاب اسلامی، باورهای دینی در بخش عظیمی از دانشجویان ظهور کرد و فضای اسلامی و سالمی بر محیط دانشگاه ها حاکم شد. نه تنها دانشجویان و استادان حجاب اسلامی را در حد ضرورت با میل و اختیار انتخاب کردند، بلکه قشر قابل توجهی از دختران دانشجو، حجاب برتر، یعنی چادر را به عنوان حجاب خویش برگزیدند. در زمینه عمل به احکام و واجبات اسلامی نیز تحولات چشم گیری به وجود آمد. انجام فریضه نماز و روزه و توجه جدی به نماز جماعت، ادعیه، زیارات، اعتکاف و گرایش به قرآن در زمینه های

۱- سخنرانی، مورخ ۱۳۶۰/۳/۴.

مختلف روخوانی، قرائت، حفظ، مفاهیم و تفسیر به شکل گسترده و قابل توجهی در محیط دانشگاهی رواج یافت. اوج تحولات فرهنگی و معنوی در دانشگاه ها را در ایثار و فداکاری های دانشجویان در دوران دفاع مقدس می توان مشاهده کرد. حضور داوطلبانه ده ها هزار دانشجو از سراسر کشور در صحنه های دفاع مقدس و تقدیم هزاران شهید، جانباز و آزاده، جلوه ای از تحولات فرهنگی ایجاد شده در عرصه دانشگاه های کشور

است. برای تکمیل این تحولات و نهادینه شدن آنها از ابتدای پیروزی انقلاب، ایجاد اصلاحات لازم در دانشگاه ها به صورت جدی در دستور کار مسئولان قرار گرفت. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره فرمود:

ما که می گوئیم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و تغییرات بنیادی داشته باشد و اسلامی باشد، نه این است که فقط علوم اسلام را در آنجا تدریس کنند... ما می گوئیم که دانشگاه های ما مانع از ترقی فرزندان این آب و خاک است. ما می گوئیم که جوان های ما اگر علم هم پیدا کردند، تربیت ندارند؛ مربی به تربیت اسلامی نیستند. لهذا آن چیزی که از دانشگاه های ما بیرون آمده است، یک انسان متعهد، یک شخصی که برای مملکت خودش دل سوز باشد و تمام نظرش به این نباشد که منافع خودش را به دست بیاورد، ما نداریم... می خواهیم بگوئیم که دانشگاه های ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند، در خدمت ملت باشد، نه در خدمت اجانب^(۱).

- ۱۱ آیین انقلاب اسلامی (گزیده ای از اندیشه و آرای امام خمینی رحمه الله)، ص ۲۴۵.

برای ایجاد تحولات فرهنگی لازم در دانشگاه ها، نهادها و سازمان هایی نیز تشکیل شدند که انجمن های اسلامی دانشجویی، بسیج دانشجویی، جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها از جمله این موارد است. عملکرد نظام اسلامی در حوزه آموزش عالی در سال های بعد از انقلاب نشان می دهد که جمهوری اسلامی ایران به توسعه آموزش عالی در ابعاد مختلف آن توجه خاصی کرده و پیشرفت چشم گیری داشته است. افزایش تعداد دانشجویان در حال تحصیل، افزایش تعداد پذیرفته شدگان دانشگاه ها، توسعه تعداد دانشگاه ها و دانشکده ها، تأسیس و توسعه دانشگاه ها در مناطق و شهرهای محروم و کوچک، افزایش شاخص حضور دختران دانشجو نسبت به جمعیت کشور و افزایش کادر آموزشی، از دستاوردهای قابل توجه انقلاب اسلامی ایران در حوزه دانشگاه هاست.

همچنین در راستای توجه به مناطق محروم و شهرهای کوچک و دورافتاده که یکی از سیاست های اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب است، مسئولان تلاش کرده اند توزیع جمعیتی دانشجویان در مناطق مختلف کشور به صورت عادلانه صورت گیرد.

دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در خارج از کشور

اشاره

علاوه بر آثار فرهنگی داخلی، انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای کشور نیز آثار فرهنگی برجسته ای داشت که از جمله می توان از موارد زیر یاد کرد:

۱۱. احیای دین در سطح جهان

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، دین در بسیاری از جوامع به بوته فراموشی سپرده شده یا به صورت یک سری مراسم و اعمال عبادی فردی مطرح بود. در نظام های اثرپذیرفته از سرمایه داری غربی، دین در انزوا بود؛ زیرا نظریه سکولاریسم که بر جدایی دین از سیاست تأکید داشت، دین را از جامعه و زندگی کنار زده بود. در نظام های کمونیستی و سوسیالیستی نیز از جنبه فکری و نظری به شدت با دین برخورد می شد و آن را افیون ملت ها و مانع پیشرفت می دانستند.

دلیل چنین موضع گیری هایی نسبت به دین را باید در ستم هایی جست که کلیسا و صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی به نام دین به مردم و ملل ضعیف روا می داشتند. تعصب های ناروایی نیز که به ویژه در زمینه های علمی و در برابر دانش و دانشمندان از خود نشان می دادند، مهم ترین اثر را داشته است. در چنین وضعی در قرن بیستم، دین به صورت نیروی عظیم انقلابی و حرکت آفرین، توده های عظیم انسانی را در گوشه و کنار ایران، متحد و متحول کرد و با بسیج آنان بر ضد استبداد داخلی و استکبار خارجی، قدرت های استکباری را سخت

۱- محمدباقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، صص ۳۶۵_۳۶۶.

به وحشت انداخت و خطای نظری مکتب های الحادی کمونیستی و سوسیالیستی را در افیون خواندن دین آشکار ساخت.

بدین ترتیب، اسلام با به دست آوردن دوباره نشاط و قدرت خود توانست توده های عظیم مسلمانان را در دنیا بسیج کند تا جایی که گروه های جهانی مسلمان در سراسر دنیا به ویژه در کشورهای منطقه علیه استبداد و

استکبار سربرآوردند. مسلمانان در همه جا خواستار تشکیل حکومت اسلامی شدند و استکبار چنان به وحشت افتاد که سرکوبی مسلمانان را در سراسر جهان جزو برنامه های اصلی و استراتژی خود قرار داد.

۱۲. احیای ارزش ها و سنت های اسلامی

با توجه به جوی که قبل از انقلاب حاکم بود، مسلمانان در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای غربی تحت سلطه و نفوذ افکار، ارزش ها و فرهنگ غرب قرار داشتند و از تظاهر به دین داری و آداب و رسوم دینی به ناچار خودداری می کردند و ارزش ها و سنت های اسلامی مورد غفلت یا تغافل قرار گرفته بود. یکی از آثار فرهنگی انقلاب اسلامی این بود که به مسلمانان روحیه و جسارت داد که پای بندی خود را به عقاید و ارزش های دینی خود نشان دهند و با سربلندی و افتخار، آنها را در دنیا و حتی در قلب اروپا به ویژه در مراکز فرهنگی آنجا مطرح سازند.

۱۳. احیای فریضه حج

انقلاب اسلامی موفق شد توجه دنیا و به ویژه مسلمانان را به این حقیقت جلب کند که حج، فریضه عبادی و عمل مردمی صرف نیست، بلکه از بعد سیاسی و اجتماعی نیز برخوردار است. اگر مسلمانان به این بعد مهم حج توجه کافی داشته باشند، می توانند کشورهای اسلامی را از زیر بار ستم قدرت های استکباری رهایی بخشند و به حل مشکلات داخلی یکدیگر کمک کنند. حج، عداوت و براهت مسلمانان را نسبت به ستم کاران و قدرت های استکباری بر می انگیزد و به مسلمانان یاد می دهد که اسلام، جاذبه و دافعه را در کنار هم می پذیرد و رشد می دهد. حج، کنگره عظیم اسلامی و انسانی است که می تواند مسلمانان را به سطح بالایی از آگاهی و خودباوری برساند تا با استفاده از نیروها و استعدادهای درونی خود روی پای خویش بایستند (۱).

۱- محمدباقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، صص ۳۶۵_۳۶۶.

دستاوردهای نظامی

۱. قطع دخالت امریکایی ها در امور نظامی

در دوران حاکمیت رژیم پهلوی، امریکا تمام تلاش خود را برای تسلط یافتن بر ساختار ارتش ایران و به کار گرفتن نیروی آن در راستای اهداف منطقه ای و جهانی خود و حفظ رژیم سلطنتی پهلوی معطوف کرده بود. امریکا به نقش کلیدی ارتش ایران در حفظ رژیم پهلوی و عمل کردن به عنوان بازوی نظامی امریکا در منطقه حساس خلیج فارس و یکی از حلقه های مستحکم امنیتی و دفاعی در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق به خوبی پی برده بود. از این رو، تلاش می کرد با قاطعیت و هر وسیله ممکن و در عین حال با ظرافت خاصی بر همه ارکان اساسی ارتش نظارت و تسلط داشته باشد و آن را به طور کامل در خدمت اهداف و سیاست های خود درآورد. یکی از این دخالت ها، حضور گسترده نظامیان امریکایی در ایران بود. در ایران، نزدیک به سی هزار نظامی خارجی مشغول کار بودند؛ یعنی در برابر هر شش نظامی ایرانی، یک امریکایی در ارتش ایران حضور داشت و تا پیروزی انقلاب، مشاوران (مستشاران) نظامی ارتش ایران، دو برابر (یعنی شصت هزار نفر) بود. بدیهی است این حضور گسترده و حتی خود را به رنگ و لباس صاحب خانه درآوردن بی جهت نبود. سولیوان در بخشی از خاطرات خود می نویسد:

امریکایی ها توجه زیادی به نیروهای مسلح ایران معطوف می داشتند. عیسیون نظامی امریکا در ایران هم وضع منحصر به فردی داشت. تفاوت عیسیون نظامی امریکا در ایران با هیئت های نظامی در سایر کشورهای جهان این بود که پرسنل نظامی امریکا در ایران عملاً جزو نیروهای مسلح ایران به شمار می آمدند و در اواخر سلطنت شاه به استثنای شش نفر از افسران ارشد امریکایی، بقیه مستشاران و کارکنان امریکایی نیروهای مسلح ایران، حقوق بگیر دولت ایران بودند. حقوق و مزایا و هزینه ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان آنها از طرف دولت ایران تأمین می شد و علایمی که روی اونیفورم آنها دوخته می شد، آنها را عضو خانواده نیروهای مسلح ایران به شمار می آورد (۱). اخبار و مسائل مربوط به ارتش ایران را با توجه و علاقه خاصی دنبال می کردم. کمی پس از ورود به تهران با فرماندهان و مقامات ارشد ارتش ایران تماس هایی برقرار کردم و ضمن آشنایی با آنها از سازمان و فرماندهی نیروهای مسلح ایران آگاهی یافتم (۲).

پرورش نظامیان ایرانی متناسب با اهداف و سیاست های امریکا، از دیگر اهداف امریکاییان بود. آنان تلاش می کردند از نظر سیاسی و فرهنگی، ارتشیان را منطبق با آداب و رسوم امریکایی تربیت کنند. مستشاران امریکایی در انتخاب افراد برای فرستادن به امریکا نقش تعیین کننده ای داشتند و پس از بازگشت افسران آموزش دیده ایرانی در امریکا نیز وظیفه تعیین پست و مقام این افسران بر عهده مستشاران

۲-همان، ص ۷۴.

امریکایی بود. در تاریخ ۱۱ اردی بهشت ۱۳۲۷، اولین گروه از افسران و درجه داران نیروی هوایی ایران برای کسب آموزش های ویژه، راهی امریکا شدند. تا سال ۱۳۵۳، یازده هزار نفر از افسران و پرسنل نظامی ایران در امریکا آموزش دیدند. این تعداد، غیر از افسرانی بودند که پلیس ایران برای آموزش به امریکا می فرستاد. علاوه بر این، امریکا در مورد آموزش افسران ایران به وسیله ارتش اسرائیل، قراردادهایی با دولت اسرائیل منعقد کرده بود. آنان می کوشیدند تا نظامی ایرانی در طول آموزش نسبت به فرهنگ خود احساس حقارت کند و فرهنگ امریکایی را فرهنگ برتر و مترقی بشمارد. ژنرال هایزر در این مورد می گوید:

تیمسار امیرحسین ربیعی مثل همیشه دوستانه از من استقبال کرد. او در امریکا تربیت شده بود. همواره به آن کشور عشق می ورزید (۱). اغلب تعلیمات او [دریاسالار کمال الدین میر حبیب الهی] در نیروی دریایی امریکا بود. به همین علت نیز دارای پیوندهای نزدیکی با امریکا بود و به تازگی برای حفظ سلامتی همسر و فرزندانش، آنها را به امریکا فرستاده بود (۲).

حضرت امام خمینی رحمه الله با انتقاد از این تربیت غلط می فرماید:

ارتش ما را یک ارتش غیرملی و متکی بر غیرتربیت کردند (۳). ما می خواهیم یک ارتش مستقل داشته باشیم، یک ارتش که مربوط به نباشد، مربوط به ملت باشد. ما می خواهیم ارتش ما آزاد باشد،

۱-مأموریت مخفی در تهران خاطرات ژنرال هایزر، ترجمه: سیدمحمدحسین عادل، صص ۶۶_۸۱.

۲-همان، ص ۶۱.

۳-در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، ص ۴۴.

اسرائیل در آن تصرف نکند، امریکا در آن تصرف نکند (۱).

ژنرال هایزر درباره استفاده از ارتش ایران به عنوان بازوی نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس گفته است:

نیروی نظامی ایران در منطقه خلیج فارس برای منافع جهان غرب بسیار حیاتی بود (۲).

یکی از جنبه های دخالت امریکایی ها در امور نظامی و ارتش ایران، تعیین سیاست خرید سلاح ایران از خارج بود. آنها که خود را مالک بی رقیب و شریک ارتش ایران می پنداشتند، خود را مستحق تعیین برنامه های خرید سلاح ایران می دانستند. آنها حتی از بیان این مداخله صریح نیز ابایی نداشتند. برای نمونه، جرج بال، معاون سابق وزارت خارجه امریکا می گوید:

از سال ۱۳۳۲ که شاه به قدرت بازگشت، تا سال ۱۳۵۱، ما شاه را به طور کامل تحت نظارت داشتیم، این ما بودیم که می گفتیم شما به فلان سلاح احتیاج ندارید یا به فلان سلاح احتیاج دارید. بدین ترتیب، در طول ۱۹ سال، کل اسلحه ای که شاه از امریکا خریداری کرد، از یک میلیارد. و ۳۰۰ میلیون دلار تجاوز نمی کرد، ولی بعد از آنکه نیکسون و کسینجر به او اختیار دادند، میزان خرید اسلحه شاه از امریکا در مدت ۷ سال، ۲۰ برابر شد^(۳).

بدون تردید، هدایت ها و دخالت های امریکاییان در برنامه های خرید سلاح ایران به گونه ای بود که ارتش ایران از نظر به کارگیری سلاح ها،

۱-همان، ص ۸۲.

۲-مأموریت مخفی در تهران خاطرات ژنرال هایزر ص ۴۶.

۳-رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۴۷.

به نظامیان و مستشاران امریکایی وابسته باشد و همچنین امریکا از فروش انحصاری سلاح به ایران، درآمد قابل توجهی به دست آورد. از دیگر حقوق تبعیض آمیز و غیرعادلانه ای که برای مستشاران امریکایی و اعضای خانواده آنان در نظر گرفته شده بود، مصونیت از تعقیب قضایی در ایران بود. هر قدر وابستگی رژیم شاه به امریکا بیشتر می شد، خواسته های نامشروع امریکا نیز فزونی می گرفت. در سال ۱۳۴۰ امریکا درخواست اعطای مصونیت سیاسی به مستشاران نظامی و اعضای خانواده هایشان را کرد تا در صورت ارتکاب هرگونه جرمی از طرف آنها، دادگاه های ایران نتوانند آنان را محاکمه کنند. امام خمینی رحمه الله برای لغو این تبعیض به صحنه آمد و با ایراد سخنرانی آتشین و افشاگرانه ای، این خیانت رژیم پهلوی را آشکار ساخت. رژیم که خود را در خطر می دید، تنها راه را در تبعید امام به ترکیه دید. حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنرانی ۱۷ آبان ۱۳۵۷ نیز به شدت حضور مستشاران امریکایی را نکوهش کرد و فرمود:

تا کی باید ما و دولت های ما تحت سلطه اجانب باشیم؟ تا کی باید مستشاران امریکا و شوروی به ما حکومت کنند؟ تا کی باید یک گروه بان شوروی، یک گروه بان انگلیسی، یک گروه بان امریکایی بر ارتش ما حکومت کند؟ ما آنها را بیرون کردیم، شما هم بیرون کنید، سایر ممالک هم بیرون کنند(۱).

به هر حال، یکی از برکات انقلاب اسلامی ایران، پایان دادن به

۱- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، ص ۵۲.

حضور ننگین مستشاران امریکایی در ارتش و عزت آفرینی، استقلال بخشی و افتخار آفرینی برای ارتشیان بود. اصل ۱۴۵ قانون اساسی نیز مقرر می دارد: هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود.

۲۰. مردمی شدن ارتش

به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال تغییر حکومت از نظام طاغوتی و سلطنتی به نظام اسلامی، ارتش و قوای انتظامی نیز از سلطه حاکمان طاغوتی رهایی یافتند و در خدمت نظام اسلامی و حکومت متکی به رأی مردم قرار گرفتند. همچنین فرهنگ شاه پرستی و شخص محوری به فرهنگ خداپرستی و دین محوری تبدیل شد. امام خمینی رحمه اللهبا اشاره به این دستاورد انقلاب اسلامی، خطاب به قوای انتظامی می فرماید:

امروز تمام قوای انتظامی، اینها همه در خدمت اسلام هستند. یک وقت بود که شهربانی و همین طور سایر گروه های انتظامی در خدمت طاغوت بودند. وضع پلیس در دنیا و در رژیم سابق این بود که همه در خدمت قدرتمندان بودند(۱).

رژیم سابق با القای این اندیشه که نیروهای مسلح باید برای حفظ تاج و تخت شاه خدمت کند، سبب شده بود شکاف بین مردم و نیروهای مسلح روز به روز بیشتر شود. همین موضوع از محبوبیت ارتشیان نزد افکار عمومی کاسته بود و نوعی ترس آمیخته با تنفر را در

۱- محمد باقری گردآوری دیدگاه ها و رهنمودها، ص ۵.

پی داشت. حضرت امام خمینی رحمه الله در این مورد می فرماید:

در زمان طاغوت، ارتش از ملت جدا بود و از روحانیت، جداتر. مردم را طوری بار آورده بودند و به صورتی از ارتش و سایر قوای انتظامی ترسانده بودند که مردم با دیدن آنها احساس ناراحتی می کردند (۱). در گذشته، ارتش وقتی می آمد توی مردم مثل اینکه دشمن آمده است و جمعیت از او فرار می کردند و پشت می کردند به او و پاسبان وقتی می آمد در بین مردم، مردم از او فرار می کردند، تنفر داشتند (۲). ارتش را طوری بار می آوردند که در مقابل ملت بایستد. ملت و ارتش در آن نظام ها همیشه در برابر هم بودند و ارتش در میان مردم ایجاد رعب می کرد و مردم هم تا جایی که می توانستند کارشکنی می کردند (۳).

رژیم پهلوی از هم بستگی و ارتباط نزدیک مردم و ارتش، دغدغه و نگرانی داشت و آن را خطری علیه حکومت سلطنتی خود می دید و تلاش می کرد بین آنها دو جدایی اندازد. پارسونز، سفیر انگلیس در تهران در این زمینه می نویسد:

نیروهای مسلح ایران یک طبقه ممتاز و نازیورده جامعه را تشکیل می دادند. آنها غرق در تجهیزات مدرن و پیچیده نظامی کاملاً از نظامیان جدا نگه داشته می شدند. به طور کلی، نیروهای مسلح در میان مردم محبوبیت زیادی نداشتند. تفرعن و تبختر افسران در برخورد با مردم در مجامع عمومی و مغازه ها و خیابان ها، امتیازاتی که

۱- در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، ص ۴۴.

۲- همان، ص ۴۵.

۳- همان، ص ۴۸.

رژیم برای آنها قائل شده بود و سهم درشتی که از بودجه کشور برای آنها اختصاص داده بودند و در مجموع، یک نوع احساس تبعیض بین نظامی ها و نظامی ها، این احساس را تقویت می کرد (۱).

به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار حکومت مردمی و متکی به رأی و خواسته مردم، تمامی اجزا و ارکان ارتش و قوای انتظامی در خدمت مردم ایران قرار گرفت و پیوند مستحکمی بین نیروهای مسلح و مردم به وجود آمد. بدین معنا که مردم به برادران ارتشی خود عشق و علاقه نشان دادند و نیروهای مسلح نیز خود را خادم ملت دانستند. امام خمینی رحمه الله در این مورد می فرماید:

ارتش، ارتش مردمی است، نه ارتش طاغوتی که سرکوب کند. ارتشی است که با مردم زیر یک سقف جمع می شوند و مردم برای آنها تظاهر می کنند و اینها هم برای مردم تظاهر می کنند. این یک چیز تازه ای است که خدای تبارک و تعالی به ما عنایت کرده و این را حفظ کنید. همان طور که ملت بدون ارتش نمی تواند ادامه زندگی بدهد، ارتش هم بدون ملت نمی تواند ادامه زندگی بدهد (۲).

مقام معظم رهبری هم فرموده است:

ارتش جمهوری اسلامی ایران آنچه را که امروز دارد باید قدر بداند و به نظر من از همه چیز برتر و بیش از همه، جایگاه و پایگاه مردمی ارتش است (۳).

۱- خاطرات دو سفیر، ص ۳۰۰.

۲- نشریه سیاسی نظامی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ش ۲۵۰، ص ۴.

۳- از ۲۹ فروردین تا ارتش حزب الله، ص ۷۵، سخنرانی ۱۳۷۰/۵/۹.

۳. نوآوری در نیروهای نظامی

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب، از بین رفتن روحیه حقارت و خودکم بینی و ایجاد روحیه ابتکار و خلاقیت در کارکنان و متخصصان نیروهای مسلح است. این تحول به شکوفایی استعدادها و نیروهای مسلح و ایجاد تحولات ارزشمند در حوزه پشتیبانی از نیروهای مسلح کشور شد. به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، نظامیان احساس هویت کردند و به خودباوری رسیدند. حضرت امام ضمن تأیید این امر فرمود:

ما افتخار می کنیم که به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه اندازی کارخانجات و دگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع ده ها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ گونه کمک خارجی دست یافته ایم. شما دیدید که در این جنگ تحمیلی که پیش آمد و محاصره اقتصادی شدیم، خود ایرانی ها، خود ارتشی ها، این قطعات را درست کردند. اگر قبل از این بود، یکی از آن قطعات را نمی توانستند درست کنند. از باب اینکه شخصیتشان را گم کرده بودند، می گفتند باید متخصص بیاید (۱).

رهبر معظم انقلاب نیز در دیدار با اجتماع دویست هزار نفری شرکت کنندگان در مانور بزرگ ذوالفقار فرمود:

در رژیم گذشته کشور عزیز ما، پول های گزاف و بی حسابی به بیگانگان داده می شد و ابزارهای نظامی در اختیار آن رژیم قرار می گرفت، اما کاملاً تحت اختیار وزیر کل و در کنترل خودشان

۱- اعلی شیخیان و علی محمدی و مهدی عبداللهی، نیروهای مسلح در وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۰۰.

هوایمایی که به ایران می فروختند، حتی اجازه نمی دادند که قطعات یدکی آنها در اینجا ساخته شود. حتی قطعات مرکب آنها در اینجا بازگردد و شناخته بشود. آن قطعه را همین طور در بسته سوار هوایما می کردند و به کشور سازنده می بردند. در آنجا یک قطعه دیگر با قیمت گزافی می فروختند و به ایران می فرستادند، در حالی که ایرانی می توانست آن را تعمیر کند. این جوان صنعتگر ایرانی که امروز در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به خود این گستاخی و جرئت را می دهد که به فکر ساختن یک هوایمای شکاری _ بمب افکن بیفتد و یک جنگنده مجهز و پیشرفته بسازد، همین ها در ارتش آن روز ایران و در سراسر کشور ما بودند، اما کارایی نداشتند. استعدادها بود، امکان بود، اما قدرت به کار انداختن نبود و به آنها فرصت داده نمی شد. امروز جوانان ما، صنعت گران ما، مهندسان ما، فن آوران ما، با ابتکاری که مخصوص ملت ماست - به این معنا که ملت ما هم بحمدالله از آن به صورت ویژه ای برخوردار است - در زمینه ساخت تجهیزات نظامی، توانسته اند پیشرفت های زیادی را پیدا کنند. این هوایمای آذرخش را با استفاده از تجربیات خود ساختند؛ چون ما انواع هوایماهای ساخت کشورهای مختلف را در اینجا داریم، هوایماهای ساخت کشورهای غربی، ساخت کشورهای شرقی. آنچه را که در آموزش ها و تجربه های خودشان به دست آوردند، بر روی هم گذاشتند و این هوایما امروز ساخته شده است و جمهوری اسلامی ایران به وسیله همین نیروهای مؤمن ما، در عداد سازندگان جنگنده های پیشرفته دنیا درآمده است، اما در گذشته چنین فرصت هایی داده نمی شد. عزیزان من! جوانان ایران! جوانان نظامی و ارتش! رژیم های خائنی که بر این کشور و بر این آب و خاک مقدس حکومت می کردند، سال های متمادی پدران شما را تحقیر کردند و اجازه دادند که بیگانگان، مردم ایران را تحقیر کنند. نه سیاست مداران ایرانی جرئت نفس کشیدن داشتند، نه دانشمندان و فن آوران ایرانی قدرت کارکردن داشت. نه جوان ایرانی، قدرت نوآوری و ابتکار داشت و نه نظامی ایرانی، حتی توان دفاع از مرزهای این کشور را داشت. امریکایی ها، استعمارگران، امپراتوری استعمارگر پیر در گذشته _ انگلیس _ ملت ایران را این طور می طلبیدند و این گونه می پسندیدند(۱).

امروزه در پرتو خلاقیت و نوآوری ارتش، با دستاوردهایی همچون بازسازی رادارهای تونیک، بازسازی هلیکوپترهای فرسوده، ساخت اسکله شناور، تعمیر قطعات راداری، راه اندازی ناوشکن ها، بازسازی هواپیماهای جنگنده، تعمیر موتور جت، تعمیر موتور تانک، تجهیز و بهینه سازی هواپیمای اف ۴ به باک های خارجی و افزایش برد پروازی، بهسازی سیستم های رادار کنترل آتش هواپیماهای اف ۴، ساخت هلیکوپتر آنوری، ساخت قطعات تانک ها، ساخت موشک های با برد بالا، ساخت تانک ذوالفقار ۲ و ساخت موشک فاتح ۱۱۰ روبه رو هستیم.

۴۰. تأسیس بسیج مستضعفین

تشکیل ارتش گسترده اسلامی و مردمی؛ یعنی بسیج مستضعفان از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی است. ارتش بیست میلیونی، یکی از بازوهای مهم دفاعی کشور بود که به دستور امام خمینی ره در تاریخ ۵

- انود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، صص ۳۴۰_۳۴۱، به نقل از: ۲۹ فروردین تا ارتش حزب الله، ص ۷۷.

آذر ۱۳۵۸ بنیان نهاده شد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای، بسیج یکی از برکات انقلاب و از پدیده های بسیار شگفت آور مخصوص این انقلاب است. ایشان بسیج را یکی از افتخارات انقلاب دانسته است و می فرماید:

یکی از افتخارات انقلاب اسلامی و بخصوص از افتخارات بزرگ امام راحل عظیم الشان رحمه الله تشکیل ارتش بیست میلیونی بود^(۱).

دین داری، خمیرمایه اصلی اعضای بسیج است. بسیج، تجلی ارتش مردمی و عالی ترین مرتبه تعامل نیروهای مسلح یک کشور با توده مردم خود است. نیروهای بسیج که با میل و رغبت و به صورت اختیاری و داوطلبانه به عضویت این نهاد مقدس در می آیند، از میان توده مردم سراسر کشور برخاسته اند. رهبر معظم انقلاب می فرماید:

بسیج یک سازمان مشخص رزمی - مثل دیگر سازمان ها - نیست. بسیج یعنی متن ملت و همه آحاد مؤمن و یک حقیقت گسترده در تمام زوایای جامعه^(۲).

حضور همه اقشار جامعه در بسیج نمایان است، به گونه ای که رهبر معظم در این مورد هم می فرماید:

بسیج در همه قشرهاست، در قشرهای جوان، در قشرهای پیر، در قشرهای دانشگاهی، در قشرهای دانشجویی، در قشرهای کارگری، در قشرهای کاسب و پیشه ور، در قشرهای روحانی. بسیج اختصاص به یک منطقه جغرافیایی و یک منطقه انسانی و طبقاتی و قشری ندارد.

۱- حدیث ولایت، ج ۶، ص ۱۷.

۲- سخنرانی ۱۳۷۴/۹/۸.

همه جا هست (۱).

همه اقوام کشور از فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب و گیلک در آن حضور دارند و وحدت و هم دلی بر آن حاکم است. در بسیج می توان افراد کم سن و سال یا کهن سال را دید که نشان دهنده مسئولیت پذیری و تکلیف گرایی در میان اعضای آن است. حتی زنان و دختران نیز در آن، حضوری مفید، مؤثر و فعال دارند. از دیگر ویژگی بسیجیان، اخلاص و ایثار آنان است. آنان صفای روح و باطن بی آلایشی دارند. حضرت امام خمینی رحمه الله در مورد این ویژگی بسیجیان می فرماید:

بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن، بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند؛ چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام (۲).

بسیجیان امتحان استقامت و پایداری را در جنگ تحمیلی پس داده اند و در تمام عرصه ها فعال و مسئولیت پذیر بوده اند. در صحنه های سازندگی و بازسازی و محرومیت زدایی از مناطق محروم نیز در همه میدان ها حضور داشته اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در توصیف این ویژگی بسیجیان می فرماید:

کسانی که اگر جان لازم باشد، می دهند. اگر مال لازم باشد،

۱- سخنرانی ۱۳۷۷/۹/۲.

۲- نبروهای مسلح در وصیت نامه سیاسی _ الهی امام خمینی رحمه الله، ص ۳۸.

می دهند. اگر حضور تن و جسمشان لازم باشد، آن را حاضر می کنند. اگر بحث سازندگی باشد، پا وسط میدان می گذارند. اگر بحث دفاع باشد، در وسط میدان می آیند. اگر لازم باشد برای هدف های کشور، خود را از لحاظ علمی آماده کنند، این کار را می کنند. هر چه هدف های والا از آنها بخواهند، حاضرند آن را تقدیم بکنند. آن جمعی که این خصوصیات را دارند، اسمشان بسیج است (۱).

تجربه عملی انقلاب نشان داده است که هرگاه آرمان ها و اهداف انقلاب در خطر قرار گرفته است، بسیجی، میدان دار و پشتوانه انقلاب بوده است (۲). همان گونه که حضرت امام خمینی رحمه الله می فرماید:

رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که به حق پشتوانه انقلاب اسلامی است.

رهبر معظم نیز فرمود:

اگر بگوییم قوام انقلاب به بسیج است، حرف گزافی نگفته ایم (۳). دفاع از این نظام، اولین و مقدس ترین و واجب ترین فرایض ملت ایران است و بسیجی کسی است که دفاع از انقلاب را به عهده می گیرد؛ چون در حقیقت، از اسلام و قرآن دفاع کرده است (۴).

۵. تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از دیگر دستاوردهای انقلاب، تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که به فرمان بنیان گذار نظام اسلامی بنا نهاده شد. حضرت امام

۱- سخنرانی ۷۹/۷/۲۹ در اجتماع بزرگ بسیجیان اردوی امام علی علیه السلام.

۲- نیروهای مسلح در وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی، ص ۳۸.

۳- حدیث ولایت، ج ۶، ص ۱۸.

۴- همان، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

خمینی رحمه الله در دوم اردی بهشت ۱۳۵۸ در فرمانی به شورای انقلاب اسلامی، تأسیس نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را رسماً اعلام کرد. مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی نیز در ۳۰ مهر ۱۳۵۸ با تأکید بر نقش سپاه پاسداران، در اصل یک صد و پنجاهم قانون اساسی بر آن صحنه گذارد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای

آن پابرجا ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت سپاه در هماهنگی با وظایف و قلمرو مسئولیت دیگر نیروهای مسلح با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین شد. سپاه پاسداران در عرصه دفاع مقدس نیز با توجه به در اختیار داشتن نیروهای مردمی به ویژه در قالب بسیج توانست نقش ویژه ای را بر عهده بگیرد و به اعتراف خود دشمنان، از نظر روحی و با عملیات های گسترده و غافل گیرانه، پشت دشمن را بلرزاند. مقام معظم رهبری در تبیین نقش سپاه در دفاع مقدس می فرماید:

سپاه پاسداران در سایه روحیه انقلابی و معنویتی که از سرچشمه جوشان دل منور و روح مصفای آن امام عارفان و قدوه صالحان پیوسته می جوشید و بیش از همه، جوانان رزمنده و خالص سپاه و بسیج را سیراب می کرد، توانست نقش تعیین کننده ای را در دفع حمله ایادی استکبار به جمهوری اسلامی ایفا کند و در کنار ارتش و با به کارگیری بسیج مردمی، درس تلخی به دشمنان اسلام بدهد و حفظ و استمرار نظام جمهوری اسلامی را تضمین کند (۱).

سپاه پاسداران در ارتقای فن آوری های نظامی و توان مندی های دفاعی خود، به کارهایی مانند ساخت ناوچه، ساخت اسکله ها و بندرها و سازه های دریایی مورد نیاز ناوگان دریایی، طراحی و ساخت و تولید خودروری نظامی، طراحی و ساخت نمونه بالگرد شاهد، طراحی و ساخت انواع قایق های سبک تهاجمی، طراحی و ساخت موشک های با برد کوتاه و متوسط از جمله شهاب، (۲) طراحی و ساخت قطعات اصلی بسیاری از بالگردها از جمله بالگردهای هیور، طراحی و ساخت سکوه های پرتاب موشک، طراحی و ساخت پرنده های بدون سرنشین، طراحی و ساخت بدنه و قطعات کامپوزیتی، بازسازی کلی سایت های پیشرفته موشکی، ساخت سامانه های رادار، بازسازی قطعات پیشرفته در صنایع هوایی، انجام پروژه بازسازی تعدادی هواپیمای جنگی سوخوی ۲۵ دست زده است. پس از پایان دفاع مقدس، رهبر معظم انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران را به شرکت در بازسازی و سازندگی کشور فراخواند:

ارتش و سپاه و نیروهای مشمول ضمن آنکه آمادگی های رزمی را حفظ می کنند، در شرایط صلح کامل، باید در خدمت آبادانی و بازسازی کشور باشند (۳). نیروهای مسلح، ارتش و سپاه می توانند سهم

۱- حدیث ولایت، ج ۸، ص ۳۱.

۲- نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، صص ۳۶۵_۳۶۶.

۳- حدیث ولایت، ج ۲، صص ۱۵۴_ ۱۵۵.

خود را در بازسازی عمومی کشور هم ایفا کنند، همچنان که امروز هر دو سازمان و به خصوص سپاه، طرح های بزرگی را از سازندگی عمومی کشور بر عهده گرفته و شریک شده اند. ملت ما باید حس کند که نیروهای مسلح نه فقط در دوران جنگ، بلکه در دوران بازسازی هم می توانند پیش گام و پیش قدم باشند(۱).

بر این اساس، سپاه پاسداران تا سال ۱۳۸۲ بیش از ۱۳۰۰ طرح بزرگ را در کشور اجرا کرده است. ساخت گل دسته حرم مطهر امام خمینی رحمه الله، احداث سد گتوند خوزستان، ساخت دکل و اسکله بعثت و اسکله شهید باهنر، ساخت دستگاه حفاری چال موازی، ساخت دستگاه سنگ شکن مخروطی هیدروکسن، احداث ۷۵۰۰۰ هکتار شبکه آبیاری و زه کشی، اجرای ۵۵ کیلومتر تونل با مقاطع مختلف، احداث ۱۴۰۰ کیلومتر راه اتوبان، طراحی و احداث بزرگ ترین مجتمع بندری پتروشیمی کشور و جهان در منطقه پارس جنوبی، ساخت و تعمیر شناورها و دارا بودن مجتمع بزرگ یارد، بازسازی پل خرمشهر و اسکلت لافت، اجرای سدهای مهم تبارک و چری در اصفهان از جمله این موارد است(۲).

-اهمان، ج ۹، ص ۱۱۶.

۵- ۲ نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، صص ۳۶۵-۳۶۶.

فرجام سخن

در یک دسته بندی کلی دستاوردهای انقلاب اسلامی را باید در موارد زیر جست:

۱. استقرار حکومت دینی: تجدید حیات «دین» در سال های پایانی قرن بیستم را که قرن افول معنویت در جهان بود، باید مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی برای جهانیان و مردم ایران برشمرد. گرایش به معنویت، ارزش ها و حاکمیت دین در اداره کشور، از ثمرات ارزشمند این نهضت عظیم اسلامی است.

۲. کسب استقلال: امروزه در پرتو انقلاب اسلامی، ایران، مستقل ترین کشور دنیاست. اراده مردم در اداره جامعه و تعیین سرنوشت خویش و وابستگی نداشتن به قدرت ها را باید از جمله خدمات بزرگ انقلاب شمرد.

۳. آزادی: ملت ایران از بند استعمار و استبداد رهایی یافت و در سایه استقرار حکومت دینی، آزادی، این نعمت بزرگ را به دست آورد. آزادی بیان، آزادی احزاب و مطبوعات از جمله خدمات بزرگ انقلاب اسلامی است که ملت ایران با تمام وجود آن را لمس کرده است.

۴. احیای روحیه خودباوری و اعتماد به نفس: احیای هویت انسانی و توجه به کرامت و عزت انسان در سرلوحه اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی بوده. «اکسیری» که با تکیه بر آن، هر ناممکنی در انقلاب، ممکن شد.» دست یابی ایران به فن آوری هسته ای برای مصارف صلح آمیز ثمره همین خودباوری هاست.

۵. خودکفایی: انقلاب اسلامی برای گسستن حلقه های وابستگی گام های بلندی برداشته است و در بسیاری از عرصه ها که واردکننده بودیم، امروز در مقام خودکفایی و در حال صادرات هستیم.

۶. گسترش فرهنگ عدالت طلبی: عدالت همواره در فرهنگ اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. جهت گیری کلان انقلاب برای محرومیت زدایی و کاهش شکاف طبقاتی میان فقیر و غنی، اقدامی قابل توجه است، هر چند در این زمینه، راه زیادی برای پیمودن داریم.

۷. توجه به آبادانی روستاها: امروزه چهره روستاها با خدمات انقلاب اسلامی دگرگون شده است. در دوران پس از انقلاب، گام های بسیار بلندی برای آبادانی و سازندگی روستاها و رفع فقر و محرومیت از آنها برداشته شده است. کارنامه فرزندان مجاهد جهاد سازندگی، سندی ملی برای این مدعا است که در لوح زرین انقلاب محفوظ خواهد ماند.

۸. اهتمام برای احیای جایگاه زن: زنان مسلمان به برکت انقلاب اسلامی از منزلت ویژه ای برخوردار شدند و اکنون در عرصه های مختلف مشارکت گسترده ای دارند. فقط حجاب و عفاف در عرصه مشارکت و خدمت، از زنان ایران اسلامی، الگوهای ماندگاری برای جهانیان آفریده است.

۹. گسترش فرهنگ، دانش و آموزش عالی: به برکت انقلاب اسلامی، در بیشتر نقاط میهن اسلامی، «دانشگاه» و «مراکز آموزش عالی» به وجود آمده است. توجه به دانش، فرهنگ و هنر در میان جوانان کشور، بی نظیر است. بسیاری از نخبگان امروز کشور، پرورش یافته دوران پس از انقلاب هستند.

۱۰. ارتقای فضای سیاسی کشور: تشکل های مدنی و غیردولتی چون احزاب و مطبوعات، در افزایش و ارتقای دانش و باز شدن فضای سیاسی کشور نقش مهمی ایفا می کنند. امروزه جامعه ایران به ویژه جوانان آن در شمار آگاه ترین مردمان جهان هستند.

۱۱. آبادانی شهرها و گسترش خدمات رفاهی: امروز بخش قابل ملاحظه ای از کشور، از خدمات عمرانی و شهری برخوردار شده است. به برکت انقلاب اسلامی، تلفن، گاز، برق، آب، مدرسه و... در بسیاری از نقاط کشور در اختیار مردم که صاحبان اصلی انقلاب هستند، قرار گرفته است.

۱۲. ارتقای سطح زندگی مردم: کسی تردید ندارد که بهداشت، درمان، بیمه، خدمات درمانی و تأمین اجتماعی پس از انقلاب، نقش ارزنده ای در بهبود زندگی مردم ایفا کرده اند. با وجود مشکلات اقتصادی کشور، تلاش برای تحقق زمینه های زندگی مناسب را باید از پی آمدهای مثبت انقلاب اسلامی بدانیم. برابر با آمار رسمی کشور در مقایسه با قبل از انقلاب، «امید به زندگی» در زنان ۱۰٪ و در مردان ۵۰٪ افزایش یافته است (۱).

۲۵- ۱- گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، معاونت پژوهش برنامه ریزی، ص ۲۵۹.

۱۳. ظهور قطب جدیدی در قدرت جهانی: در نظام دو قطبی حاکم در جهان، ظهور انقلاب اسلامی، قطب های عظیم استکباری را به چالش کشید و در برابر قدرت های برجسته مادی آنها، مردانه ایستاد. این قدرت همان است که مارگارت تاچر، نخست وزیر وقت انگلستان گفت:

وقوع انقلاب اسلامی، بزرگ ترین خطر برای اروپا و جهان در دوران جنگ سرد است.

نخست وزیر رژیم صهیونیستی هم گفت:

انقلاب اسلامی به مثابه زلزله ای است که نه تنها خاورمیانه، بلکه به زودی کل جهان را به لرزه درخواهد آورد (۱).

۱۴. زدودن فساد و آلودگی از چهره کشور: جامعه امروزی ما سرشار از عفاف و پاک دامنی است. فساد، مشروب خواری، قماربازی و آلودگی های دیگر به شکل گسترده ای از کشور رخت بر بسته است. بنا براین، سلامت و امنیت جامعه را باید از ثمرات انقلاب برشمرد.

۱۵. عزت و اقتدار ملی: با انقلاب اسلامی، دست قدرت های بزرگ از مداخله در سرنوشت ایران قطع شد. اکنون ایران بر اساس ایدئولوژی و منافع ملی، شیوه تعامل و روابط خود را با دنیای خارج تعیین و اجرا می کند. عزت و اقتدار ملی سبب شده است تا جمهوری اسلامی در عرصه روابط بین المللی و نهادهای بین المللی، به ویژه در تحولات منطقه ای از جمله در تحولات فلسطین و عراق، حضوری سازنده، مؤثر

و مقتدرانه داشته باشد، به گونه ای که امریکا با وجود دشمنی با ایران، بارها مجبور شد به آن اعتراف کند و مقامات این کشور بارها تأکید کردند که نقش ایران را در تحولات منطقه ای نمی توان نادیده گرفت.

۱۶. اصلاح مادی و معنوی انسان: خاستگاه اصلی انقلاب اسلامی در بحث اصلاحات، انسان است. نص قرآن، تغییرات بیرونی زمانی پایدار و محسوس می شوند که انسان از درون متحول شود. نظر قرآنی این است که ما باید متحول شویم و دنیای پیرامونی خود را تغییر دهیم. این برداشت را امام راحل در آغاز انقلاب مطرح کرد. جمهوری اسلامی در انجام اصلاحات مادی و معنوی، انسانیت انسان را در نظر دارد.

۱۷. مردم سالاری دینی: حضور گسترده مردم در برپایی، شکل گیری و حفظ نظام اسلامی، مظهر کامل مردم سالاری دینی است. غرب چون از عرضه عملی مردم سالاری دین به وسیله جمهوری اسلامی ایران واهمه دارد، همه امکانات خود را برای ناکارآمد جلوه دادن جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن آن در این عرصه به کار گرفته است. واقعیت این است که اتهام هایی نظیر نقض حقوق بشر در ایران، اخلال در روند سازش خاورمیانه و تلاش برای دست یابی به سلاح های هسته ای و کشتار جمعی، بهانه ای بیش نیست.

۱۸. تشکیل حکومت مبتنی بر نظریه ولایت فقیه: از دیگر دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، تعیین نوع حکومت است. حکومت مبتنی بر اسلام و اندیشه ولایت فقیه، تفکری بسیار مرقی است که بخش بزرگی از لایه های این اندیشه در فرهنگ سازی یا اندیشه پروری نظام خود ما

هنوز کاویده نشده است. این الگوی حکومتی، کارآمدی خود را در بحران های متعدد به اثبات رسانیده، به گونه ای که رهبر معظم انقلاب در مورد ولایت فقیه فرموده است:

رهبری نیز در برابر قانون مثل دیگر آحاد مردم است و ولایت مطلقه فقیه که در قانون اساسی آمده، به معنای مطلق العنان بودن رهبری نیست، بلکه به این معنا است که اگر در اداره کشور و اجرای قوانین برای قوای سه گانه مشکلی پیش آمد، رهبری بتواند بر اساس این اختیارات مشکل را حل کند یا برخی مسائل را به عنوان معضل به مجمع تشخیص ارجاع دهد(۱).

درباره دستاوردها و خدمات انقلاب اسلامی، گفتنی فراوان است. تحولات چشم گیر در زیرساخت های کشور چون سدسازی، سیلوسازی، فولاد، پتروشیمی، گاز، نفت، شبکه ارتباطی، شبکه راه آهنی، خطوط پروازی، صنعت، معدن، کشاورزی، بهداشت، حمل و نقل، صنعت ساختمان سازی و مانند آن، کارنامه بی بدیلی از خدمات ارزنده انقلاب را به ملت، به ثبت رسانده است.

اصلاحات در عرصه فرهنگ، هنر، سینما، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، آموزش عالی، تعلیم و تربیت، چاپ و نشر، گسترش فرهنگ قرآنی و معنویت، اهتمام به فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز بخشی دیگر از کارنامه درخشان انقلاب است.

۱- همان، صص ۲۶۸ - ۲۶۹.

در حوزه سیاست خارجی، معرفی اسلام به جهانیان، وحدت جهان اسلام، حمایت از نهضت های آزادی بخش، پشتیبانی از محرومان، مبارزه با استکبار، اهتمام برای اجرای شعار «نه شرقی، نه غربی» از گام های بزرگی است که برداشته شده است.

کتاب نامه

۱. ابوعمرو، زیاد، جنبش های اسلامی در فلسطین، بی جا، سفید، ۱۳۷۱.
۲. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، تهران، نشر مهر، ۱۳۷۵.
۳. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخ داد آن، قم، نهادنمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، چاپ یازدهم، بی تا
۴. حشمت زاده، محمدباقر، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اول، ۱۳۷۸.
۵. خامنه ای، علی، حدیث ولایت و مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۶. خمینی، روح الله، در جست وجوی راه از کلام امام (دفتر هشتم، دفتر دهم، دفتر چهاردهم)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۷. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

۸. _____، فلسطین از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۳.

۹. _____، وصیت نامه امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۴.

۱۰. دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، معماران تباهی، تهران، کیهان، ۱۳۷۶.

۱۱. دلانوا، کریستین، ساواک، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.

۱۲. اسکندر، اسرار زندان اوین، بی جا، بهروز، بی تا.

۱۳. ذوعلم، علی، (گردآورنده)، جرعه جاری، تهران، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷.

۱۴. رفیع زاده، منصور، خاطرات منصور رفیع زاده (آخرین رئیس شعبه ساواک در امریکا)، تهران، اهل قلم، ۱۳۷۶.

۱۵. صمیمی، مینو، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه: حسین ابوترابیان، تهران، انتشارات تهران، اول، ۱۳۷۲.

۱۶. طلوعی، محمود، خاطرات دو سفیر، تهران، نشر علم، ۱۳۷۳.

۱۷. امید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۱۸. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰.

۱۹. قادری، حاتم، (گردآورنده)، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، تهران، سفیر، ۱۳۶۹.

ص: ۱۷۳

۲۰. کدیور، جمیله، انتفاضه، حماسه مقاومت فلسطین، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵.
۲۱. کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
۲۲. مأموریت مخفی در تهران (خاطرات ژنرال هایزر)، ترجمه: محمد حسین عادل، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۵.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۷.
۲۴. معاونت پژوهش و برنامه ریزی و مدیریت مطالعات و پژوهش ها
۲۵. ۲۵. گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، نشر هماهنگ، اول، ۱۳۸۲.
۲۶. معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم انداز دیگران، تهران، ستادبرگزاری هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
۲۷. معتضد، خسرو، ناکامان کاخ سعدآباد، تهران، زرین، ۱۳۷۵.
۲۸. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، پیکان، ۱۳۸۰.
۲۹. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، آیین انقلاب اسلامی، گزیده ای از اندیشه و آرای امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۳.
۳۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، بازتاب رحلت بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۴.
۳۱. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی ایران، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، اداره تبلیغات، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۳۲. وزارت پست و تلگراف و تلفن، ارتباطات در انقلاب اسلامی، تهران، مبلغان، ۱۳۷۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مراومه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و...

۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲. ارتباط با مراکز هم سو

۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد.

فعالیت های موسسه:

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک،

SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه:

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان.

در پایان:

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.